

پیام مریم رجوی به هموطنان در تظاهرات واشینگتن:

برجسب تروریستی میراث سیاست شوم و شکست‌خورده استمالت از ملایان است. زمان آن فرا رسیده که به این سیاست غلط خاتمه داده شود. سرنگونی رژیم ملایان خواسته تمامیت مردم ایران و ضرورت صلح و امنیت جهانی است



آسوشیتد پرس:

تظاهرکنندگان برای فراخواندن به تغییر دموکراتیک در گردهمایی در پارک لافایت روبه‌روی کاخ سفید در روز پنجشنبه ۱۹ ژانویه ۲۰۰۶ شرکت کردند. تظاهرات که توسط شورای تغییر دموکراتیک در ایران حمایت شده بود، شورای امنیت ملل متحد را برای متوقف ساختن حرکت رژیم ایران به سمت سلاح‌های اتمی فراخواند



2US\$ 1.5Pounds 3SFR 3C\$ 2€

اطلاعیه گروه پارلمانی حقوق بشر و دموکراسی در ایران
مجلس نمایندگان آمریکا
۱۲ ژانویه سال ۲۰۰۶
حمایت از تظاهرات برای تغییر دموکراتیک در ایران

تظاهرات ایرانیان در واشینگتن

در حمایت از تغییر دموکراتیک در ایران و حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی

به‌عنوان رؤسای کمیته پارلمانی حقوق بشر و دموکراسی در ایران، ما حمایت خود را از تظاهرات ۱۹ ژانویه واشینگتن دی سی برای تغییر دموکراتیک در ایران اعلام می‌کنیم. ما از موارد نقض وحشتناک حقوق بشر که توسط رژیم ایران صورت گرفته است نگران هستیم. نقض حقوق بشر توسط رژیم ایران در دسامبر سال ۲۰۰۵ برای پنجاه و دومین بار توسط سازمان ملل محکوم شد. رئیس‌جمهور ایران، محمود احمدی‌نژاد سرکوب اقلیت‌های قومی و مذهبی را افزایش داده است. فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران در کردستان و خوزستان به زندان افتاده، شکنجه و اعدام شده‌اند.

هم‌چنین ما بطور جدی نگران سرکشی رژیم ایران در مقابل خواسته جامعه بین‌المللی در مورد برنامه‌های اتمی هستیم. این باعث بی‌ثباتی در منطقه و جهان خواهد شد. ما معتقدیم که یک ال‌ترناتیو محتمل در مقابل رژیم فعلی در ایران حمایت از مردم ایران و مقاومت ایران می‌باشد. ما حمایت خود را از مردم ایران و مبارزه‌شان علیه سرکوبگران اعلام می‌داریم. گروه پارلمانی حقوق بشر و دموکراسی در ایران - کنگره آمریکا

نماینده باب فیلتر- نماینده تام تاکردو

سخنگوی کاخ سفید: ایالات متحده کنار مردم ایران که در پی آزادی هستند، می‌ایستد
در جلسه توجیه مطبوعاتی کاخ سفید (۱۹ ژانویه) خبرنگاری از سخنگوی کاخ سفید پرسید: در بیرون کاخ سفید، ایرانیانی حضور دارند که برای آزادی تظاهرات می‌کنند، شما فکر می‌کنید رئیس‌جمهور جرج بوش برای آنها یعنی ایرانی‌ها چه پیامی دارد؟ اسکات مک کلن در پاسخ گفت: «ما به ایستادن در کنار مردم ایران ادامه می‌دهیم. مردم ایران در جستجوی آزادی بیشتری هستند. سیاست ما مدت‌های مدیدی حمایت از مردم ایران و خواسته آنها برای آزادی بیشتر بوده است.»



در تظاهرات هموطنان ایرانی در واشینگتن شمار زیادی از نمایندگان رسانه‌های خبری آمریکا و جهان شرکت داشتند و به تهیه فیلم و گزارش پرداختند

اجلاس فوری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای ارجاع رژیم به شورای امنیت ۳ بهمن برگزار می‌شود

دیگ چینی معاون رئیس‌جمهور آمریکا نیز افزایش بهای نفت را در صورت ادامه بحران هسته‌ای ایران کم‌اهمیت‌تر از دسترسی احمدی‌نژاد به سلاح اتمی توصیف کرد. در یک اقدام دیگر سنای آمریکاطرحی را به منظور اعمال «تحریم‌های شدید» علیه رژیم ایران و برنامه هسته‌ای آن، مورد بررسی قرار می‌دهد که در آن پیشنهاد شده است رژیم ایران از تمامی جلسات و سازمان‌های بین‌المللی اخراج شود. از سوی دیگرفرانسه درخواست ایران را برای ادامه مذاکرات هسته‌ای رد کرده و رئیس‌ساده مشترک ارتش آن رژیم ایران را نگرانی اصلی فرانسه توصیف کرده است. ادامه مطلب در رویدادهای هفته در صفحه ۲

به عهده دارد به رژیم ایران هشدار داد اگر فعالیت هسته‌ای خود را متوقف نکند، پرونده این رژیم به شورای امنیت ارجاع خواهد شد. وزیر خارجه ایتالیا متحد است و می‌تواند نهایتاً به اعمال تحریم علیه این رژیم منجر شود. با افزایش تلاش بین‌المللی برای ارجاع پرونده اتمی رژیم به شورای امنیت نخست‌وزیر دانمارک خواستار حداکثر فشار به رژیم آخوندی شد، نخست‌وزیر بلژیک تشکیل یک جبهه مشترک علیه برنامه هسته‌ای رژیم را ضروری دانست و وزیر امور خارجه ژاپن که کشورش ریاست دوره‌ای شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را

فوق‌العاده شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دانست تا سیاست مصممی را در قبال رژیم ایران اتخاذ کند. خبرگزاری رویتر ۵۲۸:۸۴ گزارش داد آمریکا رژیم ایران به شورای امنیت، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که این اجلاس فوری را در آفریقا (۱۳ بهمن) برگزار خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه ۲۸:۵۲، نخست‌وزیر فرانسه در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک با صدراعظم آلمان گفت: اکنون راه‌حل ارجاع پرونده رژیم ایران به شورای امنیت پیش روی ما قرار دارد و آنجا مرکز، نیز گام بعدی را برگزاری اجلاس

به‌دنبال اجلاس اعضای دائمی شورای امنیت و کشور آلمان در لندن و فراخوان برای تشکیل اجلاس اضطراری شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌منظور بررسی ارجاع پرونده هسته‌ای رژیم ایران به شورای امنیت، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که این اجلاس فوری را در آفریقا (۱۳ بهمن) برگزار خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه ۲۸:۵۲، نخست‌وزیر فرانسه در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک با صدراعظم آلمان گفت: اکنون راه‌حل ارجاع پرونده رژیم ایران به شورای امنیت پیش روی ما قرار دارد و آنجا مرکز، نیز گام بعدی را برگزاری اجلاس

به‌دنبال اجلاس اعضای دائمی شورای امنیت و کشور آلمان در لندن و فراخوان برای تشکیل اجلاس اضطراری شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌منظور بررسی ارجاع پرونده هسته‌ای رژیم ایران به شورای امنیت، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که این اجلاس فوری را در آفریقا (۱۳ بهمن) برگزار خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه ۲۸:۵۲، نخست‌وزیر فرانسه در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک با صدراعظم آلمان گفت: اکنون راه‌حل ارجاع پرونده رژیم ایران به شورای امنیت پیش روی ما قرار دارد و آنجا مرکز، نیز گام بعدی را برگزاری اجلاس

در صفحات دیگر

ساختار اولین بودجه‌بندی دولت پاسداران یزدان حاج‌حمزه
دولت احمدی‌نژاد خود را مأمور پیشبرد سیاستی جدید در عرصه داخلی و بین‌المللی می‌داند. رئیس این دولت دینگر ملل دولت خانمی مدعی آزادسازی سیاسی و آزادسازی اقتصادی نیست، از جاده متعارف خارج شده و برای ایزدگرم کردن، شعارهایی را در عرصه سیاسی و اقتصادی سر می‌دهد که در حوزه کار و مأموریت دولتهای متعارف نمی‌گنجد
در صفحه ۷



تظاهرات ایرانیان آزاده در لندن
تظاهرکنندگان از ارجاع پرونده اتمی رژیم آخوندی به شورای امنیت سازمان ملل حمایت کردند
دوشنبه ۲۶ دیماه، همزمان با برگزاری اجلاس مقامات وزارت خارجه پنج عضو دائم شورای امنیت ملل متحد در مقر وزارت خارجه انگلستان، ایرانیان آزاده در مقابل مقر وزارت خارجه انگلستان دست به تظاهرات زدند.
در صفحه ۵

حقیقت در برابر دروغ
مروری بر گزارش هیأت پارلمان اروپا درباره گزارش مغرضانه «دبیدان» علیه مجاهدین
گزارش هیأت پارلمان اروپا درباره شهر اشرف و سازمان مجاهدین خلق ایران در اجلاسی از نمایندگان پارلمان اروپا در بروکسل که به ریاست نایب‌رئیس اول این پارلمان برگزار شد و توسط پائولو کاساکا نماینده پارلمان اروپا در برتغال، ارائه و تشریح شد.
در صفحه ۹

مقالات:
- به سوی بیروزی رحمان گورگی
- تسلیم در برابر ملایان آ ج
- صورتهای رنگ‌بریده نظام... ع - خادمدادی صفحه ۱۰



همکاری گسترده دو بانک معروف سوئیسی با رژیم ایران متوقف شد
غول بانکی سوئیس - یوبی‌اس - در گزارشی اعلام کرد که انجام کلیه امور تجاری با ایران را به دلیل ملاحظات اقتصادی و هم‌چنین احساس خطر موقعیت سیاسی رژیم ایران، متوقف کرده است.
به‌دنبال قطع همکاری بانک یوبی‌اس سوئیس با رژیم ایران، بانک «کردیت سوئیس» نیز اعلام کرد که قصد دارد مناسبات مالی خود را با رژیم ایران قطع کند
در صفحه ۷

بانک مرکزی ذخائر ارزش را به کشورهای دیگری منتقل کرده است
روزنامه واشینگتن پست نوشت رژیم ایران که به‌خاطر برنامه اتمی در معرض تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفته است، خارج ساختن سرمایه‌های ارزی خود را از بانکهای اروپایی آغاز کرده است. خبرگزاری آسوشیتد پرس نیز گفت این اقدام نشان می‌دهد که رژیم ایران تحمل مجازات سازمان ملل متحد را به دست کشیدن از جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ترجیح می‌دهد و روزنامه گاردین آن را یک اقدام تدافعی می‌داند و از سوی دیگر سمت‌سودهنده حرکات اجتماعی و جنبشهای مردمی و در یک کلام راهگشا و تضمین‌پروزی در برابر آزادسازی از همین روست که شتاب و شدت بحران رژیم با جامعه جهانی و جامعه ایران، حقانیت «راه‌حل سوم» را برجسته می‌کند و از تظاهرات هموطنان در آمریکا (صفحه اول همین شماره) تا گردهمایی‌های شخصیتها و شهروندان عراقی در اشرف (صفحه آخر) بر ضرورت «راه‌حل سوم» و حذف برجسب و راهبند تروریستی به مثابه حلقه اصلی سیاست شوم و درهم شکسته مماشات، تأکید می‌شود.

ضمیمه ادبی و فرهنگی ندا (شماره ۱۱)
در این شماره ندا مطالب زیر را می‌خوانید:
- صمد با قصه‌هایش برای آموختن از کاظم مصطفوی
- یک نمونه از تحریف و لوٹ کردن ارزشها توسط قلم‌بزمندان آخوندی
- صمد در قلب من است از فدایی شهید علیرضا بابل
- روایت مرگ از کتاب «برادرم صمد بهرنگی»
- معبود خدایان از ناهید همت‌آبادی
- یک سفر و دو دیدار از صوفی سعیدی
- شعر آوازه‌ای تو از دکتر زری‌اصفهانی و سه شعر از اشعار لورکا
- قصه «حرفهای ساعت کوهی من» از ج. ح. مقدم



رئیس‌جمهور بلژیک در زمینه حمایت جدی از اپوزیسیون ایران هیچ کاری صورت نگرفته ولی در عوض به ملاحه سواری مجانی می‌دهیم
ریچارد برل، مشاور سابق پنتاگون و از کارشناسان انستیتیو اینتربرايز آمریکا، خطاب به کشورهای غربی تأکید کرد به جای استمالت و راه‌حل نظامی به یک حمایت جدی و نیرومند از اپوزیسیون ایران بپردازند.
در صفحه ۲

شتاب و شدت بحران و «راه حل سوم»
خبرهای همین صفحه و تحولات هفته گذشته نشان می‌دهد که بحران بین رژیم آخوندی و جامعه بین‌المللی روز به روز حادتر می‌شود و «نقطه عطف» مورد بحث ما در همین ستون در شماره گذشته بی‌پایان نشده دلخواه را از غول بانکی سوئیس به قطع روابط تجاری با رژیم، تعیین تاریخ اجلاس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، و تنظیم قطعنامه ارجاع رژیم به شورای امنیت، ادعای دولتمردان غربی به بن‌بست مذاکراتشان با رژیم و این که «اگر ادامه می‌دهیم، با خطر جدی مواجه خواهیم شد» (وزیر خارجه آلمان) و «منی توایم اجازه بدهیم که رژیم ایران به قوانین بین‌المللی ریشخند بزند» (نخست‌وزیر فرانسه)، اخطار «اتمی» رئیس‌جمهور فرانسه به «حکومتهایی که با نقض قوانین و تعهدات بین‌المللی دنبال سلاح اتمی هستند» و سپس تأکید رئیس‌ساده مشترک ارتش فرانسه بر این که رژیم ایران «نگرانی اصلی» است، و بالاخره ابراز بی‌اعتمادی رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نسبت به آخوندها و تصریح او به مردودیت آخوندها طی «سه سال آزمون راستگویی» و این که «منی توایم ضرب‌الاجل را به درازا بکشتم»، همه و همه، بیانگر شدت و شتاب بحران است.
در مقابل، رژیم آخوندی در واکنشهای هیستریک خود، البرادعی را «وزیر جنگ آمریکا» می‌خواند، تصمیم به انتقال سپرده‌های ارزی خود از بانکهای اروپا به بانکهای آسیا می‌گیرد و تهدید به «شروع غنی‌سازی صنعتی» و «خروج

تظاهرات اتایرانیان درواشینگتن

حمایت از تغییر دمو کراتیک در ایران و حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی



صبح پنجشنبه،۲۹ دی ماه، هزاران تن از هموطنان طی تظاهرات باشکوهی در پارک لافایت در مقابل کاخ سفید در واشینگتن دی.سی، با اعلام حمایت از راه حل سوم رئیس‌جمهور برگزیدهٔمقاومت ایران، خاتم مریم رجوی،مبنی بر تغییر دمو کراتیک با تکیه بر مردم و مقاومت سازمان‌یافته ایران، خواهان حذف برچسب ترورستی از سازمان مجاهدین خلق، نیروی محوری مقاومت و اعمال تحریمهای همه‌جانبه توسط شورای امنیت ملل متحد علیه دیکتاتوری مذهبی و ترورستی حاکم بر ایران گردیدند. در این گردهمایی پهلوان مسلم اسکندر فیلابی،مسئول کمیسیون ورزش شورا و دکتر محمد قربانی،فهرمان سابق کشتی جهان و عضو شورای ملی مقاومت، طی سخنانی،ضمن ابراز حمایت از رزمندگان شهر شرف،بر ضرورت حذف نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست سازمان های ترورستی تأکید کردند.

خاتم مریم رجوی طی یک پیام ویدئویی به تظاهرکنندگان گفت: «اکنون زمان آن رسیده که پروندهٔ جنایات ملایان علیه مردم ایران و تروریسم آن به شورای امنیت ملل متحد ارجاع شود و سران رژیم در دادگاه بین‌المللی مورد محاکمه قرار گیرند.»

در این گردهمایی شماری از اعضای مجلس نمایندگان



راه‌حل در دست مقاومت ایران است با افکار و بینش ضدبنیادگرایی که دینی بردارانه از اسلام است که در برابر دین ارانه شده توسط مالاها قرار دارد.»

در این تظاهرات، هیأتیابی از سوی خانواده‌های شهیدان و مجاهدین و رزمندگان مستقر در شهر اشرف، جوانان، متخصصان و زنان به ایراد سخنرانی پرداختند.

هیاتی از سوی خانواده‌های شهدای مجاهدین و رزمندگان مستقر درشهر اشرف نیز روی سن رفتند و ضمن اعلام حمایت از تغییر دمو کراتیک و راه حل ارانه شده توسط خاتم رجوی، خاطر نشان ساختند که

برچسب ترورستی علیه مجاهدین به منظور استمال اعلام کرد و با مجاهدان شهر اشرف ابراز هبستگی نمود.

خاتم سونا صمصامی گفت: «مقاومتی که اشرف در

کانون آن قرار دارد به‌راستی صلاحیت،حقانیت و توانمندی خود را طی سه سال گذشته در بهترین شرایط سیاسی و نظامی منطقه‌یی به اثبات رسانده است.

آقای علیرضا جعفرزاده یادآور شد: یک‌راه‌حل برای ایران وجود دارد. این راه‌حل توسط رئیس‌جمهور برگزیدهٔمقاومت خاتم مریم رجوی ارانه شده است.



دکتر محمد قربانی و پهلوان مسلم اسکندر پروفیسور دانیل زوکر،رئیس ویناینگلنار کمیته فیلابی از پیش‌کشورن و فهرمانان کشتی ایران

سونا صمصامی: **کلید تغییر در دست مردم و مقاومت سازمان‌یافتهٔ آنهاست**
تنها و تنها کلید تغییر در دست مردم و مقاومت سازمان‌یافتهٔ آنهاست که بیش از یک ربع قرن برای آزادی و حاکمیت مردم در ایران مبارزه می‌کند. اما از مهمترین راهبندهای این تغییر دموکراتیک همانا برچسب ترورستی علیه نیروی محوری مقاومت ایران، یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران است. در چنین شرایطی وظیفهٔ یاران و پشتیبانان مقاومت این است که در هر فرصتی از این خواستههای مشروع که خواست عموم مردم ایران است دفاع کنند و دسایس آخوندهای ضدبشر را علیه سنگر آزادی و مقاومت رسوا و افشا کنند. پیروزی از آن مردم و مجاهدین ایران زمین و از آن رزمندگان قهرمان و سرفراز شهر اشرف است.

دکتر محمد قربانی: ما صدای ملت ایران را به گوش جهان می‌رسانیم

من از طرف خود و سایر ورزشکاران حامی مقاومت، این پیام را برای ملت ایران دارم که ما هرچا باشیم یکبار نشسته و صدای شما را به گوش جهانیان می‌رسانیم. نظم و ستمی که آخوندهای جنایتکار، بر شما روا داشته‌اند در هیچ جای دنیا سابقه نداشته‌است. از همین رو این جامع شده‌ام که پیام شما و صدای زجر و شکنجه‌ی که زیر حاکمیت این ملایان خونخوار و قرون وسطایی دارید به گوش همه برسانیم.

پهلوان مسلم اسکندر فیلابی: زمان اتخاذ یک سیاست قاطع در برابر رژیم فرارسیده است

به‌عنوان یک ورزشکار سابق وظیفهٔ ملی و میهنم می‌دانم که صدای مظلومیت مردم ایران را به گوش تمام مردم دنیا برسانم با هر زبانی. ما امروز به این جا آمدیم تا بگوییم که یاد یاران شهید خود، قهرمانان ملی ایران مانند حبیب خیبری و هوشنگ منتظرالظهور را فراموش نکرده‌ایم. احمدی‌نژاد و ملایان حامی او بنزودی سرنگون خواهند شد اما این امر در این صورت محقق خواهد شد که جهان به صدای ملت ایران که توسط خاتم مریم رجوی بلند شده است گوش فرا دهد. زمان اتخاذ یک سیاست قاطع فرا رسیده است. ما از بوش، رئیس‌جمهور آمریکا

آمریکا،سناتورها و شخصیتهای سیاسی و حقوق بشری به سخنرانی پرداخته یا در پیامهای جداگانه‌یی حمایت خود را از اهداف تظاهرکنندگان اعلام داشتند. سناتور تام کوبرن، سناتور کی هاجسیون، نماینده شیلجا جکسون لی، نماینده کریستوفر شیر طرا پیامهایی حمایت خود را اعلام کردند. هم‌چنین نمایندگان کنگره، باب فیلر و تام تانکروو، رؤسای کمیتهٔ پارلمانی حقوق بشر و دمو کراسی در ایران، طی پیام مشترکی از این تظاهرات حمایت کردند.

پروفیسور ریومنود تنتر، عضو سابق شورای امنیت ملی آمریکا و رئیس مشترک کمیتهٔ سیاست ایران طی سخنرانی پرشوری حمایت خود را از راه حل سوم اعلام کرد و با مجاهدان شهر اشرف ابراز هبستگی نمود.

دکتر حسین جهانسور به نمایندگی از هیأت متخصصان و استادان ایرانی با تأکید بر فریبکاریهای رژیم آخوندی در خصوص برنامه اتمی گفت:

«بسیاری از دانشمندان و استادان ایرانی با دست این رژیم به شهادت رسیده‌اند. این رژیم دشمن مردم ایران است و به همین دلیل ما از اعمال تحریم از سوی



لین برکشایر، از انجمن خانواده‌های سربرازان آمریکایی قربانی تروریسم

اسمیت. وینسن برادر من بود. من در این غم تنها نیستم. ۲۴۱ نفر دیگر در آن روز کشته شدند. تعدادی از اعضای خانوادهٔ آنها امروز در کنار ما خواهان عدالت هستند. مردم ایران نیز قربانی هستند. رئیس‌جمهور بوش به من دلبلی برای امیدواری به آیندهٔ کودکان خردسالمان بدهید. در کنار مقاومت ایران برای آزادی ملت ایران قرار بگیرید. ملت ایران آماده است و شما آمادهٔ سرنگون کردن این رژیم شیطانی هستید. اما داستان آنها بدست است. مردم ایران ترورست نیستند. احمدی‌نژاد است که یک ترورست واقعی است.

حمایت خود را برای آزادی و دمو کراسی اعلام کنید کشتار افراد غیرنظامی و با تسخیر سفارت آمریکا و یا مردم ایران خواهان نیروهای مسلح ما نیستند. آنها تنها چیزی که می‌خواهند حمایت از راه‌حل سوم است. به آنها کمک کنید که برخیزند و حکومت خود را سرنگون کنند. من آگاهم که این اقدامات برادرم را به من برنمی‌گرداند. اما اگر قاتلین آن بالاخره مجازات شوند و اگر کودکان من بدون نگرانی از تروریسم پرورش یابند، شاید مرگ او بیوهه نبوده است.

پروفیسور ریومنود تنتر: ما خود را از اشرف می‌دانیم

یکی از کارهایی که ما در مؤسسهٔ سیاست‌گذاری ایران انجام دادیم، تحقیق در مورد اتهامات مطرح شده نسبت به مقاومت ایران بوده‌است. اتهاماتی از قبیل کشتار افراد غیرنظامی و با تسخیر سفارت آمریکا و یا این که مجاهدین یک سازمان ترورستی است. نتیجهٔ تحقیقات ما نشان داد که تمامی این اتهامات بی‌اساس بوده و مجاهدین خلق هرگز به کسی غیر از نیروهای سرکوبگر ایران حمله نکرده‌اند. از همین‌رو ما معتقدیم که به نفع آمریکاست که سازمان مجاهدین خلق از لیست سازمانهای ترورستی خارج شود. رژیم ایران به شدت از مقاومت و مجاهدین خلق در هراس است، بنابراین کاملاً ضروری است که مجاهدین را از لیست خارج کنیم، تا این وعدهٔ آقای بوش را که گفته بود، اگر مردم ایران به‌پا نخیزند آمریکا در کنار آنها خواهد بود، محقق شود

حضور شهر اشرف تداعی‌گر سرنگونی محتوم این

تظاهرات اتایرانیان درواشینگتن

حمایت از تغییر دمو کراتیک در ایران و حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی



صبح پنجشنبه،۲۹ دی ماه، هزاران تن از هموطنان طی تظاهرات باشکوهی در پارک لافایت در مقابل کاخ سفید در واشینگتن دی.سی، با اعلام حمایت از راه حل سوم رئیس‌جمهور برگزیدهٔمقاومت ایران، خاتم مریم رجوی،مبنی بر تغییر دمو کراتیک با تکیه بر مردم و مقاومت سازمان‌یافته ایران، خواهان حذف برچسب ترورستی از سازمان مجاهدین خلق، نیروی محوری مقاومت و اعمال تحریمهای همه‌جانبه توسط شورای امنیت ملل متحد علیه دیکتاتوری مذهبی و ترورستی حاکم بر ایران گردیدند. در این گردهمایی پهلوان مسلم اسکندر فیلابی،مسئول کمیسیون ورزش شورا و دکتر محمد قربانی،فهرمان سابق کشتی جهان و عضو شورای ملی مقاومت، طی سخنانی،ضمن ابراز حمایت از رزمندگان شهر شرف،بر ضرورت حذف نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست سازمان های ترورستی تأکید کردند.

خاتم مریم رجوی طی یک پیام ویدئویی به تظاهرکنندگان گفت: «اکنون زمان آن رسیده که پروندهٔ جنایات ملایان علیه مردم ایران و تروریسم آن به شورای امنیت ملل متحد ارجاع شود و سران رژیم در دادگاه بین‌المللی مورد محاکمه قرار گیرند.»

در این گردهمایی شماری از اعضای مجلس نمایندگان



کریس برابانت از جنبش جهانی علیه تروریسم

پروفیسور ریومنود تنتر، عضو ارشد سابق شورای امنیت ملی آمریکا

رژیم است. پس اجازه بدهید به آتهایی که در اشرف هستند بگویم: ما همه اشرفی هستیم. زیرا ما خود را از اشرف می‌دانیم و از ایترو حمایت خود را از آنها اعلام می‌کنیم.

کر تیس برایانت: احمدی‌نژاد تهدیدی برای جهان است

ما علیه اقدامات ترورستی مبارزه می‌کنیم ابتدا می‌خواهم خاطرهٔ قربانیان گریداد کاترینا و نیز کسانی که جان خود را هرروز در مصاف با تروریسم از دست می‌دهند، گرامی بدارم. احمدی‌نژاد مسئول رنج روزمرهٔ مردم ایران است. او مردم خود را تحت ستم و در زیر ترس و استبداد قرار داده است. او در تأمین و آماده‌سازی اقدامات ترورستی دخالت داشته‌است. رئیس‌جمهور ایران تنها یک تهدید برای مردم خود نیست بلکه تهدیدی برای سراسر جهان است. من یک مبارز علیه تروریسم هستم افرادی نظیر بن لادن باید دستگیر شوند او مسئول قتل هزاران نفر می‌باشد. افرادی نظیر احمدی‌نژاد بایستی دستگیر شوند زیرا که او مسئول حمایت از اعمال ترورستی است که طی آن دهها نفر جان خود را از دست داده‌اند.

ران پریکاپ: حکومت ایران باید تغییر کند
امروز ما این جا در پارک لافایت، در مقابل کاخ سفید، گردهم آمدیم. همان‌طور که می‌دانید این پارک به مدت ۲۰۰ سال محل تجمع افرادی بوده است که می‌خواهند خواسته‌های خود را به دولت آمریکا و جهان نشان دهند. ما این‌جا جمع شده‌ایم تا به رهبران آمریکا بگوییم در ایران باید یک تغییر حکومت صورت گیرد و آزادی مردم این سرزمین کهن بایستی محقق شود.

هم‌اکنون دولت آمریکا هیچ سیاستی در قبال دولت ایران ندارد. سیاست مسئولانهٔ این است که سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت از لیست سازمانها ی ترورستی خارج شوند. و فراتر از آن آمریکا باید ی قدرت معنوی و سیاسی خود برای کمک به این قبیل جنبشها جهت فراهم کردن شرایط یک انتخابات دمو کراتیک زیر نظر سازمان ملل، استفاده کند. این تنها روشی است که آمریکا می‌تواند به مردم ایران برای روشن شدن از شر مالاها، کمک کند.

بقیه در صفحهٔ ۴



تظاهرات اتایرانیان درواشینگتن

حمایت از تغییر دمو کراتیک در ایران و حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی



صبح پنجشنبه،۲۹ دی ماه، هزاران تن از هموطنان طی تظاهرات باشکوهی در پارک لافایت در مقابل کاخ سفید در واشینگتن دی.سی، با اعلام حمایت از راه حل سوم رئیس‌جمهور برگزیدهٔمقاومت ایران، خاتم مریم رجوی،مبنی بر تغییر دمو کراتیک با تکیه بر مردم و مقاومت سازمان‌یافته ایران، خواهان حذف برچسب ترورستی از سازمان مجاهدین خلق، نیروی محوری مقاومت و اعمال تحریمهای همه‌جانبه توسط شورای امنیت ملل متحد علیه دیکتاتوری مذهبی و ترورستی حاکم بر ایران گردیدند. در این گردهمایی پهلوان مسلم اسکندر فیلابی،مسئول کمیسیون ورزش شورا و دکتر محمد قربانی،فهرمان سابق کشتی جهان و عضو شورای ملی مقاومت، طی سخنانی،ضمن ابراز حمایت از رزمندگان شهر شرف،بر ضرورت حذف نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست سازمان های ترورستی تأکید کردند.

خاتم مریم رجوی طی یک پیام ویدئویی به تظاهرکنندگان گفت: «اکنون زمان آن رسیده که پروندهٔ جنایات ملایان علیه مردم ایران و تروریسم آن به شورای امنیت ملل متحد ارجاع شود و سران رژیم در دادگاه بین‌المللی مورد محاکمه قرار گیرند.»

در این گردهمایی شماری از اعضای مجلس نمایندگان



کریس برابانت از جنبش جهانی علیه تروریسم

پروفیسور ریومنود تنتر، عضو ارشد سابق شورای امنیت ملی آمریکا

رژیم است. پس اجازه بدهید به آتهایی که در اشرف هستند بگویم: ما همه اشرفی هستیم. زیرا ما خود را از اشرف می‌دانیم و از ایترو حمایت خود را از آنها اعلام می‌کنیم.

کر تیس برایانت: احمدی‌نژاد تهدیدی برای جهان است

ما علیه اقدامات ترورستی مبارزه می‌کنیم ابتدا می‌خواهم خاطرهٔ قربانیان گریداد کاترینا و نیز کسانی که جان خود را هرروز در مصاف با تروریسم از دست می‌دهند، گرامی بدارم. احمدی‌نژاد مسئول رنج روزمرهٔ مردم ایران است. او مردم خود را تحت ستم و در زیر ترس و استبداد قرار داده است. او در تأمین و آماده‌سازی اقدامات ترورستی دخالت داشته‌است. رئیس‌جمهور ایران تنها یک تهدید برای مردم خود نیست بلکه تهدیدی برای سراسر جهان است. من یک مبارز علیه تروریسم هستم افرادی نظیر بن لادن باید دستگیر شوند او مسئول قتل هزاران نفر می‌باشد. افرادی نظیر احمدی‌نژاد بایستی دستگیر شوند زیرا که او مسئول حمایت از اعمال ترورستی است که طی آن دهها نفر جان خود را از دست داده‌اند.

ران پریکاپ: حکومت ایران باید تغییر کند
امروز ما این جا در پارک لافایت، در مقابل کاخ سفید، گردهم آمدیم. همان‌طور که می‌دانید این پارک به مدت ۲۰۰ سال محل تجمع افرادی بوده است که می‌خواهند خواسته‌های خود را به دولت آمریکا و جهان نشان دهند. ما این‌جا جمع شده‌ایم تا به رهبران آمریکا بگوییم در ایران باید یک تغییر حکومت صورت گیرد و آزادی مردم این سرزمین کهن بایستی محقق شود.

هم‌اکنون دولت آمریکا هیچ سیاستی در قبال دولت ایران ندارد. سیاست مسئولانهٔ این است که سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت از لیست سازمانها ی ترورستی خارج شوند. و فراتر از آن آمریکا باید ی قدرت معنوی و سیاسی خود برای کمک به این قبیل جنبشها جهت فراهم کردن شرایط یک انتخابات دمو کراتیک زیر نظر سازمان ملل، استفاده کند. این تنها روشی است که آمریکا می‌تواند به مردم ایران برای روشن شدن از شر مالاها، کمک کند.

بقیه در صفحهٔ ۴

پیام رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت:



• زمان آن فرا رسیده که دولتها در کنار مردم ایران قرار

گیرند

• اکنون باید به سیاست استمالت در همهٔ ابعاد آن خاتمه داده شود

هموطن عزیز

به همه شما و تظاهرات پرشورتان درواشینگتن درود می‌فرستم.شما در شرایطی گرد آمده‌اید که جهان به

حقانیت خواستهٔ مردم ایران گواهی می‌دهد و به یک اجماع بین‌المللی برای ارجاع پروندهٔ اتمی رژیم ملایان به شورای امنیت ملل متحد نزدیک می‌شود.

این وضعیت قبل از هر چیز نتیجه تلاشهای مقاومت ایران و تک تک شما می‌باشد که با صبر و پشتکار بی‌نظیر بر این خواسته برحق پوی فشردید. شما با تلاشهای خود مقاصد شوم ملایان را افشا کردید.

ارجاع پروندهٔ اتمی ملایان به شورای امنیت قدم اول است.

اکنون زمان آن رسیده که پروندهٔ جنایات ملایان علیه مردم ایران و تروریسم آن به شورای امنیت ملل متحد ارجاع شود و سران رژیم در دادگاه‌های بین‌المللی مورد محاکمه قرار گیرند. اکنون زمان آن رسیده که به سیاست استمالت در همهٔ ابعاد آن خاتمه داده شود.

قربانی اصلی این سیاست مردم و مقاومت ایران بوده‌اند. به‌خاطر دلجویی از ملایان، نام سازمان مجاهدین خلق ایران در لیست ترورستی قرار گرفت. به رزمندگان آزادی ایران برچسب ترورست زدند، اما برای ترورستهای حاکم بر ایران فرش قرمز پهن کردند. سیاست استمالت این امکان را به ملایان داد که با سیاستهای ماجراجویانهٔ خود، امروز جهان را در معرض یک خطر بزرگ قرار دهند.

پاسخ اصولی به این بحران، قبل از هر چیز تغییر رژیم در ایران است و این امر تنها و تنها به‌دست مردم ایران و مقاومت سازمان‌یافتهٔ آنها محقق خواهد شد.

بنابراین زمان آن فرا رسیده که نام مجاهدین از لیست ترورستی خارج شود و به محدودیتهای ناعادله‌یی که طی این سالیان بر مقاومت ایران اعمال شده خاتمه داده شود.

هموطن عزیز

در نوامبر ۲۰۰۴ سه کشور اروپایی در مذاکرات اتمی با ملایان متعهد شدند که در صورت عدم غنی‌سازی اورانیوم از سوی رژیم، اتحادیهٔ اروپا نام سازمان مجاهدین خلق را در لیست ترورستی نگه‌خواهدداشت.

امروز ننگ آن سازش برای اروپا باقیمانده، در حالی که رژیم غنی‌سازی را شروع کرده است. این نتیجهٔ سیاست سازش در قبال ملایان است.

ما از سالها قبل هشدار داده‌ایم که سازش ملایان را جرئت می‌کند و پروندهٔ اتمی ملایان باید به شورای امنیت ارجاع داده شود. امروز وزیر خارجهٔ انگلیس اذعان می‌کند که

چند سال پیش که روشن شد ایران تعهداتش را نقض کرده‌ام می‌توانستیم بلافاصله پرونده را به شورای امنیت ارجاع بدهیم.

متأسفانه در عراق نیز به هشدارهای مقاومت ایران در مورد دخالتهای فرایندهٔ ملایان توجهی نشد. نتیجهٔ آن شد که عناصر ملایان در همهٔ ادارات و وزارتخانه‌های عراق نفوذ کردند. شکنجه‌گاههای غیر رسمی برپا کردند. به‌طوری‌که بسیاری از عراقیان هم اکنون از اشغال پنهانی عراق توسط ملایان صحبت می‌کنند. در جریان انتخابات نیز با بهره‌انداختن یک کارزار گسترده و تقلبات و رأی‌سازیهای نجومی تلاش کردند نفوذ خود را بر عراق تثبیت کنند.

در دورهٔ کوتاهی که از منقبض شدن رژیم و روی کار آمدن پاسدار احمدی‌نژاد سپری شده است، آخوندها مخالفتهای خود با صلح خاورمیانه را به‌طرز بی‌سابقه‌یی گسترش دادند و روز به روز بیشتر کشورهای منطقه و کل جهان را هدف تهدیدهای جنگ‌افروزانهٔ خود قرار می‌دهند.

ملایان هم‌چنان بر این باورند که جامعهٔ بین‌المللی ارادهٔ لازم برای برخورد با سیاستهای آنها را ندارد. شاخص جدیدت از نظر ملایان و هر ناظر بیطرف، سیاست آمریکا و اروپا در قبال مقاومت ایران است. آنچه که این رژیم را این چنین گستاخ کرده، قبل از هر چیز، قرار دادن آنها را جرئت خواهد ساخت.

نام سازمان مجاهدین را از لیست ترورستی خارج کنید و حق مقاومت را برای مردم ایران به‌رسمیت بشناسید. من گفتم‌ام و بازهم تکرار می‌کنم که ما از دولتهای جهان لیست ترورستی و فشار روی مقاومت ایران را هبند استقرار آزادی و مانع بروز توانمندیهای این مقاومت است. همچنان که دو میلیون و هشتصد هزار تن از مردم این فشار و محدودیتها علیه سازمان مجاهدین خلق ایران «هوازنهٔ استراتژیکی با رژیم ایران در این منطقه حساس ازجهان برهم زده‌است.»

ما از دولتهای جهان هیچ انتظاری نداریم جز آن‌که

مردم و مقاومت ایران مصمم هستند که آزادی را در ایران محقق کنند و سرنوشت خود را تعیین کنند.

زمان آن فرا رسیده که دولتها در کنار مردم ایران قرار

گیرند.

برخی از بازتابهای مطبوعاتی تظاهرات واشینگتن



آوسپتید پیرس ٢٩ دی (١٩ ژانویه): تظاهرکنندگان برای فراخواندن به تغییر دموکراتیک در گردهمایی پنجشنبه ١٩ ژانویه ٢٠٠٥، فرح بزدارن از سن خوزه کالیفرنیا (سمت راست) عکس خواهرش پروانه بزدارن که در ژوئیه ١٩٨٨ کشته شده را نگهداشته است. کنار او ران پروان از فلوریدا عکسی از فرزندش توماس پروان که در بمبگذاری در بیروت در ٢٣ اکتبر ١٩٨٣ کشته شده را نگهداشته است.

آوسپتید پیرس ٢٩ دی (١٩ ژانویه): سعید شمس عضو شورای تغییر دموکراتیک در ایران برای تظاهراتی در پارک لافایت در مقابل کاخ سفید در روز پنجشنبه ١٩ ژانویه، صحبت کرده و خواستار تغییر دموکراتیک در ایران شد. این تظاهرات خواستار تغییر دموکراتیک در ایران شد و شورای امنیت ملل متحد را تشویق به متوقف ساختن برنامه کسب سلاحهای اتمی رژیم ایران کرد.

آوسپتید پیرس ٢٩ دی (١٩ ژانویه): در جریان تظاهراتی در پارک لافایت در مقابل کاخ سفید در روز پنجشنبه ١٩ ژانویه ٢٠٠٥، فرح بزدارن از سن خوزه کالیفرنیا (سمت راست) عکس خواهرش پروانه بزدارن که در ژوئیه ١٩٨٨ کشته شده را نگهداشته است. کنار او ران پروان از فلوریدا عکسی از فرزندش توماس پروان که در بمبگذاری در بیروت در ٢٣ اکتبر ١٩٨٣ کشته شده را نگهداشته است.

لس آنجلس تایمز ٣٠ دی (٢٠ ژانویه): ایرانیان مقیم آمریکا برای یک راه حل متفاوت تظاهرات می کنند

کن، ما خواهان بیرون آوردن مجاهدین از لیست هستیم. شیرین نریمان از کمیته تغییر دموکراتیک در ایران که برگزار کننده تظاهرات بود گفت: «ما به دنبال جنگ یا دخالت نظامی از طرف غرب نیستیم. ما کمک مالی نیز نمی خواهیم. ما فقط خواهان یک راه حل سوم هستیم که تغییر دموکراتیک رژیم در ایران است.» شهبانی اظهار داد که به دست آوردن بسب اتمی بلوزهای زرد به تن کرده بودند و کلاههای زرد داشتند. پرچمهای ایران را تکان می دادند و پوستهای رهبران تبعیدی مقاومت، مسعود و مریم رجوی را در دست داشتند. آنها بنرهایی را تکان می دادند که می گفت: «برنامه اتمی ایران را متوقف کنید» و «نه به احمدی نژاد؛ بله به مریم رجوی.»

آمریکا علیه ایران موافق هستند اما با این که وزارت امور خارجه به مدت نه سال سازمانی را که جامعه ایرانیان به عنوان یک گروه مقاومت می شناسند به عنوان «تروریست» طبقه بندی کرده است مخالف هستند. در راهپیمایی روز پنجشنبه، ایرانیان مقیم آمریکا از سراسر کشور خواستار تغییر سیاست آمریکا در قبال سازمان مجاهدین شدند. قلمی که به نظر آنان به این گروه اجازه می دهد مقاومت داخلی را در ایران دنبال کند. توجیح شهبانی ساکن لاگونا نیگل که برای تظاهرات به واشینگتن سفر کرده است گفت: «وقتی ایرانیان می بینند که بزرگترین گروه مقاومت آنان توسط آمریکا به کنار رانده شده است روحیه خود را از دست می دهند. بیرون آوردن این گروه از لیست «همه کشور را به جوش خواهد آورد تا به طور واقعی بر این رژیم فشار وارد کنند.»

تظاهرات کنندگان ایرانی مقیم آمریکا در روز پنجشنبه در مقابل کاخ سفید در واشینگتن تظاهرات کردند تا دولت بوش را تشویق کند به تلاشهایش علیه حاکمان ایران شدت بیشتری ببخشد و همچنین حمایت خود را از سازمانی که توسط دولت آمریکا به عنوان یک گروه تروریستی ممنوع شده است، اعلام کنند. ایرانیان در حالی به تظاهرات پرداختند که وزیر امور خارجه کانولیزا رایس از سازمان ملل خواست که علیه تهران به دلیل افزایش برای پیشبرد سلاحهای هسته ای اقدام کند. ایرانیان مقیم آمریکا به طور کلی با تلاشهای

Los Angeles Times

تظاهرات کنندگان ایرانی شعار می دهند: رجوی بله- احمدی نژاد نه- او یک تروریست است و باید برود. کمیته دموکراتیک برای تغییر در ایران این تظاهرات را ترتیب داده، این گروه از دولت بوش می خواهد گروه اپوزیسیون ایرانی را از لیست تروریستی حذف کند. آنها می گویند این یک علامت به مردم ایران است که نشان می دهد آمریکا در کنار آنان است و از خواست آنها برای دموکراسی حمایت می کند. تظاهر کنندگان می گویند حالا که ایران فعالیت های هسته ای را از سر گرفته است تغییر رژیم حیاتی است.

تلویزیون ان بی سی- کانال ٤ واشینگتن
پنجشنبه ١٩ ژانویه ٢٠٠٦



رویتر ٢٩ دی (١٩ ژانویه): ایرانیان و آمریکاییان برای فراخواندن به تغییر دموکراتیک در ایران در پارک لافایت در مقابل کاخ سفید در روز ١٩ ژانویه ٢٠٠٦ تظاهرات می کنند.

پیامهای حمایت از تظاهرات واشینگتن

است. در ماههای اخیر، رژیم ایران در حمایت از مروجین تروریسم خیلی مهاجرت شده است. ایران باید ملتزم به پایبندی به معاهده عدم توسعه اتمی بوده و با به شوری امنیت برای اعمال تحریم ارجاع داده شود.

پیام کریستوفر شین نماینده کنگره

من با نگرانی شما در مورد رژیم ایران که تهدیدی علیه صلح و ثبات خاورمیانه و جهان است شریک هستم. حرف آخر این است که ایران به رغم توافقی که کرده بود کماکان متعهد به ادامه برنامه اتمی اش می باشد. ایالات متحده و متحدین ما باید نسبت به تمایلات ایران برای دستیابی به سلاح اتمی قاطع بوده و برای تغییر سیاسی در ایران آماده باشند. رئیس جمهور ایران نتوانست تمایل واقعی کشورش را زمانی که مطرح کرد که «اسرائیل باید از نقشه روزگار محو شود» و توصیه اش این بود که قتل عامی به وقوع نپیوسته پنهان کند.



کریستوفر شین



شیلای جکسون لی



باب فیلنر



تام تانکر دو



ستانور کی بیلی هاجسون



ستانور تام کویبرن

هستیم. این باعث بی ثباتی در منطقه و جهان خواهد شد. ما معتقدیم که حمایت از مردم و مقاومت ایران منتهی به وجود یک آلترناتیو در مقابل رژیم فعلی در ایران است. ما حمایت خود را از مردم ایران و مبارزه شان علیه سرکوبگران اعلام می داریم. نام تکردو نماینده جمهوریخواه از کلرادو باب فیلنر نماینده دموکرات از ایالت کالیفرنیا

می کنیم. ما از موارد نقض وحشتناک حقوق بشر که توسط دولت ایران صورت گرفته است نگران هستیم. نقض حقوق بشر توسط رژیم ایران در دسامبر سال ٢٠٠٥ برای پنجاه و دومین بار توسط سازمان ملل متحد محکوم شد. رئیس جمهور ایران، محمود احمدی نژاد، سرکوب اقلیتهای قومی و مذهبی را افزایش داده است. فعالان سیاسی و روزنامه نگاران در کردستان و خوزستان به زندان انداخته شده، شکنجه و اعدام شده اند. هم چنین ما به طور جدی نگران سرکشی ایران در مقابل خواست جامعه بین المللی در مورد برنامه های اتمی اش

عمل پوشانند. من همیشه حامی کسانی بوده ام که به دنبال برقراری آزادی در ایران هستند. من به جد می خواهم که شرکت کنندگان در این تظاهرات بدانند که سناتور کی بیلی هاجسون دوست ایرانیان آزادخواه است.

نویت دولت آمریکا است که طرف تغییر دموکراتیک در ایران را بگیرد و از خدا می خواهم که از تلاشهای شما پشتیبانی کند.

پیام سناتور تام کویبرن

دوستان عزیز از حضور شما امروز در پایتخت کشورم سپاسگزارم. شما با جلب توجه افکار عمومی به نقض حقوق بشر و نقض آزادی تغییر دموکراتیک در ایران، وجدان ملت آمریکا و جهان را مخاطب قرار دادید. من با شما موافقم که دموکراسی راه حل صلح و آزادی و پیشرفت برای مردم ایران است. من یقین دارم که اگر صلح و دموکراسی در ایران توسعه یابد این کلیدی برای ایران خواهد بود. امروز در این جا گردآمدم و درحالی که ضرورت تغییر دموکراتیک در ایران هر روز بیشتر توجهات را جلب می کند، اکنون

نویت دولت آمریکا است که طرف تغییر دموکراتیک در ایران را بگیرد و از خدا می خواهم که از تلاشهای شما پشتیبانی کند.

پیام تام تانکر دو و باب فیلنر نمایندگان کنگره آمریکا

به عنوان رؤسای کمیته پارلمانی حقوق بشر و دموکراسی در ایران، ما حمایت خود را از تظاهرات ١٩ ژانویه واشینگتن دی سی برای تغییر دموکراتیک در ایران اعلام

بخشهایی از سخنرانیهای ایراد شده در تظاهرات واشینگتن



علیرضا جعفرزاده



دکتر حسین جهانپور، از جامعه متخصصین و استادان ایرانی



عاشقه ادريس جامعه زنان سودانی کانادا



دکتر آنجلا اسپنسر



هیات زنان ایرانی



هیات جوانان، دانشجویان و دانش آموزان ایرانی و آمریکایی



آرت تیسون، از انجمن مبارزه با شکنجه و سرکوب



ران بریکاب، حقوقدان

نابودی و تخریب حمایت می کند. از این رو ما از ارجاع پرونده رژیم و تحریم آن توسط شورای امنیت حمایت می کنیم. ما معتقدیم که برچسب تروریستی باید از مجاهدین برداشته شود. آنها نیروی اصلی جنبش مقاومت ایران هستند. ما هم چنین از راه حل سیاسی ارائه شده توسط خانم مریم رجوی حمایت می کنیم.

علیرضا جعفرزاده: راه حل در دست مقاومت ایران است

ما این جا آمدیم تا به سیاستمداران و مردم آمریکا بگوییم ما مردم ایران حامل پیامی هستیم و برای آنها راه حل داریم. ما می خواهیم بگوییم درمان این غده سرطانی بنیادگرایی، که بیم سرایت آن به تمام نقاط جهان می رود؛ نزد ماست. دولت آمریکا باید مقاومت ایران را به رسمیت شناخته و تمامی محدودیت های ایجاد شده راه تا دیر نشده، بردارد. مردم ایران مصمم هستند که دموکراسی و حکومت قانون و آزادی را به خود خود بازگردانند.

یکی از نمونه های بارز بنیادگرایی عدم پذیرش زنان در عرصه های دانش و پژوهش است. طی دو دهه گذشته ملاحی حاکم بر ایران به طور سیستماتیک دانشگاهیان و متخصصین ایرانی را از بین برده است. جامعه ایران شاهد سیر گسترده فرار مغزها از کشور بوده است. ما از تمامی دانشمندان ایرانی می خواهیم که در مخالفت با برنامه هسته ای ایران به اعتراض برخیزند. این رژیم با فعالیت های هسته ای خود اهداف شومی را دنبال می کند. ما معتقدیم که توسعه علم و تکنولوژی در ایران تنها با یک حکومت دموکراتیک امکان پذیر است. از اینرو از فراخوان تغییر دموکراتیک در ایران و فراخوان مریم رجوی برای آزادی مردم پشتیبانی می کنیم.

دکتر حسین جهانپور: راه حل ارائه شده توسط خانم رجوی حمایت می کنیم

بسیاری از یاران دانشمند و دانشگاهی ما به دست این رژیم به قتل رسیدند. این رژیم از ایدئولوژی

برای آزادی و دموکراسی در کشورشان مبارزه کنند.

دکتر آنجلا اسپنسر از شبکه زنان کالیفرنیا: با مقاومت ایجاد هر تغییری امکان پذیر است

مبارزه زنان ایران به ما نشان داد که با پایداری و مقاومت قطعاً ایجاد هر تغییری امکان پذیر است. من از رئیس جمهور بوش می خواهم که به خواست ما توجه کند. ما راه حل را نمایندگان می کنیم. شما به ما وعده داده بودید که اگر جنگ در عراق و علیه تروریسم ادامه یابد مردم نخواهد خواست و اکنون ما برخاستیم در مقابل شما تا به شما اثبات کنیم که ما می توانیم این کار را بکنیم و می توانیم سرنوشت خود را در دست بگیریم.

هیات متخصصان و دانشگاهیان ایرانی: از تغییر دموکراتیک در ایران حمایت می کنیم

تروییستی خارج سازد. این حق مسلم آنهاست که

ایران است و نه استمالت. بلکه راه حل سوم مریم رجوی راه حل تغییر در ایران است.

عاشقه ادريس: حاکمان جنایتکار ایران باید به دست عدالت سپرده شوند

ما به عنوان جامعه سودانیان و نیز زنان کانادایی که تشکلهای مختلف زنان جهان سوم را نمایندگی می کند، از کانادا به این جا آمدیم؛ تا از جنبش مقاومت ایران حمایت کنیم. ما خواهان آزادی و حقوق بشر برای مردم ایران و رهایی آنها از دیکتاتوری ملایان هستیم. ما می خواهیم که مردم ایران به صلح و عدالت دست یابند و حاکمان جنایتکار روزی به دست عدالت سپرده شوند. مریم رجوی سمبل مقاومت زنان ایرانی و زنان جهان است. او از حقوق بشر دفاع می کند و ما به عنوان زن از مبارزه او دفاع می کنیم.

عنان از آقای بوش می خواهیم که محدودیت های مجاهدین اشرف را لغو کند و نام آنها از لیست تروریستی خارج سازد.

و صدای ما روز به روز قویتر می شود، چون ما علیه بی عدالتی در ایران مبارزه می کنیم. این رژیم مسئول نقض حقوق بشر در ایران است. ما به دولت آمریکا می گویم که باید به ما گوش فرا دهد. ما نمی توانیم اجازه دهیم که نظام مستبد ایران حق بیان را از مردم بگیرد، آزادی پوشش را نقض کند و با روی زنان اسید بپاشد و آنها را از آزادی محروم سازد.

هیات زنان ایرانی: از خواهران مبارز خود در اشرف حمایت می کنیم

ما از جنبش دموکراسی در ایران، و زنانی که این مبارزه را هدایت می کنند؛ حمایت می کنیم. ما اعلام می کنیم که از خواهران مبارز خود در اشرف حمایت می کنیم. شما به عنوان رزمندگان آزادی با رهبری مریم رجوی، الهام بخش ادامه مبارزه مقدس برای آزادی در ایران هستید. ما این جا آمدیم تا از خواهران خانم رجوی برای تغییر دموکراتیک حمایت کنیم زیرا معتقدیم که نه جنگ راه حل

آرت تیسون: ما با مردم ایران همدرد هستیم

وقتی که مردم ایران درد می کنند ما نیز با آنها همدرد هستیم وقتی که آنها رنج می برند ما نیز با آنها رنج می بریم. من از جانب یک سازمان بین المللی از بازماندگان قربانیان شکنجه و سرکوب با شما سخن می گویم و می دانم که معنی رنج کشیدن چیست. و می دانم که معنی قربانی بودن در یک حکومت دیکتاتوری چیست. خطاب به ملاحی حاکم بر ایران می گویم که دست از شکنجه مردم ایران بردارند. شکنجه در ایران باید متوقف شود آینده ایران متعلق به مردم آن می باشد.

هیات جوانان: به دوستانمان در اشرف درود می فرستیم

به دوستانمان در اشرف درود می فرستیم. امروز با شرکت هر یک از ما این جنبش تقویت می شود

آسوشیتد پرس:

اعتراض یک تظاهرکننده ضد دولت ایران در یک نمایش صحنه اعدام روز دوشنبه ۱۶ژانویه، در مقابل ساختمان وزارت خارجه انگلستان در وایت هال لندن، هنگام اجلاس آمریکا و متحدین اروپاییش همراه با نمایندگان روسیه و چین.



خبرگزاری فرانسه:

اعتراضی کنندگان وابسته به شورای ملی مقاومت ایران در مقابل وزارت خارجه انگلستان دست به تظاهرات زدند.



رویتر:

هنگام ورود اعضای اجلاس سران کشورهای بزرگ جهان در لندن، تظاهرکنندگان ایرانی پلاکاردهای خود را تکان داده و شعار می‌دادند. آنان خواستار ارجاع پرونده هسته‌یی رژیم ایران به شورای امنیت شدند.



لندن - تظاهر کنندگان از ارجاع پرونده اتمی رژیم آخوندی به شورای امنیت سازمان ملل حمایت کردند

هسته‌یی رژیم ایران به برگزاری اجلاس مقامات وزارت خارجه پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل و آلمان در مقر وزارت خارجه انگلستان (در وایت هال لندن) ایرانیان آزاده و حامیان هواداران مقاومت ایران در مقابل وزارت خارجه انگلستان دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات که از ساعت ۱۰ صبح آغاز شده بود، تا ساعت ۱۵ ادامه داشت. ایرانیان آزاده شعار می‌دادند: «احمدی‌نژاد یک قاتل است»، «مرگ بر رژیم آخوندی»، «ماخواهان ارجاع سریع پرونده اتمی رژیم آخوندی به شورای امنیت سازمان ملل هستیم»، «جلوی مسلح شدن ملایان به سلاح اتمی را سریعاً بگیرید» و «ایران رجوی، رجوی ایران». آنها خواهان ارجاع بلادرنگ پرونده اتمی رژیم به شورای امنیت به‌منظور اعمال تحریمهای قاطع و همه‌جانبه علیه رژیم شدند.

روز دوشنبه ۲۶دیماه، همزمان با برگزاری اجلاس مقامات وزارت خارجه پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل و آلمان در مقر وزارت خارجه انگلستان (در وایت هال لندن) ایرانیان آزاده و حامیان هواداران مقاومت ایران در مقابل وزارت خارجه انگلستان دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات که از ساعت ۱۰ صبح آغاز شده بود، تا ساعت ۱۵ ادامه داشت. ایرانیان آزاده شعار می‌دادند: «احمدی‌نژاد یک قاتل است»، «مرگ بر رژیم آخوندی»، «ماخواهان ارجاع سریع پرونده اتمی رژیم آخوندی به شورای امنیت سازمان ملل هستیم»، «جلوی مسلح شدن ملایان به سلاح اتمی را سریعاً بگیرید» و «ایران رجوی، رجوی ایران». آنها خواهان ارجاع بلادرنگ پرونده اتمی رژیم به شورای امنیت به‌منظور اعمال تحریمهای قاطع و همه‌جانبه علیه رژیم شدند.

در طول تظاهرات صحنه‌هایی از اعدام و جنایات ضد بشری رژیم آخوندی به‌نمایش در آمد. هیاتی از سوی جامعه و انجمن ایرانی هوادار مقاومت متن یک نامه و قطعنامه تظاهرات را که خطاب به جک استراو وزیر خارجه انگلستان است، به یکی از مقامات این وزارتخانه تحویل دادند. در تظاهرات دوشنبه لندن دهها شبکه تلویزیونی و رادیویی و تعداد زیادی از رسانه‌ها و مطبوعات بین‌المللی و انگلیسی حضور داشتند و مصاحبه‌های متعددی با نمایندگان مقاومت ایران به عمل آوردند.

تلویزیون رویتر گفت: هنگام ورود اعضای اجلاس سران کشورهای بزرگ جهان در لندن، تظاهر کنندگان ایرانی پلاکاردهای خود را تکان داده و شعار می‌دادند. آنان خواستار ارجاع پرونده هسته‌یی رژیم ایران به شورای امنیت شدند. آقای حسین عابدینی از اعضای کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت به رویتر گفت: تظاهر کنندگان خواهان ارجاع فوری رژیم ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد، نه فقط برای گفتگو، بلکه برای یک اقدام مشخص هستند. رویتر خاطر نشان کرد که سایتهای هسته‌یی رژیم ایران، اولین بار در سال ۲۰۰۲ توسط شورای ملی مقاومت ایران افشا گردید.

روزنامه واشینگتن تایمز تظاهرات هواداران مقاومت ایران در لندن و خواست آنان را برای ارجاع پرونده

روزنامه کریستین ساینس ماینیتور نیز عکسی از تظاهرات هواداران مقاومت ایران در لندن را، به چاپ رساند.

مرکز اطلاع‌رسانی دبی نیوز با چاپ عکسی از تظاهرات هواداران مقاومت در لندن نوشت: رژیم ایران می‌گوید که تحقیقات هسته‌یی و پروژه توسعه‌اش تنها برای تأمین نیازهای الکتریسته اقتصادی است. ولی فعالیت‌های هسته‌یی مخفی این رژیم برای تقریباً ۲۰سال، مخفی بوده است تا این‌که در سال ۲۰۰۲ توسط مخالفین تبعیدی فاش گردید.

تلویزیون دوپچه‌وله در گزارشی از این تظاهرات گفت: همزمان با شروع گفتگوها تظاهر کنندگان در بیرون محل اجلاس جمع شده و از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواهان اعمال تحریمهای اقتصادی علیه رژیم ایران شدند.

تلویزیون بی.بی.سی نیز ضمن پخش گزارشی از این تظاهرات گفت: در حالی که قدرتهای اصلی سازمان ملل متحد در لندن اجتماع کرده‌اند تا در مورد برنامه اتمی رژیم ایران تصمیم بگیرند، گروه‌های اپوزیسیون ایرانی در بیرون دفتر وزارت خارجه، دست به تظاهرات زده و خواهان اعمال تحریم از طرف سازمان ملل شده‌اند.

تلویزیون سی.ان.ان ضمن نشان دادن تظاهرات هموطنان گفت: در لندن نمایندگان آمریکا و متحدان اروپایی تلاش می‌کنند تا روسیه و چین را متقاعد کنند که ایران باید به‌دلیل برنامه هسته‌یی‌اش به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شود.

تلویزیون اسکای نیوز در انگلستان نیز خبر تظاهرات ایرانیان در لندن علیه پروژه‌های اتمی آخوندها را پخش کرد.

تلویزیون صدای آمریکا نیز خبر داد: «همزمان با اجلاس ۵ قدرت هسته‌یی در لندن، شورای ملی مقاومت

گروه مخالف حکومت اسلامی ایران با برگزاری تظاهراتی در برابر ساختمان وزارت امور خارجه بریتانیا خواستار ارجاع فوری پرونده رژیم ایران به شورای امنیت برای اعمال تحریمهای همه جانبه شدند.»

تلویزیونهای عربی نیز به تظاهرات ایرانیان در لندن انعکاس دادند:

تلویزیون الجزیره گزارش داد: در برابر محل برگزاری جلسه لندن برای گفتگو پیرامون پرونده اتمی ایران، ایرانیان با برگزاری تظاهراتی از کشورهای شرکت‌کننده خواستند تا پرونده اتمی این رژیم را به شورای امنیت ارجاع دهند. این تظاهرات توسط شورای ملی مقاومت ایران، که تشکیلات اپوزیسیون علیه رژیم تهران است، بر گزار گردید. تظاهر کنندگان با برافراشتن پلاکاردها و سردادن شعارهایی خواستار اتخاذ تدابیر فوری علیه رژیم ایران شدند.

تلویزیون لبنان نیز گزارش داد: همزمان با برگزاری اجلاس لندن برای بررسی پرونده هسته‌یی رژیم ایران، هواداران شورای ملی مقاومت ایران که یک گروه اپوزیسیون در تبعید می‌باشند در مقابل ساختمان وزارت خارجه انگلستان دست به تظاهرات زده و خواستار ارجاع پرونده هسته‌یی رژیم ایران به شورای امنیت سازمان ملل گردیدند.

تلویزیون العراقیه نیز طی گزارشی از لندن گفت: در خارج از محل برگزاری اجلاس اعضای دائم شورای امنیت تظاهراتی توسط هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران برگزار شد. تظاهر کنندگان از کشورهای عضو این شورا خواستند که شدیدترین مجازات را علیه مقامات رژیم ایران و فعالیت‌های اتمی آن اعمال کنند.

تلویزیون الحرحه هم گزارشی از این تظاهرات منعکس کرده و گفت: همزمان با برگزاری جلسه پنج عضو دائمی شورای امنیت و آلمان در لندن، شورای ملی مقاومت ایران که یکی از سازمانهای مخالف ایرانی می‌باشد، تظاهراتی را در نزدیکی محل برگزاری این اجلاس ترتیب دادند. تظاهر کنندگان خواستار ارجاع پرونده هسته‌یی ایران به شورای امنیت گردیدند.



پرس آسوسیشن: تظاهر کنندگان خواستار ارجاع پرونده اتمی ایران به شورای امنیت سازمان ملل شدند تا رژیم جنایتکار ایران مورد تحریم قرار بگیرد

پرس آسوسیشن ۲۶دی ۸۴:

تظاهر کنندگان خواستار ارجاع فوری پرونده اتمی ایران به شورای امنیت سازمان ملل گردیدند تا بدین ترتیب این رژیم جنایتکار مورد تحریم قرار گیرد. هواداران جنبش مقاومت ایران طی تظاهرات پرس‌وصدایی در بیرون ساختمان وزارت خارجه انگلستان در لندن، خواسته خود را ابراز کردند. همزمان با برگزاری اجلاس مقامات اتحادیه اروپا، ایالات متحده، چین و روسیه در ساختمان این وزارتخانه، تظاهر کنندگان پلاکاردها و عکسهایی از رهبران جنبش مقاومت و هم‌چنین چندین پرچم ایران، را به اهتزاز در آورده بودند. همزمان با اجرای نمایشی از صحنه اعدام توسط تظاهر کنندگان، یک سلاح هسته‌یی ساختگی در جلو آن به نمایش گذاشته شده بود. طاب دار در

این صحنه اعدام بیانگر اعدام‌هایی بود که به گفته تظاهر کنندگان در کشورشان صورت گرفته است.

حسین عابدینی، عضو کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت گفت که سازمان وی خواهان پایان‌دادن به استمالت از رژیم ایران می‌باشد. وی افزود: ایرانیانی که در این جا گرد آمده‌اند، خواستار ارجاع فوری رژیم ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌باشند. غرب باید به سیاست مماشات خود پایان دهد. آنها باید به خواست میلیونها ایرانی که خواهان سرنگونی این دیکتاتوری مذهبی وحشی و جاگیرین نمودن آن با یک دولت دموکراتیک می‌باشند احترام گزارده و آنرا به رسمیت بشناسند. حسین عابدینی خاطر نشان کرد: مذاکرات مستمر و تأخیر توسط دولتهای غربی در مورد مسأله اتمی ایران صرفاً باعث

تشویق و تشجیع سران رژیم شده و آنانرا جریتز و مهاجم تر کرده است. حسین عابدینی گفت سیاستمداران مقاومت خواهان یک مداخله نظامی توسط جامعه بین‌المللی به‌منظور برقراری یک تغییر دموکراتیک در ایران نیستند. وی افزود: ما خواهان سیاست مماشات یا اشغال خارجی نیستیم. ما بر این باوریم که راه‌حل سومی وجود دارد و آن‌هم حمایت از جنبش مقاومت در داخل ایران است. ما خواستار یک تحریم همه‌جانبه بر رژیم آخوندی هستیم. ایران دومین کشور صادر کننده نفت در اوپک است و تحریم نفتی موجب فشار بر روی این رژیم خواهد شد. شورای ملی مقاومت بر این عقیده است که رژیم ایران در خفا در پی دستیابی به سلاح هسته‌یی می‌باشد. حسین عابدینی تصریح کرد: ما در مورد رژیمی صحبت می‌کنیم که برای

سالیان به جامعه بین‌المللی دروغ گفته و آنرا فریب داده است. وی افزود: نمایش حلق‌آویز توسط تظاهر کنندگان به‌طور سمبلیک نشاندهنده ۱۳۰حکم اعدامی است که در ایران پس از روی کار آمدن رئیس‌جمهور سخت‌سر رژیم، محمود احمدی‌نژاد، اجرا شده است. قطعنامه تظاهرات به همراه یک نامه توسط هیاتی از سوی تظاهر کنندگان شامل لایلا جزایری، رئیس انجمن زنان بریتانیایی-ایرانی و اسماعیل آبنار، یک فرمانده سابق نیروی دریایی که قبل از انقلاب از ایران گریخته و به جنبش مقاومت پیوسته است؛ به مقامات وزارت خارجه تحویل داده شد. این قطعنامه توسط نمایندگان چندین سازمان مستقر در انگلستان که از هواداران شورای ملی مقاومت محسوب می‌شوند، امضا شده بود.

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت

انتصاب یک دیپلمات تروریست به نمایندگی رژیم آخوندی در ژنو

روز گذشته پاسدار احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ارتجاع، علیرضا معیری یک دیپلمات‌تروریست شناخته شده را به‌عنوان سفیر و نماینده دائمی رژیم آخوندی در دفتر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو منصوب کرد. مقاومت ایران ضمن یادآوری سوابق جنایتکارانه و تروریستی معیری، نسبت به مقاصد شوم رژیم آخوندی از این انتصاب هشدار می‌دهد و از سازمان ملل متحد و دولت سوئیس می‌خواهد با پذیرش این تروریست و ورود او به خاک سوئیس مخالفت کنند. سیروس ناصری یک دیپلمات تروریست دیگر که سالها سفیر رژیم در ژنو بود، از سازماندهندگان اصلی ثور دکتر کاظم رجوی نماینده مقاومت در ژنو در آوریل سال ۱۹۹۰، برخی از سوابق معیری بشرح زیر است: ۱. معیری از عناصر بخش اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که در اردیبهشت سال ۱۳۵۸ زیر نظر مصطفی چمران و برادرش، به تأسیس سرویسهای اطلاعاتی و سرکوبگرانه رژیم آخوندی پرداخت. ۲. وی در سرکوب وحشیانه دانشجویان و تعطیلی دانشگاهها تحت نام «انقلاب فرهنگی» در اوایل سال ۵۹، شرکت فعال داشت. ۳. پس از ۳۰خرداد ۱۳۶۰ طبق بیاناتی که علیرضا معیری بعدها از جانیتهای خود به‌سپاه ارائه کرد، نزدیک به ۲۰۰دانشجوی هوادار مجاهدین را رأساً دستگیر و اغلب آنها را به‌جوخته‌های اعدام سپرد. ۴. در اوایل دهه ۸۰ وقتی سپاه پاسداران از جانب شخص خمینی مؤظف به‌ترور آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران شد، علیرضا معیری برای اجرای این مأموریت، در اوت سال ۸۴ تحت‌عنوان دیپلمات به فرانسه اعزام شد. ۵. معیری با دیپلمات تروریستهایی مانند وحید گرچی و مسعود هندی که دست‌اندرکار سلسله عملیات تروریستی در فرانسه بوده‌اند، همکاری و ارتباطات تنگاتنگ داشت و اجرای یک طرح پیچیده و پرهزینه برای ترور مسئول شورای ملی مقاومت را پیگیری می‌کرد. ۶. معیری در فوریه ۸۶ به‌تهران بازگشت، اما در ماه مه همان سال به‌عنوان فرستاده رژیم خمینی به‌فرانسه سفر کرد. خبرگزاری فرانسه در ۲۲مه ۸۶ گزارش کرد که فرستاده رژیم خمینی «خواستار استرداد

پل برمر: رژیم ایران به مدت ۱۸سال دروغ گفته است

تبعیدیهای ایران توجه ما را به موضوع هسته‌یی این رژیم جلب کردند

پل برمر، نماینده سابق جرج بوش در عراق و رئیس اداره مدنی این کشور، در یک مصاحبه تلویزیونی نسبت به دخالت‌های رژیم ایران در عراق ابراز نگرانی کرد و در مورد پروژه اتمی آخوندها گفت آنها به مدت ۱۸سال دروغ گفتند تا این که تبعیدیان ایرانی توجه ما را به آن جلب کردند. تلویزیون صدای آمریکا از پل برمر در مورد دخالت‌های رژیم ایران در عراق سؤال کرد. وی در پاسخ گفت: من نگران دخالت‌های رژیم ایران هستم. در آن موقع هم که در عراق بودم، نگران همین مسأله بودم. افراد سپاه پاسداران در نقاط مختلف عراق مستقر بودند. رژیم ایران روابط مالی و سیاسی دیرینه‌یی با برخی از احزاب اسلامی عراق دارند و این روابط و پیوندها هم پنهان نیست. ما هم از وجود این روابط خبر داریم. پل برمر افزود: آینده برای رژیم ایران در عراق چندان خوشایند نیست مخصوصاً که این کشور بزرگ تولیدکننده نفت به یک دموکراسی واقعی و عملی دست یابد. عراقیها در راه دستیابی به این هدف هستند. چنین پدیده‌یی برای رژیم ایران خبر خوشی نیست. طبیعی است که در این مورد نگران شود. در پاسخ به سؤالی در مورد بحران هسته‌یی رژیم ایران، پل برمر گفت: به نظر من احمدی‌نژاد با آتش بازی می‌کند. این حرفهایی که علیه اسرائیل زده است، فرموله‌کردن دوباره تز انقلاب اسلامی است. اما واقعیت دیگر این است که رژیم ایران به مدت ۱۸سال در مورد برنامه هسته‌یی خود دروغ گفته است. بیشتر اطلاعاتی که به دست ما رسیده، از برخی از دگراندیشان و تبعیدیهای ایرانی است که توجه ما را به این موضوع جلب کرده‌اند. حقیقت این است که رژیم ایران هم اکنون برنامه هسته‌یی خود را ازسرگرفته و به نظر من دیر یا زود این مسأله به صورت بحران بزرگی در خواهد آمد (صدای آمریکا ۲۸دی ۸۴).



طرفداران شورای ملی مقاومت ایران در مقابل وزارت خارجه در لندن تظاهرات کردند

نتایج انتخابات عراق اعلام شد

سی.ان.ان: ائتلاف شیعه اکثریت لازم برای تشکیل دولت را در اختیار ندارد

روز ۳۰دی ۸۴ یک عضو کمیساری انتخابات عراق نتایج تأیید نشدهٔ انتخابات مجلس نمایندگان این کشور را اعلام کرد. نتیجهٔ نهایی پس از رسیدگی به شکایتها در پایان هفتهٔ آینده موردتأیید قرار خواهد گرفت. برطبق نتایج تأیید نشده‌یی که ازسوی صفت رشید، عضو کمیساری انتخابات، در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام گردید، کرسیهای پارلمان عراق به ترتیب زیر تقسیم شده‌اند:

-لیست ائتلاف شیعی ۱۲۸ کرسی
-لیست ائتلاف کردستان ۵۳ کرسی
- جبههٔ توافق ملی عراق (مرکب از سه جریان سنی) به رهبری عدنان الدلمی، طارق هاشمی و خلف العلیان، ۴۴ کرسی
-لیست ملی عراق به ریاست اباد علاوی ۲۵ کرسی
-جبههٔ گفتگوی ملی عراق به رهبری صالح مطلق ازجریان سنی ۱۱ کرسی
- یک جریان سنی دیگر به‌نام آشتی و آزادی به‌رهبری مشعان جبوری ۳ کرسی به‌دست آورده است.
-اتحاد اسلامی کردستان نیز ۵ کرسی به‌دست آورده است
- لیست رسالپون نزدیک به مقتدی صدر دو کرسی و مسیحیان لیبرال و ترکمنهای عراق نیز هر کدام یک کرسی به‌دست آورده‌اند.
تولوزیون سی.ان.ان پس از اعلام این ارقام گفت: این نشان می‌دهد که ائتلاف شیعه اکثریت لازم را برای تشکیل دولت در اختیار ندارد و باید با یک جریان دیگر مثلا کردها ائتلاف نماید. تیم تحقیق بین‌المللی اعلام کرده بود که موارد زیادی از تخلف و تقلب صورت گرفته و تأکید کرد راه‌حل در عراق برپایی یک دولت وحدت ملی می‌باشد.

ادعای به‌دست آوردن اکثریت توسط رژیم

خبرگزاری رژیم آخوندی پس از اعلام نتایج اولیهٔ انتخابات عراق بلادرنگ از پیروزی فهرست شیعی در انتخابات پارلمانی خبر داد. اما خبرگزاری فرانسه گزارش کرد احزاب مذهبی شیعه موفق نشدند اکثریت کرسیها را در مجلس به‌دست آورند.

سایت بی.بی.سی در این زمینه نوشت: با توجه به ترکیب جمعیتی عراق،

کنفرانس مطبوعاتی جبههٔ توافق عراق

نتایج اعلام شدهٔ انتخابات

مثل قبل بود و امیدها را بر باد داد

روز اول بهمن ۸۴، جبههٔ توافق عراق با برگزاری یک کنفرانس مطبوعاتی در بغداد، مواضع خود را پیرامون نتایج انتخابات پارلمانی اعلام کرد. در این کنفرانس طاقف العالی، سخنگوی جبههٔ توافق عراق، به نیابت از طرف دکتر عدنان الدلمی، رئیس این جبهه و دکتر طارق الهاشمی دبیر کل حزب اسلامی عراق، از رهبران جبههٔ توافق و طه خضر، سخنگوی شورای گفتگوی ملی، به نیابت از خلف العلیان از رهبران جبههٔ توافق شرکت داشتند. در ابتدای کنفرانس طاقف العالی سخنگوی جبههٔ توافق متن بیانیهٔ این جبهه را قرائت کرد. در این بیانیهٔ ازجمله آمده است: نتایج نهایی تأیید نشده‌یی که در روز ۲۰ژانویه از سوی کمیساریای مستقل انتخابات عراق اعلام شد مانند قبل بود و امیدها را بر باد داد. به‌رغم این که کرسیهای به جبههٔ توافق اضافه شده است و از ۳۰ کرسی به ۴۴ کرسی رسیده است اما این، نقل سیاسی و کمیت مردمی جبههٔ توافق

را منعکس نمی‌کند. این دستاورد، به فضل خدا و در اثر ایستادگی تاریخی مردم و نفوذ گستردهٔ آنها از خواسته‌های قانونی و عادلانهٔ جبههٔ توافق منتهی بر تصحیح نتیجهٔ انتخابات محقق شده است. در ادامهٔ این بیانیه آمده است: «جبههٔ توافق عراق روی تطهیر انتخابات از غل ووغش و تجاوزاتی که به آن شده بود تأکید داشت و بعد از این که تیم تحقیق بین‌المللی روی این موضوع تأکید کرد انتظار داشتیم که کمیساریای عالی انتخابات از این فرصت استفاده کند و مواضع گذشتهٔ خود را تصحیح نماید، اما چنین اتفاقی نیفتاد. جبههٔ توافق عراق نسبت به این نتایج شکایت دارد و تأکید می‌کند که پروندهٔ انتخابات باز خواهد ماند و جبهه فعالیتها و کوششهای سیاسی و قانونی خود را برای برگرداندن کرسیهایی که بدون دلیل از دست داده است، به کار خواهد گرفت. به‌خصوص ۱۱ کرسی که جبهه به خاطر توزیع نادرست سهمیه در برخی استانها، از دست داده است. جبههٔ توافق عراق تأکید کرد به‌رغم این شکایات تلاش نخواهد کرد که روند سیاسی در عراق خراب شود و در این رابطه با جریانهای سیاسی برای تشکیل دولت توافق ملی وارد گفتگو خواهد شد. دولتی که انتظار داریم تشکیل آن راهی برای خروج

از این بحران سیاسی باشد. طارق الهاشمی در پاسخ به خبرنگاران گفت: ما بر اساس یک برنامهٔ سیاسی گفتگوهای خود را با طرفها و جریانات مختلف انجام خواهیم داد. برنامه‌یی که در رأس آن این است که از دولت جدید می‌خواهیم هیچ گونه مانع تراشی در روند تغییرات مورد انتظار در قانون اساسی ایجاد نکنند، قانونی که بیشتر عراقیان را متفرق می‌کند تا این که آنها را متحد کند. طارق الهاشمی در پاسخ به سؤال دیگری در مورد آیندهٔ دولت عراق گفت: ما بر سر هیچ کس و هیچ جریانی وتو و خط سرخ نداریم الا مقامات و شخصیتهایی از دولت فعلی که در ریختن خون مردم ما دست داشته‌اند، ما بر سر این افراد خط سرخ داریم و اجازه نخواهیم داد که کسانی که در نقض آشکار حقوق بشر دست داشته‌اند در دولت آینده بر سر کار باقی بمانند . ما اسامی این اشخاص را بعدا اعلام خواهیم کرد (تولوزیون العربیه اول بهمن ۸۴).

موضع جنبش مردم

جنبش مردم با صدور بیانیهٔ اعلام کرد به زودی برنامهٔ سیاسی خود را به عنوان جبهه‌یی مشکل از ۱۶حزب و جریان سیاسی اعلام خواهد کرد. در بیانیهٔ

مکی بر نظام سیاسی قانونی صورت بگیرد. در این گفتگوها تلاش می‌شود که برخی سازشها و کوتاه آمدنها بر سر موضوعات محتوایی قانون اساسی ازجمله اصل فدرالیسم و برخی تعدیلات و تغییرات بزرگ دیگر صورت گیرد. سوم: بر دولت عراق است که مؤسسات امنیتی ضروری را تشکیل دهد و نیروهای شبه‌نظامی و گروههای مسلح را کنار بگذارد چرا که نیروهای شبه‌نظامی و گروههای مسلح تهدید جدی برای امنیت عراق می‌باشند.

کریستین ساینس ماینیور: امریکاییها از نفوذ روبه رشد رژیم ایران در عراق نگران هستند

روزنامهٔ کریستین ساینس ماینیور در شمارهٔ ۲۷دی خود نوشت: اعراب سنی عراق از پشتیبانی آمریکا در مذاکرات برای تشکیل دولت جدید برخوردارند. یکماه بعد از انتخابات تغییری در جریان است تا احتمالا نفوذ سیاسی احزاب شیعه را تضعیف کند. تحلیلگران می‌گویند آمریکا متقاعد شده که سازش با اعراب سنی به توقف شورش کمک می‌کند. هم‌چنین امریکاییها از نفوذ روبه رشد رژیم ایران بر روی بلوک مسلط شیعه در عراق نگران هستند. کریستین ساینس ماینیور افزود: دولت آمریکا و سفیر آن در عراق زلمای خلیل زاد در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که تنها راه توقف جنگ و ایجاد ثبات در عراق، از طریق مطمئن ساختن سننیا و دادن سهم مشخصی از قدرت به آنها می‌باشد.

بروم: نگران دخالتهای رژیم ایران در عراق هستم

ولی برم، نمایندهٔ سابق جرج بوش در عراق و رئیس ادارهٔ مدنی این کشور، در یک مصاحبهٔ تلویزیونی نسبت به دخالتهای رژیم ایران در عراق ابراز نگرانی کرد.
تولوزیون صدای آمریکا از پل برمر درمورد دخالتهای رژیم ایران در عراق سؤال کرد. وی در پاسخ گفت: من نگران دخالتهای رژیم ایران هستم. در آن موقع هم که در عراق بودم، نگران همین مسأله بودم. افراد سپاه پاسداران در نقاط مختلف عراق مستقر بودند. رژیم ایران روابط مالی و سیاسی دیرینه‌یی با برخی از احزاب اسلامی عراق دارد و این روابط و پیوندها هم پنهان نیست. ما هم از وجود این روابط خبر داریم. پل برمر افزود: آینده برای رژیم ایران در عراق چندان خوشایند نیست مخصوصاً که این کشور بزرگ تولیدکنندهٔ نفت به یک دموکراسی واقعی و عملی دست یابد. عراقها در راه دستیابی به این هدف هستند. چنین پدیده‌یی برای رژیم ایران خبر خوشی نیست. طبیعی است که در این مورد نگران شود (صدای آمریکا ۲۸دی ۸۴).

جنبش مردم تأکید شده که از این پس تبدیل به یک جبههٔ ملی سیاسی به منظور مشارکت در روند سیاسی عراق خواهد شد.
تولوزیون الحرحه در روز ۲بهمن گفت: «جنبش مردم که متشکل از جریانات سیاسی معترض به نتایج انتخابات می‌باشد روز شنبهٔ این تصمیم را اعلام کرد. سخنگوی این جبهه اعلام کرد به‌رغم مخالفتها و ملاحظاتتی که بر سر نتایج نهایی انتخابات اخیر دارد اما آمادگی خواهد داشت به منظور مشارکت در روند سیاسی عراق تبدیل به یک جبههٔ گسترده شود.

مذاکرات سخت

خبرگزاری نایت ریدر در آمریکا نوشت: سیاستمداران عراقی برای تشکیل دولت جدید با مذاکرات سختی روبه‌رو هستند. معاملات پشت پرده و نه محاسبات انتخاباتی، کلید تضمین برش کردن حمایت سننیا خواهد بود. رهبران سنی و شی ساخته‌اندکه دنبال سپتاهی کلیدی در وزارتخانه‌های دفاع، کشور، خارجه، نفت و اقتصاد هستند. صالح مطلق رئیس جبههٔ گفتگوی ملی عراق گفت: آرای تقلبی نتایج از جبههٔ محسوب می‌شود. در حال حاضر باید منتظر بود تا تیم تحقیق انتخابات جدید در عرض دو سال آینده شد.

مداخلات رژیم آخوندی در عراق

در زندانهای این کشور را فاش ساخت

سرلشکر منتظر سامرائی، افسر ارشد سابق وزارت کشور عراق، جزئیات دیگری از شکنجه و کشتار توسط عوامل رژیم ایران در زندانهای وزارت کشور عراق راه فاش ساخت.

تولوزیون العربیه که در روز ۲۵دی با وی مصاحبه کرد، در مقدمه گفت: سرلشکر منتظر سامرائی مسئول نیروهای ویژه در وزارت کشور عراق سکوت خود را شکست تا آنچه با چشمان خود از قتل و شکنجه در داخل زندانهای عراق دیده است، ولی این‌بار به‌دست کسانی که می‌گوید برای وزارت اطلاعات رژیم ایران کار می‌کنند، توضیح دهد. وی در قسمتی از افشاشگری خود گفت: من تنها از محلی که بودم یعنی در میدان نسور و زندانهای که قبلاً نام بردم صحبت می‌کنم، هر مفر فرماندهی و کمیته‌هایی برای بازجویی که در این زندان داشتند، تپ گرگ و تپ رعد یک زندان داشتند و کمیته‌هایی برای بازجویی که در این زندانها، زندانیان دست‌بندی می‌شوند بجز در پناهگاه چادریه، در آن‌جاسکی از هویت افراد و یاران‌هایش که حمله می‌کنند و یا بازجو خبر ندارند، خودشان می‌گویند که فردی به‌نام احمد سلمان در آن‌جا هست.

منتظر سامرائی درمورد احمد سلمان گفت: همه او را می‌شناسند، عراقیان او را می‌شناسند وی سرتپ در وزارت اطلاعات رژیم ایران است. وی از دولت ایران می‌گردد. دفاتر وزارت اطلاعات ایران در همهٔ مناطق عراق وجود دارد و حتی عکسهای خمینی نیز در مؤسسات دولتی در میانه و جنوب نصب شده است. بعضی از کاتبان رژیم در خوزستان یک هزار قفره هیزبه به نام آنها می‌کند و برای مدتی در ایران بودند این کارها را بعضی می‌دانند؟ دکتر صبحی ناظم توفیق در پاسخ گفت: آن‌چه شما گفتید درست است، دخالتهای رژیم ایران درعراق آشکار می‌باشد و ادارهٔ اطلاعات ایران در استانهای مختلف دقفر دارد» (تولوزیون ابوطیپی ۲۷دی ۸۴).

نیروها و شخصیتهای سیاسی عراق ربودن ۹افسر و گارد ساحلی این کشور توسط رژیم ایران را نقض خطرناک حاکمیت عراق دانسته و اعلام کردند: قاجاق نفت عراق با اطلاع و حمایت رژیم ایران صورت می‌گیرد. روزنامهٔ الزمان ضمن درج این خبر نوشت: منابع عراقی می‌گویند در صورتی که ثابت شود تهاجم گارد ساحلی ایران به گفت عراق از روی عهد و پهنظر حمایت از قاجاقچیان بوده است، مسأله از یک تجاوز ساده به یک تجاوز خطرناک به حاکمیت عراق

شمارهٔ ۷۸۲ – سه‌شنبه ۴بهمن۱۳۸۴



شمارهٔ ۷۸۲ – سه‌شنبه ۴بهمن۱۳۸۴

شمارهٔ ۷۸۲ – سه‌شنبه ۴بهمن۱۳۸۴

شمارهٔ ۷۸۲ – سه‌شنبه ۴بهمن۱۳۸۴

رئیس جبههٔ گفتگوی ملی عراق: تا زمانی که تقلباتی که در انتخابات پارلمانی صورت گرفته تعیین تکلیف نشود در دولت شرکت نخواهیم کرد
دکتر صالح مطلق، رئیس جبههٔ گفتگوی ملی عراق، طی مصاحبه‌یی با تلوزیون العربیه گفت: تا زمانی که تقلباتی که در انتخابات پارلمانی صورت گرفته تعیین تکلیف نشود و علت آن مشخص نگردد، ما در دولت شرکت نخواهیم کرد. ما در انتظار گزارش تیم تحقیق بین‌المللی هستیم. شرکت در دولت براساس تناجیحی که تاکنون اعلام شده است، عدول از اصول می‌باشد. میزبان تقلبی که صورت گرفته است، بسیار گسترده بوده است. صالح المطلق افزود: ما به تیم تحقیق بین‌المللی گفتیم، عراقها بارها از سوی مجامع بین‌المللی مورد ظلم واقع شده‌اند، این بار وضعی پیش نیاید که مردم عراق به سوی بنیادگرایی رانده شوند. آنها به ما قول دادند که منصف باشند (العربیه ۲۶دی ۸۴).

ایاد علاوی: ما کشور را در این وضعیت رها نخواهیم کرد

ایاد علاوی، نخست‌وزیر سابق عراق، طی گفتگویی با روزنامهٔ شرق الاوسط گفت: همهٔ جریانهای سیاسی عراق برسر تشکیل دولت وحدت ملی توافق دارند. ما منتظر هستیم ببینیم شرایط برای شرکت ما در دولت آینده چگونه پیش می‌رود.

وی افزود: شرکت ما در دولت وحدت ملی بستگی به برنامه‌یی دارد که این دولت اعلام می‌کند. هم‌چنین بستگی به شرایط ائتلاف با سایر جریانات سیاسی دارد. ایاد علاوی تأکید کرد: ما بخشی مهمی از فعالیت سیاسی در عراق هستیم و کشور را در این وضعیت رها نخواهیم کرد (الشرق الاوسط ۱۴دی ۸۴).

رئیس جبههٔ گفتگوی ملی عراق: ۵۲ جریان خواستار برگزاری مجدد انتخابات پارلمانی بودند

صالح مطلق، رئیس جبههٔ گفتگوی ملی عراق، روز ۲۴دی، طی مصاحبه‌یی با تلوزیون العربیه، گفت: ۵۲ جریان خواستار برگزاری مجدد انتخابات پارلمانی با جبران ضررهایی بودند که به آنها وارد شد. تقلب بسیار گسترده بود که اهانت به دموکراسی محسوب می‌شود. در حال حاضر باید منتظر بود تا تیم تحقیق بین‌المللی کارش را تمام کند.



وزارت کشور عراق، جزئیات دیگری از شکنجه و کشتار توسط عوامل رژیم ایران در زندانهای وزارت کشور عراق راه فاش ساخت.

سرلشکر منتظر سامرائی، افسر ارشد سابق وزارت کشور عراق، جزئیات دیگری از شکنجه و کشتار توسط عوامل رژیم ایران در زندانهای وزارت کشور عراق راه فاش ساخت.

تولوزیون العربیه که در روز ۲۵دی با وی مصاحبه کرد، در مقدمه گفت: سرلشکر منتظر سامرائی مسئول نیروهای ویژه در وزارت کشور عراق سکوت خود را شکست تا آنچه با چشمان خود از قتل و شکنجه در داخل زندانهای عراق دیده است، ولی این‌بار به‌دست کسانی که می‌گوید برای وزارت اطلاعات رژیم ایران کار می‌کنند، توضیح دهد. وی در قسمتی از افشاشگری خود گفت: من تنها از محلی که بودم یعنی در میدان نسور و زندانهای که قبلاً نام بردم صحبت می‌کنم، هر مفر فرماندهی و کمیته‌هایی برای بازجویی که در این زندان داشتند، تپ گرگ و تپ رعد یک زندان داشتند و کمیته‌هایی برای بازجویی که در این زندانها، زندانیان دست‌بندی می‌شوند بجز در پناهگاه چادریه، در آن‌جاسکی از هویت افراد و یاران‌هایش که حمله می‌کنند و یا بازجو خبر ندارند، خودشان می‌گویند که فردی به‌نام احمد سلمان در آن‌جا هست.

منتظر سامرائی درمورد احمد سلمان گفت: همه او را می‌شناسند، عراقیان او را می‌شناسند وی سرتپ در وزارت اطلاعات رژیم ایران است. وی از دولت ایران می‌گردد. دفاتر وزارت اطلاعات ایران در همهٔ مناطق عراق وجود دارد و حتی عکسهای خمینی نیز در مؤسسات دولتی در میانه و جنوب نصب شده است. بعضی از کاتبان رژیم در خوزستان یک هزار قفره هیزبه به نام آنها می‌کند و برای مدتی در ایران بودند این کارها را بعضی می‌دانند؟ دکتر صبحی ناظم توفیق در پاسخ گفت: آن‌چه شما گفتید درست است، دخالتهای رژیم ایران درعراق آشکار می‌باشد و ادارهٔ اطلاعات ایران در استانهای مختلف دقفر دارد» (تولوزیون ابوطیپی ۲۷دی ۸۴).

نیروها و شخصیتهای سیاسی عراق ربودن ۹افسر و گارد ساحلی این کشور توسط رژیم ایران را نقض خطرناک حاکمیت عراق دانسته و اعلام کردند: قاجاق نفت عراق با اطلاع و حمایت رژیم ایران صورت می‌گیرد. روزنامهٔ الزمان ضمن درج این خبر نوشت: منابع عراقی می‌گویند در صورتی که ثابت شود تهاجم گارد ساحلی ایران به گفت عراق از روی عهد و پهنظر حمایت از قاجاقچیان بوده است، مسأله از یک تجاوز ساده به یک تجاوز خطرناک به حاکمیت عراق

وزارت کشور عراق، جزئیات دیگری از شکنجه و کشتار توسط عوامل رژیم ایران در زندانهای وزارت کشور عراق راه فاش ساخت.

سرلشکر منتظر سامرائی، افسر ارشد سابق وزارت کشور عراق، جزئیات دیگری از شکنجه و کشتار توسط عوامل رژیم ایران در زندانهای وزارت کشور عراق راه فاش ساخت.

وزارت کشور عراق، جزئیات دیگری از شکنجه و کشتار توسط عوامل رژیم ایران در زندانهای وزارت کشور عراق راه فاش ساخت.

وزارت کشور عراق، جزئیات دیگری از شکنجه و کشتار توسط عوامل رژیم ایران در زندانهای وزارت کشور عراق راه فاش ساخت.

وزارت کشور عراق، جزئیات دیگری از شکنجه و کشتار توسط عوامل رژیم ایران در زندانهای وزارت کشور عراق راه فاش ساخت.

وزارت کشور عراق، جزئیات دیگری از شکنجه و کشتار توسط عوامل رژیم ایران در زندانهای وزارت کشور عراق راه فاش ساخت.

وزارت کشور عراق، جزئیات دیگری از شکنجه و کشتار توسط عوامل رژیم ایران در زندانهای وزارت کشور عراق راه فاش ساخت.

وزارت کشور عراق، جزئیات دیگری از شکنجه و کشتار توسط عوامل رژیم ایران در زندانهای وزارت کشور عراق راه فاش ساخت.

استاندار بصره روز ۲۶دی‌خبر داد: نیروهای گارد ساحلی رژیم ایران یک سرباز عراقی را کشته و هشت تن از جمله یک افسر عراقی را ربودند.

تولوزیون الجزیره که این خبر را منتشر می‌کرد، به نقل از استاندار بصره گفت: «این درگیری زمانی رخ داد که نیروهای گارد ساحلی عراق تلاش می‌کردند یک کشتی را که اقدام به قاچاق نفت عراق می‌کرد، متوقف کنند. استاندار بصره به الجزیره گفت کشتی مزبور به اسم یکی از کشورهای خارجی ثبت شده و ناخدای آن که دارای ملیت ایرانی بود، با نیروهای گارد ساحلی ایران تماس گرفته و خواستار نجات شد. نیروهای گارد ساحلی ایران کشتی مزبور را گرفته و سربازان عراقی را به گروگان گرفتند. آنها هم‌چنین دو قایق عراقی را به بندر آبادان منتقل کردند. استاندار بصره افزود: این اولین بار نیست که نیروهای رژیم عراق به گارد ساحلی عراق تجاوز می‌کنند. وی گفت که این موضوع را به دولت عراق ابلاغ کرده است اما هیچ پاسخی دریافت نکرده است.

روابط عراق و رژیم ایران بحرانی می‌شود. العربیه گفت: «در افق نشانه‌هایی از شروع بحران جدید میان عراق و ایران دیده می‌شود. ۹سرباز عراقی توسط نیروهای گارد مرزی ایران ربوده شدند. عراقیان می‌گویند که به گارد ساحلی عراق تجاوز می‌کنند. در حال تعقیب یک کشتی بودند که مشغول قاچاق نفت بود.

وزارت کشور عراق، جزئیات دیگری از شکنجه و کشتار توسط عوامل رژیم ایران در زندانهای وزارت کشور عراق راه فاش ساخت.

ساختار اولین بودجه‌بندی دولت پاسداران؟

یزدان حاج حمزه

پاسدار احمدی‌نژاد روز ۵دی۷۵، ۸۴ لایحه بودجهٔ سال۱۳۸۵ دولت خود را به مجلس هفتم تحویل داد تا به دخل و خرجهای علنی دولت و شرکتهای دولتی در سال آینده، صورت اقا^نون‌ی بخشد. بررسی این بودجه مستلزم آن است که ساختار و مشخصات کلی را که به این لایحه شکل داده از نظر بگذرانیم. اما پیش از مرور مشخصات کلّی لایحه بودجهٔ ۸۵، فضای شکل‌گیری، محدودهٔ عملیاتی و نقش اقتصادی بودجه دولت را یادآور می‌شویم:

الف- فضای سیاسی ویژه بودجه‌بندی سال ۱۳۸۵
مجری این بودجه، دولتی از رژیم ولایت‌فقیه است که «رهبر» این رژیم آن را «اولین دولت اسلامی» اعلام کرده است. این «اولین دولت اسلامی»، هم مدیریت سیاسی دولت خاتمی و رفسنجانی را اشتباه تلقی می‌کند و هم مدیریت اقتصادی این دو دولت را. دولت احمدی‌نژاد خود را مأمور پیشبرد سیاستی جدید در عرصه داخلی و بین‌المللی می‌داند. رئیس این دولت دیگر مثل دولت خاتمی مدعی آزادسازی سیاسی و آزادسازی اقتصادی نیست. از جاده مدیریت متعارف خارج شده، و برای ایز گم‌کردن، شارهایی را در عرصهٔ سیاسی و اقتصادی سر می‌دهد که در حوزه کار و مأموریت دولتهای متعارف نمی‌گنجد. او مدعی تحقق «عدالت‌گستری، مهوروزی، خدمت‌رسانی و تعالی همه‌جانبه» است. تنظیم و تصویب اولین بودجهٔ دولت خود را نیز با توسل به این کلی‌گوییهای انحرافی پیش می‌برد. او در این مورد از تریبون مجلس به مجلس‌نشینان رژیم می‌گوید «در بودجه‌یی که تقدیم شما می‌شود به محرراهی برای رسیدن به اهداف ۴گانه دولت (عدالت‌گستری، مهوروزی، خدمت‌رسانی و تعالی همه‌جانبه) تأکید شده است.» (خبرگزاری موج ۲۵ دی ۸۴)

این فضا و این نوع برخورد با تدوین بودجهٔ سال۱۳۸۵، نشان می‌دهد که بودجه‌بندی پیش از بودجه‌بندی دولتهای سابق تھی از منطق اقتصادی است و سمت و سوی سیاسی دارد. برخورداری سیاسی جنگ‌گونهٔ این دولت در عرصه داخلی و خارجی، به هر میزانی که بخواهد عملی شود، پشتوانه مالی می‌طلبد که بودجه باید جوابگوی بخش قابل‌پیش‌بینی آن باشد.

ب- محدوده عملیاتی بودجه:

در بودجه کل کشور، که شامل بودجه عمومی دولت و بودجه شرکتهای دولتی است، همه منابع درآمدی و هزینه‌یی حکومت آورده نمی‌شود. به‌عنوان مثال در این بودجه‌بندی برای هزینه‌هایی بودجه هزینه‌ قابل توجه دستگاههای موازی دستگاههای دولت که در نهاد «هربری» زیر نظر مستقیم خاتمی به فعالیت مشغولند ردیفی پیش‌بینی نشده و نمی‌شود. در بودجه دولت برای سایر هزینه‌های سری و غیرعلنی رژیم نظیر تأمین هزینه خرید تکنولوژی و لوازم دستگاهی کنتنار جمعی مثل منب استر و هزینه‌های شبکه پرسنلی مربوطه‌یی که در اروپا و کشورهای بلوک شرق سابق به وجود آورده‌اند و هم‌چنین هزینه‌های سری مربوط به «صدور انقلاب» در خارج از مرزهای کشور مثل عراق و لبنان نیز

نشانی دیده نمی‌شود. از این روی برای بخشی از این نوع هزینه‌های رژیم در خارج از بودجه عمومی دولت تأمین اعتبار مالی می‌شود و بخش دیگر این نوع هزینه‌ها زیر پوشش برخی از هزینه‌های علنی دولت و شرکتهای دولتی پنهان می‌شود. قدر مسلم آن است که، مثل شرایط کنونی، هرچه فعالیتهای سیاسی- نظامی رژیم گسترده‌تر شود مخفی کاری عملیات مالی دولت و رهبری رژیم بیشتر می‌شود و عدم شفافیت کمی و کیفی هزینه‌ها و درآمدهای عمومی، بیشتر می‌شود.

ج- نقش اقتصادی بودجه:

بودجهٔ دولت اهرم مالی تعیین‌کننده‌یی است که به هر حال اقتصاد کشور یعنی فضای زندگی مادی جامعه ایران و خانوارهای ایرانی را به شدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. هرچه میزان دخل و تصرف مالی دولت در اقتصاد کشور بیشتر باشد، این تأثیرگذاری بیشتر خواهد شد و هرچه منابع درآمد و موارد هزینه‌هایی که دولت در بودجه‌بندی سالانه‌اش پیش‌بینی می‌کند، انطباق کمتری با موازین اقتصادی داشته باشد، اثر منفی بودجهٔ دولت بر اقتصاد کشور بیشتر خواهد شد. به این اعتبار بودجهٔ دولت نماد مدیریت مالی اقتصاد کلان دولت تلقی می‌شود و کم و کیف بودجه‌بندی نشان می‌دهد که دولت این ابزار مهم مالی را در جهت تنظیم منطقی اقتصاد کلان کشور به کار می‌برد و یا در جهت خلاف آن. این را هم باید اضافه کرد که دولت در رژیم ولایت‌فقیه در ضمن بودجه‌بندی، از طریق مکلف کردن سیستم بانکی کشور به واگذاری وام به این یا آن بخش اقتصادی و تعیین این با آن سیاست در مدیریت پولی کشور، در عمل از «شواری پول و اعتبار» یعنی ارگانی که در تنوری، مدیریت و مسئولیت تنظیم اقتصاد کشور با اهرم پولی را دارد، به میزان زیادی خلع‌ید می‌کند و ابزار پولی تنظیم اقتصاد کشور را نیز به خدمت پیشبرد سیاستهای خود می‌گیرد. با این توضیحات برخی از ویژگیهای اولین بودجهٔ دولت احمدی‌نژاد را از نظر می‌گذاریم:

۱- برداشت‌درصد بیشتری از درآمد ملی ایران:
دولت احمدی‌نژاد در تنظیم لایحهٔ بودجهٔ ۸۵ برای هزینه‌های عمومی دولت عموماً علناً پیش‌بینی کرده که در سال آینده نزدیک به ۶۳زهار میلیارد تومان یعنی روزی ۱۷۲میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان از درآمد نفت، مالیات و سایر درآمدهای که دستگاههای دولتی دارند، برداشت و هزینه کند. با این حساب دولت او می‌خواهد به ازای هر یک نفر از ۷۰میلیون ایرانی روزی ۲۴۶۶ تومان از درآمد ملی آنها را هزینه نماید. سوی این دولت لایحهٔ بودجهٔ ۸۵، به شرکتها و مؤسسات انتفاعی دولتی نیز اجازه داده شده که از محل درآمد ناشی از سرمایهٔ عظیم عمومی که در اختیار آنها گذاشته شده و سایر منابع تأمین اعتبار (ملا و وام گرفتن از بانکها) درسال۱۳۸۵رقمی نزدیک به ۱۳۸ هزار میلیارد و ۵۷۳ میلیون تومان هزینه کنند. با این حساب منابع کارشناسی داخلی دولتی می‌کنند که حجم هزینه‌های دولت و شرکتهای دولتی در سال آینده بالغ بر ۶۶درصد ارزش تولید ملی ایران در همین سال برسد. دولت به خودی خود، بدون آن آذربایجان غربی دچار کاهش شدید فشار و حتی قطع بودجه عمومی، در سال آینده بیش از ۲۷درصد

قطعی طولانی مدت گاز در سرمای زمستان در شهرهای مختلف

کنونی قطعی گاز به دیگر مناطق این استان گسترش خواهد یافت.
به گزارش همین منبع در اول بهمن ۸۴، مدیرعامل شرکت گاز استان سمنان اعلام کرد: در روز سه‌شنبه مهدی‌شهر، شه میرزا و شهر سمنان به مدت ۱۲ساعت از ۸ تا ۲۰ساعت تا ۸صبح روز چهارشنبه با افت فشار و قطع گاز روبرو شدند. وی افزود در روز چهارشنبه ۶ هزار مشترک در سه شهر یاد شده با قطع گاز مواجه شدند.

به گزارش دنیای اقتصاد(۲بهمن ۸۴) مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران گفت: چند روز گذشته در پی افزایش ورودت هوا گاز برخی مناطق از جمله آذربایجان غربی دچار کاهش شدید فشار و حتی قطع گاز شده‌اند.

حال بحث است، ۴هزار و ۶۸۰میلیارد تومان است.

پولی ارزنی

نرخ برابری ریال در برابر دلار آمریکا در سال ۲۰۰۵ برابر ۹۰۴۰ ریال بود

واحد اطلاعات اقتصادی آکونومیست اعلام کرد، نرخ برابری ریال ایران در برابر دلار آمریکا در سال ۲۰۰۵ به طور متوسط به ۹ هزار و ۴۰۰ ریال رسید.

بنابه این گزارش دلار سنگاپور قوی‌ترین واحد پول کشورهای در حال توسعه در سطح جهان در سال۲۰۰۵ بوده است و در این سال هر دلار آمریکا به طور میانگین با ۱/۶۵ دلار سنگاپور مبادله شده است. (خبرگزاری رژیم،مهر، اول بهمن ۸۴)

انرژی

روزانه ۲۶ میلیون لیتر بنزین وارد ایران می‌شود

به گزارش خبرگزاری رژیم (مهر، ۳دی۳۰ ۸۴) مدیر عامل بخش فراورده‌های نفتی گفت درحال حاضر روزانه ۲۶میلیون لیتر بنزین وارد کشور می‌شود که توان واردات بیش از این را هم ندارد.

وی با اشاره به روند افزایش مصرف بنزین گفت: در دی ماه رشد مصرف بنزین نسبت به مدت مشابه سال قبل ۵درصد بوده که به طور میانگین روزانه ۶۶ میلیون لیتر بنزین مصرف شده‌است.

وی گفت: این درحالی است که در ۹ماه سال جاری میزان مصرف بنزین نسبت به مدت مشابه سال قبل۱۰/۵ درصد افزایش داشته که بدین ترتیب روزانه به طور میانگین ۷۷میلیون لیتر مصرف شده است.



ارزش تولید ملی ایران را برداشت و هزینه کند. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که نرخ و درصد برداشت دولت از درآمد ملی در سال آینده بیش از سایرهای قبل رشد کرده است.

۲- افزایش شدید وابستگی بودجه به درآمد ناشی از صادرات نفت خام

پیش‌بینی میزان برداشت ارز ناشی از صادرات نفت خام در لایحهٔ بودجهٔ سال۸۵نسبت به پیش‌بینی سال۸۴ حدود ۲/۵برابر شده و به رقم ۳۶/۵میلیارد دلار رسیده است. (روزنامهٔ شرق ۵دی ۸۴ به نقل سرپرست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی)

دولت احمدی‌نژاد در تنظیم اولین بودجهٔ خود می‌خواهد به ازای صادرات هر بشکه از نفت خامی که از طرف شرکت ملی نفت اعلام می‌شود، ۴۰ دلار برداشت کند و معادل ریالی آن را که بشکه‌یی حدود ۳۳ هزار تومان می‌شود به حساب بودجهٔ دولت واریز نماید. به این ترتیب اگر میانگین صادرات نفت خام در سال آینده را روزی ۲/۵میلیون بشکه در نظر بگیریم، دولت می‌خواهد از این محل، روزانه ۱۰۰میلیون دلار، معادل ۹۰ میلیارد تومان، برداشت کند و به تأمین بودجهٔ عمومی در سال ۸۵ اختصاص دهد. پیش‌بینی واریز بشکه‌یی ۴۰ دلار از درآمد نفت خام صادراتی به حساب بودجه دولت امری بی‌سابقه است و با وجود آن که قیمتها در بازار نفت به طور نسبی بالا است، در عمل چیزی از درآمد صادراتی نفت به عنوان

مآزاد درآمد نفتی باقی نمی‌گذارد که به صندوق ذخیره ارزی ریخته شود. اما وابستگی مستقیم اولین بودجه دولت پاسدار احمدی‌نژاد به درآمد مستقیم نفت به همین جا ختم نمی‌شود. این دولت در بودجه‌بندی سال ۸۵ پیش‌بینی کرده که ته مانده مآزاد درآمد نفت سال ۸۴ در صندوق ذخیره ارزی را نیز هزینه کند. در این بودجه‌بندی به دولت اجازه داده شده که به بهانه «تسریع در اجرای عملیات طرح‌های نیمه تمام»، حدود ۱۳میلیارد دلار که معادل ۱۲هزار میلیارد تومان می‌شود نیز از موجودی صندوق ذخیره ارزی برداشت نماید. با این حساب قرار است بیش از ۷۱درصد بودجه ۶۳ هزار میلیارد تومانی دولت احمدی‌نژاد به طور مستقیم از درآمد جاری و ذخیره مربوط به صادرات نفت خام تأمین شود.

۳- واگذاری پیمانکاری طرحهای عمرانی به «بسیجی»‌ها:

درین «ط» تبصرهٔ ۹ لایحهٔ بودجهٔ ۸۵، همهٔ تشکلهای «بسیجی» به عنوان پیمانکار طرحهای عمرانی دولت به‌رسمیت شناخته شده‌اند. دراین بند



تصویر مخایره شده توسط خبرگزاری رویتر از اولین یرف زمستانی سال جاری در تهران، اول بهمن ۸۴

وی افزود: در صورت ادامه روند افزایشی در مصرف، اعتبار ۴میلیارد دلار برای واردات بنزین کافی نیست و سال آینده با ۲میلیارد دلار کسری بودجه مواجه می‌شویم مدیرعامل بخش فراورده‌های نفتی : پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که در سال آینده اگر قیمت بنزین ثابت باشد که امروز شاهد رشد بیش از پیش قیمت بنزین در بازارها هستیم، حداقل به ۶ میلیارد دلار اعتبارنیاز داریم .
قیمت متوسط نفت سنگین ایران در سال ۲۰۰۵، ۴۷/۹۹دلار اعلام گردید
سازمان کشورهای صادرکننده نفت(اوپک) متوسط قیمت نفت سنگین ایران در سال۲۰۰۵، ۴۷/۹۹دلار در هر بشکه اعلام، و این نفت را دومین نفت ارزان اوپک در سال۲۰۰۵ معرفی نمود.
به گزارش خبرگزاری رژیم (فارس) به نقل از سازمان کشورهای صادرکننده نفت(اوپک) ، نفت سنگین ایران در سال ۲۰۰۵ به طور متوسط به قیمت ۴۷/۹۹ دلار در برابر هر بشکه معامله شد که این رقم با ۴۵درصد افزایشی نسبت به سال قبل از آن مواجه بوده است.
سازمان کشورهای صادرکننده نفت(اوپک) متوسط قیمت نفت سنگین ایران ۲۰۰۴ ۳۷/۰۶ دلار در هر بشکه اعلام شده بود.

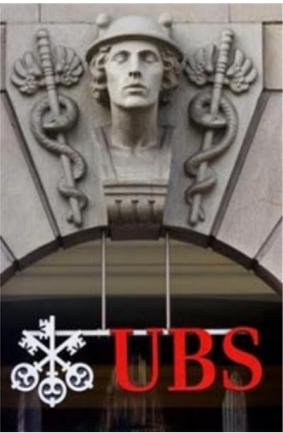
بازرگانی خارجی

پاکستان واردات فولاد از ایران را متوقف کرد

روزنامه ییزنس رکورد،(اول بهمن ۸۴) از متوقف شدن واردات فولاد ایران توسط پاکستان خبر داد. این روزنامه با درج این مطلب نوشت: به دنبال کاهش نرخ این محصول در بازارهای بین‌المللی و عدم کاهش آن توسط ایران واردات فولاد از ایران

شمارهٔ ۷۸۳ – سه‌شنبه ۴بهمن ۱۳۸۴

همکاری گستردهٔ دو بانک معروف سوئسی با رژیم ایران متوقف شد



غول بانکی سوئیس – UBS AG - در گزارشی اعلام کرد که انجام کلیهٔ امور تجاری با ایران را به دلیل ملاحظات اقتصادی و هم‌چنین احساس خطر موقعیت سیاسی رژیم ایران، متوقف کرده است.

به گزارش آسوشیتدپرس، سرگ استینر – سخنگوی شرکت یوبی‌اس – گفت: یوبی‌اس دیگر با اشخاص، شرکتها یا مؤسسات دولتی ایران هم چون بانک مرکزی همکاری نخواهد کرد.

استینر با تأیید گزارشی که در هفته‌نامهٔ سوئسی زونتاک سائوتوگ چاپ شده بود، گفت: تمامی امور بازرگانی و تجاری با مشتریان ایرانی لغو خواهد شد، اما ایرانیانی که در تعیید به‌سر می‌برند از این امر مستثنی هستند. سخنگوی یوبی‌اس می‌گوید که تصمیم این بانک ارتباطی با تحولات اخیر ازجمله اتهام اسرائیل دربارهٔ دخالت توأمان ایران و سوریه در بمبگذاری تل‌آویو مقارن با سفر محمود احمدی‌نژاد به دمشق ندارد. آقای استاینر گفت: این تصمیم کلیهٔ واحدهای مالی ما در سراسر جهان را شامل می‌شود». وی گفته است که دلیل اصلی اتخاذ این تصمیم بالا رفتن ریسک اقتصادی تجارت با ایران و ابهام دربارهٔ مسایل امنیتی و نظارتی بوده است.

سخنگو بانک یوبی‌اس تأکید کرد که اتخاذ این تصمیم تحت فشار آمریکا نبوده است.

سوئیس به عنوان محل مورد اعتمادی برای حفاظت از داراییهای مشتریان به‌حساب می‌آید و رئیس بانک مرکزی ایران درجریان اعلام خارج‌کردن سرپایه و توانمندی اجرایی آنها رده بندی می‌کرد و در مناقصهٔ هر طرح عمرانی دولت از پیمانکارانی که رده و صلاحیت لازم را داشتند دعوت به عمل می‌آورد. به هر حال واگذاری اجرای طرح‌های عمرانی به تشکیلات بسیج می‌تواند گویای این امر باشد که طرح‌های عمرانی مورد نظر دولت احمدی‌نژاد بار امنیتی و نظامی پیدا کرده و باید زیر کنترل نیروهای نظامی رژیم به اجرا در آید. در عین حال این اقدام می‌تواند سبب بسیجی‌ها نیز چرب کند و تشکیلات بسیج پس از دریافت طرح عمرانی از دولت، ضمن نظارت امنیتی، اجرا آن را با قیمتی پایینتر به پیمانکاران دست دوم واگذار نمایند. این حاتم‌بخشی دولت احمدی‌نژاد پس از واگذاری بسیاری از کرسیهای وزارت، معاونت وزارت، استانداری، سفارت و ریاست بانکهای دولتی، به پاسداران انجام می‌گیرد و تشکلهای بسیجی تحت امر سپاه پاسداران را نیز به مثابه شریک حاکمیت هم در کنترل اوضاع امنیتی رژیم شریک می‌کند و هم بسیجی را، علاوه بر حقوق و مزایای دولتی، در برداشت از خان یغمای بودجه دولت سهیم می‌نماید.

این اوصاف چنان که از کلیات لایحهٔ بودجهٔ سال۸۵ برمی‌آید، این بودجه‌بندی بدون رعایت ملاحظات اقتصادی و از نقطهٔ عزیمت ملاحظات سیاسی ویژهٔ دولت پاسداران شکل گرفته است. رسیدگی به عوارض اقتصادی و اجتماعی این بودجه‌بندی را به بعد از انتشار جزئیات و رسیدگی و تصویب آن در مجلس موکول می‌کنیم. اما در همین جا باید یادآور شد که احمدی‌نژاد و اعضای دولت او برای توجیه مجلس‌نشان رژیم درمورد ساختار بودجهٔ ۸۵، پیش از این چند بار با کمیسیون بودجه، هیأت رئیسه و اعضای مجلس نشست و برخاست داشته‌اند. از این روی رسیدگی بودجه دولت احمدی‌نژاد در مجلس تحت نفوذ پاسداران نمی‌تواند در ساختار این بودجه‌بندی تغییری به وجود آورد و منطق سیاسی –امنیتی، بیش و پیش از همیشه بر شکل‌گیری نهایی بودجهٔ سال۸۵ حاکم خواهد شد.

خبرگزاری فارس روز ۵دی۳۰ ۸۴ به نقل از روزنامهٔ شرق^۱اوسط گزارش داد شورای عالی امنیت رژیم (شواری که پاسداران تمام کرسیهای آن را تصاحب کرده‌اند) با صدور دستوری برای بانک مرکزی، وزارت نفت و بانکهای دولتی، از آنها خواسته است کلیهٔ سپاههای ارزی خود را از بانکهای اروپایی به بانکهای آسیایی از جمله به سنگاپور، شانگهای، هنگ‌کنگ ومالزی انتقال دهند.

امروز شیبانی، رئیس بانک مرکزی در پاسخ به این سؤال خبرنگاران که آیا انتقال حسابهای ارزی ایران واقیت دارد یا نه گفت: «ها هر جا صلاح

بندیم ذخایر ارزی را منتقل می‌کنیم. در این زمینه هم ما انتقال را شروع کرده و در حال انجام هستیم».

وی از پاسخ به این سؤال که آیا صد درصد ذخایر را منتقل خواهد کرد، طفره رفت و گفت: «ذخایری را به همه جا و هر جا صلاح باشد منتقل می‌کنیم».

این نقل و انتقال سپرده‌های ارزی ایران گویای آن‌است که:

۱- رژیم و شورایعالی امنیت به‌رغم خواست جامعهٔ جهانی به هر قیمتی خواهند به کار

نخست‌وزیر پاکستان اعلام کرد: در صورت اعمال هر گونه تحریم تجاری علیه رژیم ایران، دولت پاکستان از ادامه مذاکرات در خصوص پروژه ۷/۴ میلیارد دلاری انتقال گاز از ایران منصرف خواهد شد.

به گزارش خبرگزاری رژیم(فارس،اول بهمن ۸۴) شوکت عزیز، نخست‌وزیر پاکستان گفت:اگر شورای امنیت سازمان مل متحد تحریمهای تجاری وضع کند، پاکستان گاز طبیعی مورد نیاز خود را از قطر یا ترکمنستان تأمین خواهد کرد. این اظهارات زمانی صورت می‌گیرد که معاون

منصرف خواهد شد

وزیر نفت رژیم طی روزهای ۲۲ و ۲۴ ژانویه در خصوص پروژهٔ گاز با مقامهای اسلام‌آباد دیدار خواهد کرد. شوکت عزیز تأکید کرد: اسلام آباد بر اساس منافع ملی و اقتصادی خود در این خصوص تصمیم‌گیری خواهد کرد ولی با تغییر شرایط حاکم بر سیاستهای بین‌المللی، سیاستهای پاکستان نیز تغییر خواهد کرد.

وی گفت: پاکستان برای جایگزینی گاز طبیعی ایران ، چندین گزینه پیش روی خود دارد. خط لوله‌های انتقال گاز قطر و ترکمنستان مهمترین گزینه‌های پیش روی ما به شمار می‌رود .

برداشت از درآمدهای نفتی سیر صعودی می‌یابد

به گزارش خبرگزاری رژیم (مهر۳۰دی۸۴) رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس رژیم از افزایش برداشت دولت احمدی‌نژاد از درآمدهای نفتی ابراز نگرانی کرد و گفت: میزان برداشت دولت از درآمدهای نفتی در سال ۸۳، ۱۹۱۵میلیارد دلار بوده که تا پایان سال جاری قرار شده به ۳۵میلیارد دلار برسد.

این گزارش افزود: وی با اشاره به این که مصوبه دولت برای برداشت از درآمدهای نفتی در سال آینده بیش از ۳۰درصد خواهد رسید.

خواهد بود و بدین ترتیب متقاضی مسکن بعد از ۱۲سال صاحب مسکنی خواهد شد که قسط آن پس از ۱۵سال تمام خواهد شد، ولی پس از پایان قسط آن، نیمی از عمر مفید ساختمان گذشته است. (خبرگزاری رژیم، فارس ۳دی۳۰ ۸۴).

ایمنی

در لرستان ۹۵ درصد حوادثی ناشی از نشست گاز مربوط به ناهماهنگی میان ارگانهای مختلف رژیم است

به گزارش شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی، مدیر عامل شرکت گاز استان لرستان گفت: بیش از ۹۵درصد حوادثی که در عملیات گازرسانی اتفاق می‌افتد، مربوط به ناهماهنگی میان سازمانها و دستگاههای دولتی است.

وی افزود: در فاصله زمانی فروردین تا پایان فصل پاییز امسال ۴۸ مورد حادثه در ۹ شهرستان این استان روی داده است که دلیل عمده آنها هماهنگ نبودن سازمانها در اجرای پروژه‌های عمرانی است.

وی گفت: در آذر ماه خرم‌آباد با ۷مورد، بیشترین آمار حادثه را به خود اختصاص داده است. وی دلیل عمده این حوادث را نشست گاز اعلام کرد و افزود: بیشتر حوادثی که به‌واسطه نشست گاز اتفاق می‌افتد، ناشی از بی‌دقتی پیمانکاران دستگاهها و سازمانهایی است که عملیات اجرایی طرح به آنها واگذار می‌شود.

وی تصریح کرد: شرکت آب و فاضلاب استان لرستان از جمله شرکتهایی است که پیمانکاران آن تا کنون خسارتی را به این شرکت تحمیل کرده‌اند. وی یکی از تهدیدات را شیرهای پیاپه در در این استان بر شمرد.(شانا، ۵دی۷۵) (۴)

تعمیر کرد: شرکت آب و فاضلاب استان لرستان از

جمله شرکتهایی است که پیمانکاران آن تا کنون خسارتی را به این شرکت تحمیل کرده‌اند. وی یکی از تهدیدات را شیرهای پیاپه در در این استان بر شمرد.(شانا، ۵دی۷۵) (۴)

خیابان خوابی، خشونت خانگی، فقر، فحشا، و خودسوزی ارمنان نظام آخوندی برای زنان ایران

تحقیر و سرکوب روزمره و سیستماتیک، محرومیت از شغل و موقعیت اجتماعی، فقر طاقت‌فرسا، خشونت خانگی، قاچاق و بردگی جنسی، اعتیاد، فحشا، خیابان خوابی و تن‌فروشی و نهایتاً خودکشی و خودسوزی ارمنان رژیم آخوندی برای زنان میهن ما در طی حاکمیت خود بوده‌است.

تبعیض شدید و محرومیت زنان از شغل و موقعیت اجتماعی

هرچند که اختاپوس بیکاری و فقر وحشتناک تمام اقشار جامعهٔ ایران را در بر گرفته، اما به‌طور خاص این زنان کشور ما هستند که به‌طور مضاعف، بر اثر فرهنگ مردسالارانه‌یی که آخوند‌ها مروج آن هستند، دچار هیولای فقر شده‌اند و از آن‌جا که تمام راه‌ها برای آنها بسته است برای امرار معاش به هر دری می‌زنند و به هر کاری روی می‌آورند:

زهر شجاعی، رئیس سابق مرکز امور مشارکت زنان رژیم درمصاحبه باخبرگزاری رژیم (ایسنا) می‌گوید:

«۸۸درصد زنان جزء جمعیت غیرفعال اقتصادی هستند که

این رقم بسیار بالاست…»

برغم این که ۶۰درصد دانشجویان دانشگاه‌ها را دختران تشکیل می‌دهند، فقط ۱۳ تا ۱۵درصد آنها پس از فارغ‌التحصیلی جذب بازار کار می‌شوند.

نرخ بیکاری زنان تحصیلکرده ۸۷درصد است.

از یک میلیون و ۲۰۰ هزار زن سرپرست خانوار تنها ۳۰۰هزار نفر تحت پوشش حمایت کمنیته امداد و سازمان بهزیستی هستند.»

خبرگزاری حکومتی (ایسنا) ۱۷آبان گزارش می‌کند:

«امروزه نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی کمرنگ شده، چرا که با تقسیم مشاغل به زنانه و مردانه دایرةٔ انتخاب مشاغل محدود شده است، به گونه‌یی که دامنهٔ انتخاب شغلی برای زنان تنها بین ۸ تا ۱۰ شغل و برای مردان ۳۷شغل است.

– زنان در بیشتر مناطق به‌طور عادی تبعیض شغلی را تجربه می‌کنند که اغلب این تبعیضا ساختاری بوده و یا از طرز تلقی اجتماعی نسبت به آنها نشأت می‌گیرد، در این راستا زنان آخرین گروه استخدایمی و اولین گروه اخراج‌ها هستند.»

سپس خبرگزاری ایسنا به نقل از یک کارشناس مسائل زنان به نام دکتر ژاله شادی‌طلب می‌نویسد:

«در ایران معیارهای استخدامی نابرابری برای زنان نسبت به مردان وجود دارد و دستمزد نابرابر به ازای کار یکسان به‌ویژه در بخش کشاورزی به وضوح دیده می‌شود که این مسأله در سایر بخشهای اشتغال نیز مورد دارد.

این کارشناس زنانه‌شدن فقر را از مهمترین عواملی که زنان را با اراده به‌سوی باندهای قاچاقی می‌کشاند دانسته و می‌گوید: «بندانگشتی زنان به این امید که خانوادهٔ خود را از حیث مالی تأمین و آینده

اقتصادی زندگی خویش را تضمین کنند به سمت باندهای قاچاق کشیده‌می‌شوند.

این در حالیکست که بیش از ۷۲درصد قربانیان این تجارت، دختران ۲۵ساله و کمتر از آن هستند یعنی سنینی که تازه فارغ‌التحصیل شده یا قاعدتاً باید به‌تحصیل و آموزش ادامه بدهند.

زنان خیابانی

پدیدهٔ زنان خیابانی از دردناکترین محصولات همین سیاست سرکوب رژیم آخوندی است، با نگاهی به آمارهای هرچند ناقص و تحریف شده خود رژیم می‌توان تا حدودی به ابعاد فاجعه بی‌برد:

–یک میلیون و هفتصد هزار زن در خیابانها زندگی می‌کنند –۳۰۰ تا ۶۰۰هزار نفر از زنانی که در خیابانها زندگی می‌کنند برای تأمین معاش خود و فرزندانشان تسلیم تن‌فروشی می‌شوند.

۶۰درصد این زنان از سنین ۱۳ تا ۲۰سالگی وارد این کار شده‌اند. ۸–هزار یاند فحشا در تهران وجود دارد.

–تنها ظرف شش ماه اول سال گذشته صدها محل تن‌فروشی قاش و حدود ۲۵هزار نفر در رابطه با فحشا دستگیر شده‌اند.

– سن فحش‌طی ۷ سال، از ۲۸ سالگی به ۱۳سالگی کاهش یافته‌است.

– تعداد دختران فراری تنها در شهر تهران در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال۱۳۷۹ از ۱۲۰۰ نفر به ۵۰۰۰ نفر رسیده که این رقم در سال ۸۱به‌پیش از ۶ هزار نفر رسیده است. سن متوسط دختران فراری از ۱۶سالگی در سال ۷۹ به ۱۳سالگی در سال۸۲ رسیده است.از این تعداد دختران ۲۷/۲درصد در خیابانها منزل کرده‌اند. بقیه در پارک‌ها و بخش‌ی هم به‌خانه‌ها دوستان پناه برده‌اند.

توجیه سرکوب زنان توسط مجلس ارتجاع

برای جامعه‌شناسان این پدیدهٔ بسیار روشنی هست که فحشا از فقر، بیکاری و نابرابری اجتماعی ناشی می‌شود. تحقیقات انجام گرفته نشاندهندهٔ این واقعیت تلخ است که وقتی دختران و زنان فراری که بیشترین فشار را تحمل می‌کنند، در فشار و تنگنای اقتصادی، خانوادگی و روانی قرار می‌گیرند به‌تنها چیزی که می‌اندیشند فرار از محیط و شرایطی است که در آن قرار گرفته‌اند و به عواقب آن در سرنوشت خود فکر نمی‌کنند.

اما تحلیلگران و تنورسپینهای قرون وسطایی نظام آخوندی به‌خصوص بعد از روی کار آمدن احمدی‌نژاد تلاش دارند که این پدیده را که ارمنان شوم رژیم آخوندی و قوانین زن‌ستیزانه آن است، ناشی از جنبش برابری زنان قلمداد کنند و به‌سیاستهای خود برای حذف زنان در صحنهٔ اجتماعی شتاب بیشتری بدهند

اخیراً مجلس رژیم آخوندی گزارشی تهیه کرده که در

خیابان خوابی، خشونت خانگی، فقر، فحشا، و خودسوزی ارمنان نظام آخوندی برای زنان ایران

آن ضمن مثلاً بررسی «برنامهٔ پنجسالهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور «به‌تحقیق در مورد مسائل زنان» پرداخته و نتیجه گرفته که فحشا، تن‌فروشی، خشونت جنسی و پدیدهٔ زنان خیابانی، نتیجهٔ جنبش برابری خواهانهٔ زنان در میهن ما است.

در سیزدهم آبانماه جاری گزارشی از مرکز پژوهشهای مجلس رژیم در سایت خانه ملت درج شده و در آن نوشته بود که: «فرهنگ مسلط در دهه‌های اخیر با تمرکز بر لزوم برابری (زن و مرد) و غفلت از جنسیت و ویژگیهای جنسیتی، پیامدهای مختلفی را سبب شده که از جمله آنها در حوزهٔ ذهنیات و تمایلات است که زن از زن بودن خود احساس رضایت نمی‌کند، خود را متفاوت از مرد نمی‌شناسد و نمی‌تواند انتظارات متفاوت از دو جنس را بپذیرد و در نتیجه وجود قوانین و رویه‌های متفاوت در مورد زن و مرد را تبعیض می‌داند و رفته رفته خواهان تشابه نقشها و حذف اختلافات می‌شود!»

در ادامه گزارش مرکز پژوهشهای مجلس ارتجاع این طور می‌خوانیم که: «درهم‌شکستن مرزهای زنانگی و مردانگی دومین پیامد چنین وضعیتی است که در نتیجهٔ آن رقابت بی‌حاصل با جنس مخالف و حضور در عرصه‌های مردانه، ضریب نامایی اجتماعی زنان را افزایش داده!»

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید مجلس ارتجاع برای تنویرزه کردن آبارتابد جنسی حاکم بر میهمان، به زنان کشور ما اعلام می‌کند که تبعیض و نابرابری موجود را بپذیرند و تحت عنوان «ویژگیهای جنسیتی» تلاش می‌کند زنان آزاده میهن را به تمکین در برابر نظام زن‌ستیز آخوندی وادارد و از طرفی با دجالیزبانهی خاص آخوند‌ها علم امتیث اجتماعی زنان را به خود زنان نسبت می‌دهد و جنبش برابری زنان را تحت عنوان «رقابت بی‌حاصل با جنس مخالف» علت نامایی و خشونت علیه زنان قلمداد می‌کند، البته که جز زنان بسیجی و پاسدار کسی را نمی‌تواند فریب‌بد.

خشونت خانوادگی

اما یکی دیگر از عواملی که به موج رو به گسترش زنان و دختران فراری دامن می‌زند، خشونت‌های خانوادگی است که از ارمغانهای نظام آخوندی و فرهنگ مردسالار حاکم بر آن است. طبق گزارش یک ارگان رژیم به نام سازمان بهزیستی ایران در سال ۱۳۸۴ فقط ظرف شش ماه هشت هزار مورد خشونت خانگی علیه زنان گزارش شده است، یعنی به‌طور متوسط روزانه حدود ۴۴ مورد خشونت ثبت شده است و این در حالیکست که بسیاری از موارد به دلایل مختلف به ارگانهای رژیم گزارش نشده و ثبت نشده است، و در واقع بخش کمی از میزان واقعی خشونتها را نشان می‌دهد.



واقعیتهای چند ماه اخیر در صحنهٔ سیاسی ایران از یک سرفصل جدی و نهایی خبر می‌دهند. آن‌قدر که بر خلاف گذشته تفسیر و تحلیل آن‌چنانی نمی‌طلبد و می‌توان به‌سادگی آن را دید و شنید و حس کرد.

سه سال پایداری پرشکوه اکنون پیروزی محتم خلقمان را در آینده‌ی نزدیک نوید می‌دهد. نگاهی کوتاه و مختصر به این سه‌ساله در دو جبههٔ خلق و مقاومت از یک طرف و رژیم آخوندی حاکم بر ایران از طرف دیگر، چنین تابلویی را

در پیش روی هر بیننده و ناظر بی‌طرفی ترسیم می‌کند: در جبههٔ خلق و مقاومت خیزشهای مردمی در سراسر مین، به‌خصوص خیزشهای یک ماههٔ مردم شهرهای کردستان، درست بعد از روی کارآمدن پاسدار احمدی‌نژاد،تظاهرات ایرانیان آزاده در کشورهای اروپا و آمریکا برای حمایت از مقاومت و نیروی محوری آن، سازمان مجاهدین خلق ایران، حمایت گستردهٔ مردم جهان و نمایندگانشان در کشورهای اروپا و آمریکا و خاورمیانه و به‌خصوص حمایت حدود ۳میلیون نفر از مردم عراق (اعم از کرد و عرب و شیعه و سنی) از مقاومت و مجاهدین گوهان این واقعتند.

هم چنین شاهد اعلامی مقاومت و ضربات بی‌دری شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق بر پیکر فرتوت رژیم آخوندی هستیم که به حق باید گفت که رژیم را به این نقطه کشانده است که در وحشت از فرا رسیدن روز «ر» و ساعت «س» این‌گونه نود و پا بزند و تمام دار و ندار خود را، با آویختن هر خس و خاشاک و توطئه‌یی، به کار بگیرد و دست به‌دامن حامیان برون مرزی شود و با صرف هزینه‌های گزاف برای ممانعت از سرنگونی‌اش تلاش کند. اما آفتاب آخوندها غروب کرده و هیچ قدرتی قادر نخواهد بود این رژیم را از زخمش مردم و عزم مقاومت نجات دهد.

ولی در جبههٔ ضدخلق، یعنی رژیم فرتوت آخوندی، شاهد فعالیت‌های دیوانه‌واری در زمینه‌های دستیابی به سلاح اتمی، تلاش برای متلاشی کردن مقاومت، مداخلات هیستریک در امور داخلی عراق و هم‌چنین سرکوبی وحشیانهٔ مردممان در داخل کشور هستیم. رژیم در همهٔ این زمینه‌ها مقاومتی پولادین و پرتجزیه را در برابر خود می‌بیند. به همین خاطر، مقاومت سازمانیافته در زامخشم مردم و عزم مقاومت نجات دارد.

در خصوص سازمان مجاهدین خلق هدف اصلی رژیم است. مقاومت سازمانیافته و به‌خصوص مبارزهٔ هیستریک در امور داخلی عراق و هم‌چنین سرکوبی رابطه صحیح نیست، و از این‌که دولتها و شخصیتها و رسانه‌های خبری بر درستی افشاکریهای مجاهدین و مقاومت انگشت می‌گذارند گریه و زاری سر داده و با پرداخت هزینه‌های سنگین از جیب مردم ایران، به دامن حمایتش در شرق و غرب عالم می‌آویزد.

در زمینهٔ مداخلات تروریستی و جنایتکارانه در امور داخلی عراق نیز، که برای مردم بسیار مهتمتر از دستیابی به سلاح اتمی است، به طرق مختلف از زبان نزدیکان و مزدوران خودمدعی می‌شود که گویا ایران در امور عراق دخالت نکرده و نمی‌کند؛ و این مجاهدین خلق هستند که این ادعاها را می‌کنند! اکنون که نزدیک به سه سال است تحولات منطقی‌یی عراق را فرا گرفته است،

صورت رنگ پریدهٔ نظام و سلیهای وزارت اطلاعات

ع – خدامردمی

در شرایطی که رژیم جنایتکار آخوندی در دروازهٔ شورای امنیت قرار گرفته و اتفاق‌نظر جهانی مبنی بر ارجاع پروندهٔ رژیم به شورای امنیت حاصل گردیده است، و این امر به مثابه یک تحول کیفی رژیم در وحشت و هراس مرکب‌اری فربورده است، در مرحلهٔ پیشروی سیاسی مقاومت که محصول یک ربع قرن تلاش، کوشش و رنج و خون فرزندان مقاوم ی ملت است، رژیم آخوندی با تشدید نزوای بین‌المللی و قطعیت جامعهٔ جهانی روبه‌رو شده، طبق سنت جدال‌ای ۲۷سالهٔ خود شروع به فرافکنی و سرخ کردن صورت رنگ‌پریده و هراسان خود با سلیلی نموده است. سایتهای وزارت اطلاعات برای دادن روحیه به مأموران و مزدوران و متمدن مقاومت سازمان یافته مردم ایران است و برای خود یعنی ادامهٔ سرکوب و غارت مردم را در فتای این مقاومت یافته‌اند، و به زعم خود می‌خواهند اذهان مزدوران و ذخیمان خود را منحرف کرده و به آنها روحیه بدهند و صورت نظام را با این سلیلی ها سرخ نگه دارند.

کماست این‌که کلیت رژیم و مشخصاً وزارت جنایت‌پیشهٔ اطلاعات با روشنی دریافته‌اند که همهٔ مشکلات و خطرات مرگباری که با آن مواجه شده‌اند، بر اثر حضور فعال و توانمند مقاومت سازمان یافته مردم ایران است و بقای خود یعنی ادامهٔ سرکوب و غارت مردم را در فتای این مقاومت یافته‌اند، و سرانشب سقوط نیز چاره‌یی جز توطئه و حمله و هجوم به مقاومت و سازمان محوری آن نیافتاده.

از همین راستا سایت وزارت اطلاعات موسوم به ایران دیدبان و سایت‌های تابعه از «باخت بزرگ رجوی»، از «شکست بزرگ مجاهدین»، و از «جانش بزرگ مجاهدین در اشراف» دم می‌زنند

سایت ایران دیدبان در یک فرار به جلو احمقانه نوشته است: «سال ۲۰۰۶ میلادی سالی که کاپوسها در مورد مجاهدین با وقیعت می‌پیوندد. سال ۲۰۰۶ میلادی در شرایطی آغاز می‌شود که مجاهدین از هر سو در حلقه محاصره‌یی بنام «دیپلوماسی فراقلمی» که خود برای سازمان خود طراحی کرده بودند روز به روز بیشتر گرفتار می‌شوند. واقعیت این است که انتخابات عراق نیز آیندهٔ نااعلمویی را برای استقرار مادام‌العمر مجاهدین در عراق رقم زده است، همین‌طور خیر وگنداری حفاظت یادگان اشراف به نیروهای بلغاری از جانب آمریکاییان این ظن و گمان را در محافل سیاسی تقویت کرده است که پس از گزارش جدید وزارت خارجهٔ آمریکا دولتمردان این کشور به‌گونه‌یی می‌خواهند پایشان را از تحولات در مورد آیندهٔ مجاهدین در عراق بیرون کشیند تا دولت قانونی این کشور در مورد آنان اراانه‌تر تصمیم بگیرد. پس پیشاپیش باید گفت سال ۲۰۰۶ سال به غایت سختی برای مجاهدین بوده و گردبادهای هولناکی در مسیر آنان به کمین نشسته‌است.»

البته که مأموران و مزدوران رژیم پایه‌گور آخوندی می‌توانند خواب و خیالها و امیدهای ۲۷سالهٔ امام گوربه‌گور شده و سران جنایتکار نظامشان را از رو کرد. اما اگر مجاهدین بر گردبادهای هولناک سیاسی و تشکیلاتی گیر کرده‌اند و شما و پیشاپیش به این نتیجه رسیدید که سال ۲۰۰۶ آرزوها و امیال دجال کفن‌پاره و سایر خمینی‌فانسان به واقعیت می‌پیوندد، پس چرا به تمام قوا و با همت و نیست خود مشغول توطئه و فعالیت علیه مقاومت هستید؟ چرا پنج وزارتخانه خود را مأمور زنده به مجاهدین و مقاومت می‌کنید؟ چرا با هزینه‌های نجومی تلاش می‌کنید که ضربی‌یی ولو کوچک به این مقاومت بزنید و یک نفر هم شده از این مقاومت جدا کنید؟ اگر مطمئن هستید که واقعیتهای هر نظر وزارت اطلاعات محقق می‌شود پس چرا در مورد ملاقات و در هر جلسه و سمیناری سرکردگان درجه یک رژیم به جعز و فرغ و التماس و پاپوس می‌افتند و خواستار محدود کردن مجاهدین می‌شوند. چرا شبانه‌روز به توطئه‌چینی مشغول هستید؟ و یک هوادار دور و

ف – نیشه سازش

نیشه سازش و تسلیم و خیانتهای مجاهدین به کار بگیرد؟ اگر مجاهدین در گرداب هولناک هستند، فلسفهٔ وجودی خائنان و کاپوها چیست؟ آیا بسته‌بندی و ارسال شما خائنان هوبت‌فروش به خارج، نشان از نگرانی و هراس عمیق رژیم از آیندهٔ خودش نیست؟ اگر مجاهدین آینده ندارند و از نفس افتاده‌اند، این همه سیات و کتاب و روزنامه علیه مجاهدین چه معنی دارد؟ اگر رژیم نابودی خود را در اسجام و استواری مجاهدین نمی‌بیند چرا سرکردگان نظام، همین که دست را استخوان را هم جلوی خائنان و خودفروشانی نظیر شما می‌اندازند؟

مگر مفر حمار تناول کرده‌اند که این استخوانها را جلوی سببجیحوی ۶۰درصدی و ۵۰ درصدی خودشان نیندازند

که از بی‌توجهی‌های نظام دلگیر شده‌اند. سایت ایران دیدبان در یک بز احمقانه با خرفتی تمام می‌خواهد روشنفکر نمایی کند با استفاده از کدها و عبارات مجاهدین قمیزی در کند، می‌نویسد: «مجاهدین خلق چه باید بکنند تا از این گردبادهای سیاسی و تشکیلاتی جان سالم بدر ببرند؟ و چرا از نمایندگان و سیاستمداران حامی مجاهدین که به گفتهٔ آنان آمار و ارقامشان طی دو دهه سر به هزارها می‌زند دیگر خبری نیست، به راستی چه انتقالی افتاده است که دیپلوماسی مجاهدین را این چنین از نفس انداخته و رقمی برای تنها اثباتتو! حکومت تهران باقی نگذاشته است، مجازات اوتودینامیکی پشت پا زدن به اصول دامن مجاهدین راستخ فرا گرفته است.»

البته که تیزی به توضیح موقعیت و جایگاه کنونی مقاومت در جواب غلطهای اضافی وزارت بندام نیست، اما واقعاً اگر مجاهدین دچار مجازات اوتودینامیک شده‌اند، پس چرا شما به شیوه‌های مکانیکی مانند ادمربایی و ترور و بمباران متوسل می‌شوید؟ چرا سران نظلمتان خودشان را تکه پاره می‌کنند و خردساخت مجازات شدن مجاهدین از سوی «استکبار جهانی» و «غربیهای کافر»... می‌کنند؟ چرا پاسدار احمدی‌نژاد از فعالیتها و دیپلوماسی مقاومت در اروپا و آمریکا به هراس افتاده و با خشم و کین ضدبشری خود مجاهدین را مورد حمله قرار می‌دهد. اگر مجاهدین آینده ندارند، چرا مزدور مأمور به خدمت در عراق با سوز و گداز و با گریه و زاری اعلام می‌کند که متأسفانه «بر اساس قوانین و حقوق بین‌الملل پناهندگی، استرداد مجاهدین به ایران ممکن نیست و آنها تا مشخص شدن تکلیف، باید در پایگاههای خود باقی بمانند.» (سخنان مأمور عراقی رژیم محسن حکیم در تهران)

اگر که سران وزارت اطلاعات به این نتیجه رسیدند که مجاهدین به اصول خودشان که همانا سرنگونی تام و تمام رژیم آخوندی و جارو کردن ایادی و مزدورشان است، پشت پا زده‌اند پس دیگر چه دعوائی باقی مانده است؟ ما آن‌جا کلام، کانون دعوا و جنگ تمام عیار ما همین است که مجاهدین و زمندگان شرف اشراف تا رویی مردم و میهنشان از چنگال حکومت ضدبشری آخوندها دست از مبارزه و مقاومت نخواهند کشید و تمام خشم و کین حیوانی سران وزارت اطلاعات هم از همین نقطه است.

آری تمام سوزش سران نظام از پایداری و استواری ماست، تمام خعد و کین شما از پایبندی ما به اصول و مرزبندیهایمان است، مرزهای خونین و سرخ‌فامی که با خون هزاران کبوتر سپید آزادی ترسیم شد، کبوترانی که در دست پاسداران شما بر خاک افتادند و با خون خویش مرزهای سرخ و عبورناپذیری بین ما و شما رسم کردند. همهٔ آثار و باقی این اصول خیانته کرده و مرز سرخ کرد. ما و رژیم را رد کردند، مثل شمایمان سرنوشت خود را به سرنوشت اتجاعی‌ترین دیکتاتوری تاریخ معاصر ایران پیوند زدند و داغ تنگ خیانته و خودفروشی سیاسی را بر پیشانی خود تا‌بید حک کردند.

اما اکنون که سران رژیم مانند همهٔ دیکتاتورها و مستبدین تاریخ دریافته‌اند که بر سر دواهای خودکشی یا مرگ قرار گرفته‌اند، بیهوده و منذبوحانه تلاش می‌کنند که با ضربه زدن و نابودی جانشین خود قدری زمان خردیه و به حیات کثیف خود ادامه بدهند. سرانجام همه مسترگمان جز مرگ و نابودی چیزی نیست.

به‌سوی پیروزی

رحمان گوری

مردم و نیروهای ملی و دموکرات عراق و رسانه‌های خبری این کشور بیش از هر زمان دیگر، صحت و درستی تحلیل‌های مجاهدین را به عیان دیده‌اند و به تجربه برایشان ثابت شده است که این رژیم همان است که مجاهدین از روز اول می‌گفتند. بی‌جهت نیست که مردم عراق به‌رغم مشکلات زیادی که کشورشان را فرا گرفته و تروریسم و نفوذ مزدوران رژیم در جامعه و ارگانهای دولتی عراق زندگی مردم را به آتش و خون آغشته است، اما در ابعاد میلیونی از مجاهدین خلق ایران حمایت می‌کنند. این حمایت یک امر کاملاً قانونمند، منطقی و تکاملی است. هر‌جا دست ظلم و ترور آخوندی به آن رسیده باشد، مردم آن‌جا قانونمند دوست و یار و پشتیبان مجاهدین خواهند بود و نجات خود را در حمایت از مجاهدین خلق می‌بینند. به همین خاطر است که رژیم برای بلعیدن عراق و گسترش منطقه تحت پوشش ولایت جنایت و شقاوت فقیه، دائم در تلاش و توطئه‌چینی است تا مجاهدین را از مردم شریف و حامی مقاومت و این کشور همسایه دور کند و اکنون که برچسبهای ناچسب رژیم علیه مجاهدین در این سالیان تماماً نقش بر آب شده و دیگر خریداری ندارد، خود را در بن‌بست کامل یافته و دستش به سمت این و آن دراز می‌کند تا شاید یکی پیدا شود که بگوید رژیم ایران در عراق دخالت نکرده است.

در زمینهٔ سرکوب داخلی اما، از دوره ۸سالهٔ مدره‌نامه‌ی! آخوند رفسنجانی و دورهٔ ۸سالهٔ آخوند خاتمی با شعار دروغین اصلاح‌طلبی! و حمایت ماشائنگران غربی از آنها (که جدت‌ترین عامل حفظ این رژیم تا به امروز بوده است) که بگذریم اکنون رژیم آخوندی با روی کارآمدن پاسدار احمدی‌نژاد وارد مرحلهٔ جدیدی شده است که مقاومت برایش رقم زده است. مرحلهٔ نهایی و سرنگونی.

به‌همین خاطر رژیم جنون‌آسا طوری وانمود می‌کند که نه فقط ثبات و قدرت دارد بلکه می‌خواهد کشورهای دیگر را نیز از نقشهٔ جهان محو کند! «انقلاب اسلامی خواهد همهٔ مردمان جهان را و از جمله مردم عراق نجات دهد».

اگر مردم قهرمان خطهٔ خوزستان در ایام پایانی دورهٔ آخوند خاتمی، با مشتی محکم به پروندهٔ ننگین خاتمی خاتمه دادند، مردم قهرمان کردستان نیز با مشتان محکمی، پروندهٔ بازنشدهٔ پاسدار احمدی‌نژاد را از همان ابتدا بستند و درسی فراموش ناشدنی به این رژیم ضد‌مردمی دادند! پاسدار تروریستی که دستانش مستقیماً به خون مردم کردستان رنگین است.

تحولات ماههای اخیر گرواست که خیزشهای مردمی و ابعاد کیفی و کمی

به‌سوی پیروزی

اعتراضات گسترش پیدا کرده و در آینده نیز قطعاً بیشتر خواهد شد. رژیم خود قبل از هر کسی می‌داند که هر ضربه‌یی بر پیکرش فرود می‌آید از جانب مقاومت و سازمان محوری آن یعنی مجاهدین می‌آید. به‌همین خاطر است که رژیم هم قیام مردم خوزستان و هم قیام مردم کردستان را به مجاهدین خلق نسبت داد.

هم‌چنین نقش تعیین‌کنندهٔ مقاومت و مجاهدین خلق در افشای مدره‌نامه‌ی رفسنجانی و اصلاح‌طلبی آخوند خاتمی و مداخلات رژیم در امور داخلی کشورها و به‌خصوص عراق و تلاش آخوندها برای دستیابی به سلاح هسته‌یی، بیش از هر زمان دیگر، زیانزد خاص و عام شده است.

رژیم ولایت‌فقیه برای رویارویی با چنین مقاومت قدرتمندی، با تمام توش و توان خود به میدان آمده و علیه همه اعلام جنگ نموده است. جنگی که پیشاپیش علت و نتایج آن برای همگان عیان است. برای همین است که رژیم برای این رویارویی آخر همه چیز خود را به خدمت گرفته است. سرکوب را به اوج خود رسانده و بازار توطئه‌چینی را شدت بخشیده است.

رژیم اکنون می‌بیند که مدره‌نامه‌ی و اصلاح‌طلبی دیگر خریداری ندارد و متوسل‌شدن به دروغ و شائناژ دردی از وی دوا نمی‌کند. زیرا هر آنچه در این موارد در جتته داشت و سالها مشتریان خود را با آن سرگرم کرده بود اکنون طرف دیگر انداختیم، خوب است به یک اقدام کنیف رژیم آخوندی بپردازیم که خود گویای عجز و درماندگی این رژیم است و از مهترین شاخصهای مرحلهٔ سرنگونی این رژیم است.

بعد از اشغال عراق و نقش بر‌آب‌شدن همهٔ توطئه‌های رژیم آخوندی (البته به این پایداری پرشکوه نیروهای مقاومت و حمایت مردم ایران و جهان از آن) رژیم به حربهٔ جدید اما خیلی کنیف و رذیلاته‌یی دست بازیده است که عبارت است از برانگیختن خانواده‌های رزمندهگان آزادی و تهدید و تحریک و تشویق آنها به انجام اقداماتی علیه فرزندان خود که در صفوف مجاهدین و مقاومت هستند و هم‌چنین به کارگیری شماری از بریدگان درهم‌شکسته‌یی که قبلاً مدتی را در قرارگاه‌های ارتش آزادبخش گذرانده‌اند علیه مقاومت و مجاهدین.

اعزامی آخوندی گفته باشیم که روز حسابرسی و پاسخگویی و ارائهٔ کارنامهٔ اعمال در معرض ملت ایران چندان دور نیست، هر چه دارید رو کنید!؟

مقاومت ملی مردم ایران در کسوت ارتش آزادیبخش و شورای ملی مقاومت، به‌عنوان تنها راه‌حل مردمی ودموکراتیک، اینک در آستانهٔ ورود به فاز جدیدی است که از نظر داخلی، منطقه‌یی و بین‌المللی یادآور تحولات و شرایط شش‌ماههٔ دوم سال ۵۶ می‌باشد با این تفاوت که این‌بار رژیمی حاکم است که هیچ مرزی را در سرکوب و جنایت تا آخرین لحظهٔ عمر ننگین خود نمی‌شناسد و در جبههٔ مقابل هم مردم ایران از چنان مقاومت و تشکیلات سترگ، منسجم و سازمان‌یافته با دصوفی منزه و خالصتر از همیشه برخوردار است که بدون اغراق توانسته علاوه بر به‌کارگیری تجرب صند سالهٔ اخیر مبارزات آزادیخواهانهٔ مردم ایران، از رهبری دصیلاج از همهٔ چیز خود گذشته و کاران، در دورهٔ فعلی نیز بهرمند باشد و بدین علت نرفته‌تا تا این نقطه از پس تمامی توطئه‌ها و جنایات و سرکوب و... تحولات پیش برآمده بلکه چشم دنیا را نیز بر روی عاجل‌ترین خطر و تهدید بالفعل جهانی گشوده است و تمام دولتها، امروز در آستانهٔ یک تصمیم‌گیری و انتخاب سرنوشت ساز قرار گرفته‌اند. آری دیگر بحث بر سر حقانیت مواضع و درستی استراتژی سیاسی مقاومت، شعار نیست، بلکه موضوع اصلی بی بردن به منحصات کنونی جبههٔ مقاومت و چشم‌اندازها و روند تحولات پیش روست. لذا از این پس وقتی می‌گوییم «رجوی آری» در حقیقت به یک مقاومت و راه‌حل اصولی، دموکراتیک و ملی که تا این نقطهٔ توانسته حقیقتی خود را با پایداری و برداخت سنگین‌ترین بهای ممکن اثبات کند، گواهی داده و دست خودی‌اش را همیاری به‌سوی آن دراز می‌کنیم. اما، برخلاف تبلیغات و جیغیهای رنگ و وارنگ رژیم و مزدوران

راستی مگر درد مردم ایران چیزی بجز سرکوب و اختناق آخوندهای حاکم می‌باشد؟ برخلاف تبلیغات آخوندی اتفاقاً ضدیت با مقاومت به‌خون‌شستهٔ مردم ایران در برابر ملایان بها و قیمتی دارد که هزار بار از کفارهٔ اوتودینامیکی که حزب توده به‌خاطر پشت پا زدن به اصول مردمی و دموکراتیک مبارزه از پنجاه سال پیش به این طرف برداخته و می‌پردازد نیز بیشتر و سنگین‌تر است. لذا بهتر است که حداقل برای اطلاع پاسداران سیاسی ومزدوران



شاگردان یونسی و اژه‌ای هم به صف طویل مخالفین خوسونت پیوستند

نامه یک پناهندهٔ حامی

مقاومت به نشریه مجاهد

پایداری برای

پیروزی و آزادی

عیسی بهرام از آلمان

ب

شمارهٔ ۷۸۳ – سه‌شنبه ۴بهمن ۱۳۸۴

این گونهٔ افراد خائن و بی‌ارزش یا در عرصهٔ داخلی به خدمت رژیم درآمده‌اند یا رژیم آنها را به کشورهای اروپایی اعزام نموده تا علیه مقاومت دست به اقدامات رذیلاته‌یی بزنند. هرچند که این افراد شخصاً ناچیزتر از آنند که در بارهٔ آنها چیزی گفته شود اما چون کوک‌شدهٔ وزارت اطلاعات آخوندی هستند و این عروسک خیمه‌شب‌بازی رژیم بودن در حرف‌هایشان به‌خوبی عیان است به یک نمونه از آن می‌پردازم:

چندی پیش رژیم تعدادی از افراد معلوم‌الحال این چنینی را در شهر سندج به صحنهٔ نمایش فرستاده که بگویند: مجاهدین خلق ایران کردهای عراق را در سال ۱۹۹۱ به قتل رسانده‌اند و ...، به‌طور عام و مردم کردستان عراق به‌طور خاص در دو سال و نیم اخیر به‌خوبی ادعا‌های دروغین رژیم ضد کرد آخوندها را تجربه کرده‌اند. گذشت آن زمان که رژیم با فریبکاری می‌توانست تعدادی را بفریبد. حضور فعال مردم کردستان عراق در حمایت از مجاهدین و امضای بیانیهٔ دو میلیون و هشتصد هزاری آنها، گواه این واقعیت است. یک دیدار چند دقیقه‌یی هر عراقی و به‌خصوص هر کرد عراقی از «اشراف»، شائناژ و فریبکاریهای ۱۰سالهٔ آخوندها را در ذهن آنها نه تنها محو می‌کند بلکه آنها را تبدیل به عنصری می‌کند که علیه رژیم آخوندها بشنوند و از مجاهدین حمایت کنند.

صرف‌نظر از همهٔ اینها، مجاهدین این‌قدر پرونده‌شان پاک بوده و هست که از هیچ محاسبه‌یی در هر کجای جهان که باشد باکی نداشته و ندارند. همان‌گونه که به تا‌زگی در کشورهای هم‌چون آلمان، ایتالیا و فرانسه و ...، وقتی دادگاه و قانون و حقوق مطرح شد با رأی دادگاه به نفع مجاهدین، رژیم رسواتر و مجاهدین پیروزمندتر از دادگاه و محاسبه بیرون آمدند. مقاومت مردممان پیش از هر زمان دیگر به پیروزی خود نزدیک و نزدیکتر شده است و می‌رود که برای همیشه بساط رژیم آخوندی را درهم‌پییچد و مردم مستم‌بندهٔ ایران را از چنگال آخوندها آزاد نماید.

بنابراین وظیفهٔ همهٔ نیروهای انقلابی، مردمی، دموکرات و ملی است که به حمایت از این مقاومت برخیزند. بدون شک جهان بدون رژیم آخوندهای حاکم بر ایران برای همهٔ خوشاینده خواهد بود و امنیت و صلح همه جا را فرا خواهد گرفت.

خوشا به‌حال مردمی که چنین مقاومت و چنین رهبری و چنین سازمانی را دارند. و خوشا به‌حال همهٔ شهدای به‌خون‌خفتهٔ خلق که خونشان این چنین به یمن رهبری مقاومت به ثمر نرسسته و اقی چنین روشن را در پیش روی تاریخ قرار داده است. بدون شک آیندگان از چنین مقاومتی بیشتر خواهند گفت و قدر آن را خواهند دانست.

و خوشا شهر اشراف، کانون تپندهٔ مقاومت و میعادگاه آزادیخواهی و آزادیخواهان ایران. دژ مستحکم مجاهدین خلق ایران.

تسلیم دربرابر ملایان (هم استراتژی اضداد رجوی)

شده وانمود کند، در حالی‌که صددرصد آخوندها می‌دانستند که قیاس بنفسش کرده و حال و روز خود را در این دروغ‌نیزابها و دجالبازی‌های همهٔ ره می‌کنند.

پس می‌توانیم به گواهی موج جدید اعتراضات و ابزار انزجار جهانی علیه رژیم تروریستی آخوندی در زمینه‌های مختلف و به‌ویژه دخالت در عراق و دستیابی به تسلیحات اتمی که یقیناً مهیبت‌تر ازمواج سونامی، یک پرتگاه و مسیر غریقلب بازگشت برای رژیم را نشان می‌دهد، روی چند نکته تأکید کنیم:
۱- رژیم ولایت‌فقیه‌خامنهای، راهی جز افزایش بحران با دنیای خارج از خود (عمل بر اساس ماهیت) ندارد و بازگشت به مختصات قبل از احمدی‌نژاد به‌معنی خودکشی ولی‌فقیه از ترس مرگ است.

۲- ورئهٔ خط استماتل و استحالته رژیم در شرایط کنونی با باید با خروج از اشتراک منافع با رژیم راه اعلام بی‌طرفی و عدم حمایت از رژیم را برگزینند و با هم مستقیماً و بدون هر گونه برده‌پوشی تحت زحمتی رژیم به خدمت آنها درآمده و در مقابل اراده جهانی و مردم ایران بایستند و مثل «کاپوها» به‌خدمت نازسیم ملایان درآیند.

۳- هرگونه مذاکره با رژیم از این پس مشمول یک اجماع جهانی برای مقابله با آن می‌باشد و هیچ دولت و ارگان رسمی حاضر به مذاکره با رژیم بدون حل و فصل موضوعات اصلی نمی‌تواند باشد.
مطریق اولی از این پس دیدن ماهیت هر نوع گفتگویی با رژیم، منبایلی غیر از تعیین‌کنلیف نخواهد داشت.

۴- جبههٔ جهانی برای مقابله با رژیم در حال شکل‌گیری است، چنان‌چه این جبهه در ادامهٔ روند تحولات به‌طور واقعی بخواده به مسألهٔ ببردازد راهی جز به‌رسیمت شناختن مقاومت مشروح مردم ایران ندارد.

۵- رژیم از طریق محافل استماتل‌چی و حامیان ۸مردادی خود به‌شدت در تلاش است که از ستمگیری این جبهه به‌طرف مقاومت مردم ایران جلوگیری نموده و بدین وسیله آنها را خلع‌سلاح نماید.

۶- حضور هر چه بیشتر مقاومت در این کارزار سرنوشت‌ساز از این پس بازتاب و اثرگذاری کبفا متفاوتی با قبل خواهد داشت به‌طوری‌که می‌تواند، نقش اصلی و تعیین‌کننده‌یی در تحولات اتی ایفا نماید و از هرگونه دخالت بیگانه و جنگ خارجی ممانعت و سرنگونی رژیم به‌دست مردم ایران و استقرار حاکمیت مردمی را به انجام رساند.

آن‌چه که روشن است و نمی‌توان انکار نمود تغییر و تحولاتی است که رژیم در مورد به‌کارگیری خط اربعین و تورر و به جای دیپلوماسی شروع کرده و هم‌زمان درجهات تبدیل پاسدار سیاسی به مزدور و مزدور و مجری احکام ترور در دستور کار کل دستگاه‌های اطلاعاتی و وزارت خارجهٔ رژیم قرار گرفته است. در نتیجهٔ باید با هوشیاری کامل از مجاری قانونی و هم‌چنین افشای تحرکات و... مزدوران ومأموران سرویسهای مخفی آخوندی در خارج، از وقوع هر گونه توطئه و جنایتی توسط آنها جلوگیری نمود. و زوروقهای رنگ‌زده‌یی را که برای پنهان کردن چهرهٔ واقعی خود استفاده می‌نمایند در انظار عمومی برملا و عیان کرد.

چه داغ‌بندهٔ آزادی را تکبیر می‌گوید.

کجابید که ببینید هم‌چون کوه استوار در سختترین شرایط پایداری می‌کند. آرمان‌مریم آن را به سوی پیروزی و روشنایی هدایت می‌کند.

آری نسلهای گذشتهٔ مهین من به نسل امروز و برچمدارانش افتخار کنید و بدانید که راه شمامست که ادامه می‌یابد، راه ستار و میرزا تا مصدق و حتیف کبیر و هزاران سرداری که سر بر آستان آزادی سایند. این راه تا قلهٔ پیروزی ادامه می‌یابد و ما خواب از چشمان بی‌شرم دشمنان خودمیه ربود

به امید آزادی مهین از چنگال

کفتاران عمامه‌به سر

بدانید گل مرگ پرچمدار نسل خورشید است، و

کجابید ای اسطوره‌های گلگون کفن که

بدانید گل مرگ پرچمدار نسل خورشید است، و

درد بزرگ آوارگان کرد ایرانی در عراق

مهداب محمودی

مهداب محمودی

در سالن غذاخوری چشمه به تابلو اخبار روز افتاد، خیری در رابطه با احمدی‌نژاد توچهم را جلب کرد که در آن گفته بود «روابط بین ایران و عراق بسیار دیرینه است و بسیاری از ایرانیها هستند که محل زندگی وتولدشان در عراق بوده است.»

از این وصله‌بینه کردن کلمات توسط احمدی‌نژاد چندشم شد که چگونه با این حرف‌ها می‌خواهد توطئه‌هایش علیه‌مجاهدین یادولت عراق راسره‌بندی کند. پیش خودم گفتم، مگر این ایرانیان آواره که تو سنگ آنها را به سینه می‌زنی، با میل خودشان به عراق آمده‌اند؟ مگر یادت نیست که آن امام دجلالت چگونه مردم کردستان ایران را به خاک و خون کشاند تا آنها و از جمله خانواده خود من مجبور به ترک وطن شدند؟ اکثر این آوارگان نیز همان قربانیان سرکوب سال۵۸ کردستان و یا جنگ ضدیهینی اساله با عراق هستند که در این جا به سر می‌برند.

با خواندن این حرف‌ها از زبان قاتل مردم ایران به یاد دردهای بی‌شمار هموطنانم افتادم. پس بگذارید تا کمی از دردهایم سخن بگویم.

درد بسیار بزرگ من که هر لحظه از آن رنج می‌برم و بیشتر بر رژیم خمینی لعنت می‌فرستم این است که در غربت به دنیا آمده‌ام، در غربت بزرگ شدمام و هرگز کشورم را ندیدم. و خلیجها به خانواده‌های ما با چشم آوارگان کرد ایرانی می‌نگرند...

آیا حس می‌کنید که این القاب چقدر بر آدم سنگین می‌آید؟ البته احمدی‌نژاد هرگز این‌را نخواهد فهمید. چون خودش هم یکی از سران سرکوب مردم مظلوم کردستان بوده که دسته دسته آنها را به گلوله می‌یست. راستی اگر باسازمان مجاهدین خلق ایران آشنایی شدم و ارزشهای والای انسانیت را از آنها نمی‌آموختم، نمی‌دانم این رنجها و این اندیشه چگونه در من عمل می‌کرد و من در چه نقطه‌یی بودم.

اما الان این‌را به‌عنوان یک دختر جوان مجاهد کرد یعنی چهار صفت دختر / جوان / مجاهد / کرد که در ایدئولوژی ضدملی، بنیادگرا و عقب‌مانده آخوندی با همه آنها دشمنی هیستریک وجود دارد، می‌دانم.

من مهداب محمودی یکی از زرمندان شهر اشرف هستم . خانواده‌ام از کردهای ایرانی بودند، ولی به‌دلیل مهاجرت آنها از ایران به عراق، من در شهر رمادی عراق متولد و بزرگ شدمام و هرگز ایران را ندیدم. می‌خواهم قدری با هموطنانم از ستم مضاعفی که بر مردم کردستان ایران در این رژیم ضد بشری روا شده است، سخن بگویم که چگونه دامنه ظلم این رژیم کردهای را که برای حفظ جان خود، از کشورهای خارج شدند به طرق مختلف در بر گرفت. از دردهای اجتماعی و اقتصادی گرفته تا فشارهای سیاسی.

به این منظور بهتر است کمی به عقب برگردم و دلیل مهاجرت بخشی از مردم کردستان ایران به عراق را بازگو کنم. بعد از کشتار مردم منطقهٔ کردستان ایران توسط رژیم آخوندی در اوایل انقلاب ضدسلطنتی، یعنی سال ۵۸، بخشی از مردم کردستان ایران به عراق کوچ کردند تا از کشتار در امان باشند. پدز بزرگ من نیز به‌همراه خانواده‌اش جلاوی وطن کرده و به شهر رمادی عراق مهاجرت کردند. آنها قصد داشتند وقتی اوضاع آرام شد مجدداً به شهر و دیار خود یعنی به کردستان ایران برگردند.

در زمان جنگ ۱۹۹۰ به‌دلیل بمبارانهای مهیبی که وجود داشت، جهت در امان ماندن از آن بمبارانها، تا پایان جنگ من به همراه عمه و عمو و پدربزرگ و ... در زیرزمین خانه‌مان در رمادی تا پایان جنگ به سر می‌بریم. بعد از این جنگ، تعدادی از خانواده‌های

ایرانی از جمله پدر بزرگ و عمویم به‌صورت غیرقانونی شروع به بازگشت به ایران کردند.

اما پدرم به‌دلیل هواداری از سازمان مجاهدین نمی‌توانست به ایران برود. زیرا پدرم از همان اوایل انقلاب هوادار سازمان مجاهدین خلق بود. ولی مابقی اعضای خانوادهٔ پدرم رابطه‌یی با مجاهدین نداشتند. او برای این‌که بتواند به ایران برود، می‌بایستی از هوادارینش از مجاهدین دست می‌مشت و به آنها پشت می‌کرد و به زیر عبای آخوندهای پلیدی می‌رفت. اما خوشخانه، پدرم به آخوندها نه گفت و به لوث وجود آنها آلوده نشد.

او آوارگی، سختیهای طاقت‌فرسای زندگی در خارج از وطن را پذیرفت ولی حاضر نشد به مجاهدین خیانت کند و در همان شرایط سخت هم فعالیت‌هایش با سازمان مجاهدین را افزایش داد.

اولین بار در سال ۷۷ بود که من نام سازمان مجاهدین را از پدرم شنیدم. زیرا او از من و خواهر و مادرم خداحافظی می‌کرد. چون او به‌عنوان یک کرد ایرانی تصمیم گرفته بود که در عملیات فروغ جاویدان شرکت کند.

من تا ۱۱سالگی، اصلاً نمی‌دانستم که ایرانی هستم و همیشه فکر می‌کردم که عراقی هستم. وضع زندگی ما نسبت به بقیه اطرافیمان خوب بود و به لحاظ مالی، مشکلی نداشتیم.

محیط پیرامونم در شهر رمادی خیلی سنگین بود. همیشه غم و اندوه خیلی بزرگی را در چهرهٔ مردم آنجا می‌دیدم. مادرم (همسر دوم پدرم) خیلی وقتها با خدا راز و نیاز می‌کرد و در حالی‌که می‌گریست می‌گفت: ما تا کی باید دور از وطن و مردمان باشیم و در غربت به‌سر بپریم؟

بعداً که بزرگ شدم فهمیدم که مردم رمادی و از جمله مادر خودم چه درد بزرگی دارند. درد دوری از وطن و درد آوارگی و زندگی در شرایط نامساعد.

همهٔ کردهای ایرانی در رمادی در یک کسب زندگی می‌کردند. زندگی بسیار بسیار سخت و مشقت‌باری بود. زنها در هیچ کاری نمی‌توانستند شرکت کنند چون به لحاظ اجتماعی هیچ ظرفی برای فعالیت آنها وجود نداشت. آنها فقط می‌توانستند حداکثر معلم بشوند و یا اکثریت قریب به اتفاق خانه‌داری می‌کردند. مطلقاً زمینهٔ اجتماعی برای کار برایشان وجود نداشت. پدرم هم وضع خیلی بهتری نداشتند و اغلب به کار خرید و فروش پارچه، لوازم آرایش و ... مشغول بودند و در روستاهای عراق دست‌فروشی و دوره‌گردی می‌کردند. بعضاً آنها به حرفه‌های مثل کفاشی، واکس‌زدن کفشها و یا مغازه‌داری آنهم در حد خیلی محدود روی می‌آوردند. مشاغلی که لازمهٔ آن تحصیلات و امکانات دانشگاهی بوده، مانند پزشکی، مهندسی، مکانیک و مهندس راه و ساختمان و ... هیچ امکانی نبود. پدرم من هم که برفکار بود، در یک کارگاه برق در بغداد کار می‌کرد ولی در همین شغل هم تثبیت نبود و بالاچار برای گذران امور زندگی به کارهای متفرقه دیگری روی می‌آورد. او نمی‌توانست یک شغل ثابت داشته باشد. نهایتاً هم مجبور شد که برای خرید و فروش وسایل مختلف به نقاط مختلف شهرهای اطراف رمادی برود. وی هر شب که برمی‌گشت بسیار غمگین و ناراحت بود و می‌گفت با موارد دردناکی در رابطه با هموطنانمان مواجه می‌شود. ایرانیان آواره و اسیر مشکلات متعدد اجتماعی و مالی هستند. هموطنان آواره‌مان در عراق شرایط بسیار مشقت‌باری برای گذران امور روزمرهٔ خود دارند. از جمله خلیجها هستند که سال به سال گرسنگی‌نش خورند و زیر خط فقر زندگی می‌کنند. ارزشهای انسانی به دلیل فقر حاکم بر مردم ستم‌دیده به پایین‌ترین سطح ممکن افول کرده است مکانی که ایرانیان برای کار می‌رفتند، محیطی بسیار پایین از نظر فرهنگی و اقتصادی بود. افکار مردم عقب‌افتاده بود و به‌راحتی در ساده‌ترین درگیریها آنها را می‌کشند و قتل و دزدی در بین می‌برد.

در زمان جنگ ۱۹۹۰ به‌دلیل بمبارانهای مهیبی که وجود داشت، جهت در امان ماندن از آن بمبارانها، تا پایان جنگ من به همراه عمه و عمو و پدربزرگ و ... در زیرزمین خانه‌مان در رمادی تا پایان جنگ به سر می‌بریم. بعد از این جنگ، تعدادی از خانواده‌های



مردم رایج شده بود.

قربانیان دیگر این ظلم نشده توسط رژیم دجال آخوندی، زنان و دختران هموطن کردم می‌باشند. زنان دخترتانی که چندین ستم تاریخی، ستم ناشی از زن بودن، کرد بودن، آواره بودن در عراق و ... بر دوششان سنگینی می‌کرد.

در رمادی به دلیل این‌که شغلی مناسب و نزدیک به محل زندگی برای زنان وجود نداشت با امکانات تحصیلی در حد کافی در محیط زندگی ما وجود نداشت. اکثر زنان رمادی خانه‌نشین و خانه‌دار بودند. به لحاظ اجتماعی کهنه و به دلیل آن‌که کسی نیست که از آنها حمایت کند و یا آنها را هدایت کند، اکثر آنها به لحاظ اجتماعی بسیار عقب‌افتاده هستند. مثلاً انتخاب همسر هم محروم هستند. و بعضاً به‌عنوان پولی پدرم و کیود شدن صورت او و هم‌چنین زخمی شدن تمام بدنش شده بود. نهایتاً هم با بیل به سر پدرم می‌زند به‌طوری‌که پدرم بیهوش شده بود. علاوه بر این فرد، چند بریدهٔ دیگر نیز در رمادی خانواده ما را به دلیل هواداری از مجاهدین بسیار اذیت می‌کردند. بعد از درگیری این بریده‌مزدور با پدرم، به ماهیت این مزدور پی بردم. از آن پس من و دوستانم که برای تمرین سرود به مقری که در رمادی داشتیم می‌رفتیم امنیت نداشتیم. زیرا ما را به‌عنوان میلیشای مجاهدین می‌شناختند. علاوه بر این حتی در خانه‌مان آسایش نداشتیم. مورد تهدید قرار می‌گرفتم که از ما به‌خاطر هواداری از مجاهدین، انتقام خواهند گرفت. به همین دلیل پدر و عموهایم مجبور بودند که شبها از حریم خانه‌مان حفاظت و نگهبانی کنند.

در عید نوروز ۷۷ یکی از دوستانم به ارتش آزادیبخش پیوست. از آن به بعد این انگیزه در من پیدا شد که خودم نیز به ارتش بپیروم و روی این موضوع خیلی فکر کردم. این موضوع را با دوستانم مطرح کرده

اما آنها و معلم مدرسم که از موضوع مطلع شده بود، با این مسئله مخالفت می‌کردند. برای خودم هم جدا شدن از خانواده و دوستانم و به‌طور خاص پدرم خیلی سخت بود. معلم می‌گفت که تو دردت خوب است، چرا می‌خواهی آن را اول کنی و جوانیت را هدر بدهی. این مسأله باعث شد تا مدتی از پیوستن به ارتش منصرف شدم. نهایتاً تصمیم گرفتم که برای چندماه مدتی مجاهدین بمانم. این موضوع مورد اختلاف خانوادگی بین پدر و مادرم شد. وقتی موضوع را با مادر اصلی‌ام مطرح کردم، او نیز مخالفت کرد. اما نهایتاً تصمیم من این بود: که اگر یک مدتی به نزد مجاهدین بروم، مردم بعد به همراه پدرم به مقر مجاهدین در بغداد آمدم.

یکی از برادران مجاهد ضوابط محیط جدید را به ما گفت. هنگام جداشدن از پدرم او مرا نسبت به حرف‌های مجاهدین به‌تکلیف کرد. اما نهایتاً تصمیم گرفتم که برای مدتی به فارس بودن در مجاهدین بمانم. این مسأله برای مدتی به نزد مجاهدین بروم. مردم بعد به همراه پدرم به مقر مجاهدین در بغداد آمدم. یکی از برادران مجاهد ضوابط محیط جدید را به ما گفت. هنگام جداشدن از پدرم او مرا نسبت به حرف‌های مجاهدین به‌تکلیف کرد. اما نهایتاً تصمیم گرفتم که برای مدتی به فارس فرم بودن در مجاهدین بمانم. این مسأله برای مدتی به نزد مجاهدین بروم. مردم بعد به همراه پدرم به مقر مجاهدین در بغداد آمدم.

یکی از برادران مجاهد ضوابط محیط جدید را به ما گفت. هنگام جداشدن از پدرم او مرا نسبت به حرف‌های مجاهدین به‌تکلیف کرد. اما نهایتاً تصمیم گرفتم که برای مدتی به فارس فرم بودن در مجاهدین بمانم. این مسأله برای مدتی به نزد مجاهدین بروم. مردم بعد به همراه پدرم به مقر مجاهدین در بغداد آمدم.

یکی از برادران مجاهد ضوابط محیط جدید را به ما گفت. هنگام جداشدن از پدرم او مرا نسبت به حرف‌های مجاهدین به‌تکلیف کرد. اما نهایتاً تصمیم گرفتم که برای مدتی به فارس فرم بودن در مجاهدین بمانم. این مسأله برای مدتی به نزد مجاهدین بروم. مردم بعد به همراه پدرم به مقر مجاهدین در بغداد آمدم.

یکی از برادران مجاهد ضوابط محیط جدید را به ما گفت. هنگام جداشدن از پدرم او مرا نسبت به حرف‌های مجاهدین به‌تکلیف کرد. اما نهایتاً تصمیم گرفتم که برای مدتی به فارس فرم بودن در مجاهدین بمانم. این مسأله برای مدتی به نزد مجاهدین بروم. مردم بعد به همراه پدرم به مقر مجاهدین در بغداد آمدم.

یکی از برادران مجاهد ضوابط محیط جدید را به ما گفت. هنگام جداشدن از پدرم او مرا نسبت به حرف‌های مجاهدین به‌تکلیف کرد. اما نهایتاً تصمیم گرفتم که برای مدتی به فارس فرم بودن در مجاهدین بمانم. این مسأله برای مدتی به نزد مجاهدین بروم. مردم بعد به همراه پدرم به مقر مجاهدین در بغداد آمدم.

یکی از برادران مجاهد ضوابط محیط جدید را به ما گفت. هنگام جداشدن از پدرم او مرا نسبت به حرف‌های مجاهدین به‌تکلیف کرد. اما نهایتاً تصمیم گرفتم که برای مدتی به فارس فرم بودن در مجاهدین بمانم. این مسأله برای مدتی به نزد مجاهدین بروم. مردم بعد به همراه پدرم به مقر مجاهدین در بغداد آمدم.



چندین بار به من هشدار داد که سمت وی نرمم. اما مجدداً و به‌دور از چشم پدرم، سراغ وی می‌رفتم. این فرد می‌خواست از من اطلاعاتی در رابطه با مجاهدین بگیرد. که آن زمان به دیدار پدرم به خانهٔ ما می‌آمدند، به‌دست آورد. اما من فارسی بلد نبودم و از صحبت‌های پدرم با مجاهدین چیزی نمی‌فهمیدم. این فرد از من می‌پرسید اسامی مجاهدین که با پدرت ارتباط دارند، چیست؟ چه زمانی می‌آیند؟ چکار می‌کنند؟

یک روز عصر خبر رسید که این مزدور با پدرم و یکی دیگر از دوستانمان به اسم پدر طاهر (که او الان فوت کرده و فرزندش از مجاهدان شهر اشرف است) درگیر شده و قصد کشتن او را داشته است. پدر طاهر، که فردی مسن بود از پدرم درخواست کمک می‌کنند، این مزدور با پدرم درگیر شده و باعث شکستن دندانهای پدرم و کیود شدن صورت او و هم‌چنین زخمی شدن تمام بدنش شده بود. نهایتاً هم با بیل به سر پدرم می‌زند به‌طوری‌که پدرم بیهوش شده بود. علاوه بر این فرد، چند بریدهٔ دیگر نیز در رمادی خانواده ما را به دلیل هواداری از مجاهدین بسیار اذیت می‌کردند.

بعد از درگیری این بریده‌مزدور با پدرم، به ماهیت این مزدور پی بردم. از آن پس من و دوستانم که برای تمرین سرود به مقری که در رمادی داشتیم می‌رفتیم امنیت نداشتیم. زیرا ما را به‌عنوان میلیشای مجاهدین می‌شناختند. علاوه بر این حتی در خانه‌مان آسایش نداشتیم. مورد تهدید قرار می‌گرفتم که از ما به‌خاطر هواداری از مجاهدین، انتقام خواهند گرفت. به همین دلیل پدر و عموهایم مجبور بودند که شبها از حریم خانه‌مان حفاظت و نگهبانی کنند.

پیوستن به سازمان

در عید نوروز ۷۷ یکی از دوستانم به ارتش آزادیبخش پیوست. از آن به بعد این انگیزه در من پیدا شد که خودم نیز به ارتش بپیروم و روی این موضوع خیلی فکر کردم. این موضوع را با دوستانم مطرح کرده

اما آنها و معلم مدرسم که از موضوع مطلع شده بود، با این مسئله مخالفت می‌کردند. برای خودم هم جدا شدن از خانواده و دوستانم و به‌طور خاص پدرم خیلی سخت بود. معلم می‌گفت که تو دردت خوب است، چرا می‌خواهی آن را اول کنی و جوانیت را هدر بدهی. این مسأله باعث شد تا مدتی از پیوستن به ارتش منصرف شدم. نهایتاً تصمیم گرفتم که برای چندماه مدتی مجاهدین بمانم. این موضوع مورد اختلاف خانوادگی بین پدر و مادرم شد. وقتی موضوع را با مادر اصلی‌ام مطرح کردم، او نیز مخالفت کرد. اما نهایتاً تصمیم من این بود: که اگر یک مدتی به نزد مجاهدین بروم، مردم بعد به همراه پدرم به مقر مجاهدین در بغداد آمدم.

یکی از برادران مجاهد ضوابط محیط جدید را به ما گفت. هنگام جداشدن از پدرم او مرا نسبت به حرف‌های مجاهدین به‌تکلیف کرد. اما نهایتاً تصمیم گرفتم که برای مدتی به فارس بودن در مجاهدین بمانم. این مسأله برای مدتی به نزد مجاهدین بروم. مردم بعد به همراه پدرم به مقر مجاهدین در بغداد آمدم.

یکی از برادران مجاهد ضوابط محیط جدید را به ما گفت. هنگام جداشدن از پدرم او مرا نسبت به حرف‌های مجاهدین به‌تکلیف کرد. اما نهایتاً تصمیم گرفتم که برای مدتی به فارس فرم بودن در مجاهدین بمانم. این مسأله برای مدتی به نزد مجاهدین بروم. مردم بعد به همراه پدرم به مقر مجاهدین در بغداد آمدم.

یکی از برادران مجاهد ضوابط محیط جدید را به ما گفت. هنگام جداشدن از پدرم او مرا نسبت به حرف‌های مجاهدین به‌تکلیف کرد. اما نهایتاً تصمیم گرفتم که برای مدتی به فارس فرم بودن در مجاهدین بمانم. این مسأله برای مدتی به نزد مجاهدین بروم. مردم بعد به همراه پدرم به مقر مجاهدین در بغداد آمدم.

یکی از برادران مجاهد ضوابط محیط جدید را به ما گفت. هنگام جداشدن از پدرم او مرا نسبت به حرف‌های مجاهدین به‌تکلیف کرد. اما نهایتاً تصمیم گرفتم که برای مدتی به فارس فرم بودن در مجاهدین بمانم. این مسأله برای مدتی به نزد مجاهدین بروم. مردم بعد به همراه پدرم به مقر مجاهدین در بغداد آمدم.

یکی از برادران مجاهد ضوابط محیط جدید را به ما گفت. هنگام جداشدن از پدرم او مرا نسبت به حرف‌های مجاهدین به‌تکلیف کرد. اما نهایتاً تصمیم گرفتم که برای مدتی به فارس فرم بودن در مجاهدین بمانم. این مسأله برای مدتی به نزد مجاهدین بروم. مردم بعد به همراه پدرم به مقر مجاهدین در بغداد آمدم.

یکی از برادران مجاهد ضوابط محیط جدید را به ما گفت. هنگام جداشدن از پدرم او مرا نسبت به حرف‌های مجاهدین به‌تکلیف کرد. اما نهایتاً تصمیم گرفتم که برای مدتی به فارس فرم بودن در مجاهدین بمانم. این مسأله برای مدتی به نزد مجاهدین بروم. مردم بعد به همراه پدرم به مقر مجاهدین در بغداد آمدم.

یکی از برادران مجاهد ضوابط محیط جدید را به ما گفت. هنگام جداشدن از پدرم او مرا نسبت به حرف‌های مجاهدین به‌تکلیف کرد. اما نهایتاً تصمیم گرفتم که برای مدتی به فارس فرم بودن در مجاهدین بمانم. این مسأله برای مدتی به نزد مجاهدین بروم. مردم بعد به همراه پدرم به مقر مجاهدین در بغداد آمدم.

او از آن پس همه چیز را ریز به ریز به من توضیح داد. من از طریق شناخت بیشتر مجاهدین تازه فهمیدم که منشأ ظلم و ستم به مردم این رژیم بوده است و اصلاً بودن من هم در عراق به‌خاطر همین ظلم بوده است. از آن نقطه من تصمیم گرفتم که در ارتش بمانم تا وطنم را از دست این ظالمان نجات بدهم. چون رنج‌های زیادی در بین مردم کردستان در رمادی دیده بودم و احساس می‌کردم که عامل آن را پیدا کردم. در آن شش ماه من خیلی چیزها از مجاهدین یاد گرفته بودم و همه را برای پدرم می‌نوشتم.

سرفصل‌های انتخاب

یک روز در سال ۷۸ پدرم به بدینم در اشرف آمدم. پدر و مادرم از من خواستند به زندگی عادی برگردم. ولی من اکتیلم را کردم و گفتم که نمی‌خواهم برگردم. پدرم از این‌که خودم انتخاب کردم که بمانم، خیلی خوشحال شد و به من تبریک گفت. در سال‌های بعد چندین بار مسئولین سازمان به ما گفتند که اگر بخواهیم می‌توانیم به رمادی نزد خانواده‌مان برویم و در همان‌جا به‌عنوان هوادار مجاهدین فعالیت کنیم. به‌طور مشخص به خود من هم گفتند تو هم بهتر است بروی نزد خانواده‌ات و درست را ادامه بدهی، اما من قبول نکردم. برای همین موضوع سازمان مرا به نزد خانواده‌ام در بغداد فرستاد. من یکبار دیگر با خانواده‌ام بحث کردم و به آنها گفتم به مسیری که انتخاب کرده‌ام می‌خواهم به مبارزه ادامه بدهم و حالا که این رژیم را شناختم، دست برنمی‌دارم. خانواده‌ام نیز مخالفتی در مورد انتخاب من نداشتند.

دیواره رهبری برای همهٔ مجاهدین شرایطی که در پیش‌است را توضیح دادند. من نیز مانند همهٔ مجاهدین هیئات متالذله گفتم. بعد از این انتخاب مجدده، دوران جدید را به‌عنوان یک مجاهد تمام‌عیار شروع کردم. در پروسه‌ی که مشغول آموزش‌های نظامی بودم، علاوه بر سلا‌ح‌های سبک، دورهٔ آموزشی توپچی کاسکاول و تفیر ای‌ای‌ام پی‌اوان را گذراندم. سپس تعمیرات زرهی خواندم و تعمیر کار زرهی شدم.

بخشی از فشارهای رژیمانه وزارت اطلاعات علیه خانواده‌های مجاهدین

طی سه سال اخیر وزارت اطلاعات آخوندی به خانواده‌های مجاهدین خیلی فشار آورد و سراغ تک تک این خانواده‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم رفته و هر دروغ‌پراکنی که می‌توانست انجام داد. از جمله مزدوران اطلاعاتی سراغ خانوادهٔ پدرم در ایران می‌روند و آنها را برای برگرداندن من از مجاهدین و خروج از مبارزه، زیر فشار می‌برند. این اقدام رژیم که دلشوز من شده است سؤالاتی برابم ایجاد کرد، این که چرا طی آن سالیان که ما آواره بودیم کسی سراغ ما نیامد؟ چطور شد وقتی رژیم فهمید که من در مجاهدین ماندمام یک مرتبه ترک دوستا شده و سراغ من می‌فرستاد؟

یک بار از طرف اطلاعات به پدرم زنگ زده و گفته بودند که مهداب در جنگ عراق و آمریکا کشته شده است. این البته‌های دروغگو حتی زحمت نکشیده بودند که حرفشان را تدقیق کنند، زیرا پدرم قبل از آن در ارتباط با مجاهدین بود و در پاسخ به این مزدوران گفت که ما به الا آن نزد مهداب می‌ایم و پدرم فهمید که آنها عوامل رژیم هستند، لذا تماس تلفنی را قطع می‌کنند.

آنها چندین بار به خانه ما زنگ می‌زدند و قصد قطعیت پدرم را داشتند که به اشرف بیایند و مرا از اشرف خارج کرده و به ایران برگرداند. آنها به پدرم گفته بودند که ما کار نمی‌خواند داشت.

علاوه بر فشاری که بر پدرم در عراق وارد کرده بودند، در ایران نیز از طرف وزارت اطلاعات آخوندی فشار زیادی روی پدر بزرگم که ارتباطی با مجاهدین

حتی یک لحظه اعتقاد به قیامت و روز جزا ندارند و گرنه این همه جنایات و عوافریمی مافوق تصور استایی را بر مردم روا نمی‌داشتند.

اخیراً سایت وزارت اطلاعات آخوندی موسوم به پروندهٔ سیاه را می‌خواندم راستش را بخواید این حجم دجلالت و نعل وارونه‌زدن و عوافریمی برابم قابل هضم نبود با خبرم‌زدندی تمام‌نوشته بود(محمد تهرانچی، داریوش نصر، نعمت علیایی (اولیایی)) هر سه نفر از زندانیان رژیم بوده و بعد از آزادی به سازمان وصل شده و در اعترافات اجباری در تشکیلات علت آزادی خود را از زندان همکاری با رژیم و بای دادن و... بعد هم نوشته‌اند: «اکنون هم اینها را به عنوان اسیر به میدان می‌آورد و از طریق آنها به روی واقعیتها چگونگی می‌کشد»

ناخودآگاه ذهنم به بیست سال پیش پرواز کرد بار دیگر جملهٔ پزشک هموطن در ذهنم زنده شد که«وحشتناک است وحشتناک است» و دیگر هیچ...

می‌توان گویلز را دروغگوی تاریخ خواند و عمروعاص را حیله‌گر میال‌زدنی نامید. اما وقتی رژیم وزارت اطلاعاتی را جلوی روی خود بینند آیا معترضمان نخواهند شد و اعاده حیثیت خواهند کرد؟ اجازه بدهید به آنها حق بدهم که رژیم اطلاعات آخوندی آن هم از نوع لپن در سفلگی و ذنانت و خرم‌زدندی گوی سبقت را از همهٔ اسلافشان ربوده‌اند. یک بار رهبر انقلاب برادر مسعود در یکی از نشستهایش گفته بود که خمینی واعوان و انصارش نه اصلا فرض کنیم که صبح تاغروب در حال کندن

شمارهٔ ۷۸۳ – سه‌شنبه ۲۳ بهمن ۱۳۸۴



ندارد، آورده بودند. هر روز پدر بزرگ پیرم را به اداره اطلاعات می‌برند و می‌گفتند باید به پسرانان بگوید دخترش را از ارتش آزادیبخش خارج کن و وی را به ایران بیاورد. این فشارها در مورد پدربزرگم کماکان ادامه دارد. این رژیم جنایتکار به پیرمردی که نه در تصمیم‌گیری من دخالتی دارد و نه ارتباطی به مجاهدین دارد، هم رحم نمی‌کند.

پدر بزرگم به آنها گفته بود که پسرم و دخترش راهشان را انتخاب کرده‌اند و من نمی‌توانم دست آنها را گرفته و به اجبار آنها را به ایران برگردانم. در حال حاضر خانوادهٔ پدر بزرگم ممنوع‌الخروج هستند. آنها حتی نمی‌توانند با پدرم تماس بگیرند. عوامل تماسی پدرم با ایران می‌گیرد، از طرف عوامل وزارت اطلاعات رژیم روی آنها فشار می‌آید. لذا پدربزرگم به پدرم گفته است که دیگر با آنها تماس نگیرد. حالا این رژیم‌خواران را نگاه کنید که دلشوز خانواده کردها شده‌اند ولی یک پیرمرد جرات تماس با پسرش (پدرم) را ندارند.

طی دیداری که با پدرم داشتم او گفت: یک شب در خانه را به شدت می‌زنند، وقتی تو تا از برادرانم (که کم‌سن بودند) برای باز کردن درب حیاط می‌روند، یک مرتبه همان فردی که درب را می‌زده، دو برادرم را زیر بغلش زده و فرار می‌کند. پدرم که متوجه موضوع شده بود با فریاد و کمک خواستن از مردم محله این فرد را می‌گیرند. وقتی این فرد با پدرم مواجه شد، مشخص شد که او یکی از اقوام خومان است. با دست خودش مرا از سازمان مجاهدین برداشته و به خاطر تو در ایران ما توسط رژیم بیچاره شده‌ایم. از طرف وزارت اطلاعات به وی گفته شده بود که برادرانم را ربوده و به ایران ببرد تا پدرم مجبور شود با دست خودش مرا از سازمان مجاهدین برداشته و به ایران برگرداند.

این هم گوشه‌ی از جنایات خمینی بر مردم ایران است که حتی در آوارگی هم آنان را راحت نمی‌گذارد. بعد از این ماجرا آنها دست بردار نبودند. مثلاً «لیلی برای پدرم فرستادند تا پدرم آن‌را به من داده و به من بگوید که اگر به ایران بروم هم می‌توانم دانشگاه بروم و هم ماشین به من دهند... و با من هم کاری ندارند» فقط از نزد مجاهدین بروم.

اما پدرم در پاسخ آن گفته بود که شرافتمندانه‌ترین زندگی برای دخترم این است که در همان اشرف بماند. من اهل معاملهٔ کثیف نیستم ولو این که بابت این موضوع قیمت کالتی بدهم. پدرم هم چنین گفته بود که دیگر مهداب فرزند مجاهدین است و به من ربطی ندارد. او خودش انتخاب کرده که در مجاهدین بماند. فاکت دیگری که سوزش رژیم را در پیوستن من به ارتش نشان می‌دهد فشاری است که بر مادر اصلی‌ام (که فقط یک سال نزد او بودم) وارد آوردند.

بعد از آمدن من به ارتش آزادیبخش مادر اصلی‌ام به ایران رفت و دیگر هیچ رابطه‌یی با من نداشت. اما یک‌مرتبه بعد از جنگ اخیر در عراق از طرف وزارت اطلاعات وی را به طرف شهر اشرف گسیل می‌کنند تا به هر نحو که شده مرا از مجاهدین جدا کرده و به ایران ببرد. مادرم می‌گوید که مهداب در راهش را انتخاب کرده است و من نمی‌توانم او را برگردانم. من با افتخار کامل روزی هزار بار خدا را شکر می‌کنم که در این دوران پر نشیب و فراز مقاومت ایران یکی از مجاهدینی هستم که در راه آزادی ایران، زیر پرچم رهبری خواهر مریم و برادر مسعود مستحکم و استوار در دژ اشرف ایستادم. من برای آزادی وطن عزیزم که هرگز آن را ندیده‌ام، از همه چیز خودم آگاهانه گذشتم‌ام و در برابر ملت عزیز ایران هیچ‌هستم

من از خدای بزرگ می‌خواهم که هر سه رعبتار رهبران واقعی مردم ایران را به میهنمان ایران، برسانم تا این‌که این زیباترین وطن، از جنگال اهریمنی این رژیم وحشی و خونخوار نجات یابد.

جاده و جاروب کردن این جا و آن‌جا و ... هستیم. کجایش را دیدیم‌اید اگر دژ اشرف آمن و ملجأ هستم. پسران و دختران کارکن خواب و وطن است.
اگر اسم اشرف مرهم‌زخم‌های عفن حاصل از ۲۷سال حکومت ننگین و میهن بریاد ده جلالان عمامه به‌سر است که هست. اگر اشرف امید و آرزوی راتندگان و کارکنان اتوبوسرانی شرکت واحد و دانشجویان دانشگاه و کارگران هموطنی که ماه‌هاست حقوقشان را نگرفته‌اند و حق و حقوقشان صرف شمشبارگی یک مشت آخوند زذل و پست شده و اگر اشرف به هموطن ایرانی آواره از وحشت و ترور ابلاغ خمینی در خارج از وطن صلابت و سربلندی و اصالت می‌بخشد که چنین هم هست...
پس ای رژیم بدسرتست! اگر روزی در امیرخیز تبریز که ستارخان جنگد در جنگ با اسلافتان می‌جنگید و برای این‌که به قول خودش پرچم سرخ حسینی را برافراشته‌تر از هر زمانی نگه دارد، پذیرفت که بهایش را حتی با خوردن یونجه بپردازد اما هرگز به خلق و آرمانش پشت نکند، صد البته ما مجاهدین نیز با تاسی از سرداران و سالاران تاریخی‌مان خاک اشرف را توتیای خمینی می‌کنیم.
به قول فرخی:
چشم مخالفان را چون ناشکسته خاری چشم موافقان را چون سوده توتیای باشد که به باری خدا و همت خلقی که آماده تر باشند در زمان دیگر می‌باشد، ریش و ریشة رژیم‌خواران عملمه‌هم را از ایران زمین این زیباترین وطن برکنیم. آن روز دور نیست و سپیده‌دمان روزی نزدیک است.

چشم مخالفان را چون ناشکسته خاری چشم موافقان را چون سوده توتیای باشد که به باری خدا و همت خلقی که آماده تر باشند در زمان دیگر می‌باشد، ریش و ریشة رژیم‌خواران عملمه‌هم را از ایران زمین این زیباترین وطن برکنیم. آن روز دور نیست و سپیده‌دمان روزی نزدیک است.

مرزهای اسلام با بنیادگرایی تروریست (۱۴)

جلال گنجهای

مشی و رویه کشتن و کشته‌شدن تروریستی در نگرش بنیادگرایان اسلامی با همی دستاویزی توجیه می‌شود، که لزوم فرقراری «حاکمیت اسلامی» را توجیه می‌کنند. یعنی همان دو پایه و رکن اصلی نظریهٔ «ولایت فقیه» خمینی که در اولین قسمت این سلسله مقالات آوردم، که می‌گوید: «الف: احکام فقهی (همان احکام شریعت)، از نظر دینی لازم الاجرا است. ب: تضمین اجرای این احکام منوط به درست داشتن قدرت حاکم است(۱).» اینک و در این قسمت بحث، نوبت آن است که عمق ژرفتری از همین دور رکن را بررسی کرده و دریابیم که چرا بنیادگرایی اسلامی تروریست، تکثیر عامهٔ مسلمانان دیگر را یک اصل و حتی شعار اصلی خود می‌شناسد تا بدان حد که کلمهٔ «تکثیر» در نام رسمی برخی از آنها آمده و جنگلی با هر نام اختصاصی، اما به‌طور مشترک به‌عنوان «تکثیریون» شناخته می‌شوند.

تکثیر و قتل عام مسلمانان

این قسمت بحث که بررسی موضع بنیادگرایان در برابر دیگر مسلمانان را دنبال می‌کند(۲)، با این پرسش گشوده می‌شود که اینان «احکام فقهی» یا «شریعت» را از کجا «لازم‌الاجراء» قلمداد می‌کنند تا بدین خاطر، «حاکمیت اسلامی» تحت عنوان «خلافت»، از «ولایت فقیه» را یک ضرورت وانمود کنند؟ و آن‌وقت برای نتحقق این حاکمیت، کار را به‌چنین «جنگ» و «تروریسم» بپیرحانه و شقاوت‌باری می‌کشانند که همگان را از مسلمان تا غیرمسلمان، یکجا قربانی می‌کند(۳). پاسخ اجابلی و در یک کلام این است که از نظر این جریان ضداسلامی، مسلمانان دیگر، (غیر بنیادگرا)، خواه شیعه یا سنی، «کافر» شمرده می‌شوند، و البته، کافرانی تحمل‌ناکردنی‌تر از منکران دین و یاندیداران غیرمسلمان.
«برای نمونه، در تفسیر این متن از قرآن مجید: «... وَ مَن یُحَکِّمْ بِمَا أُنزِلَ اللَّهُ فَالْوَلُکَ مِمَّ الدِّیْنِ مَن لَّکُمُ الْاِقْوَانُ»، ... و کسانی که مطابق آیات فرستادهٔ خداوند داوری نکرده‌اند، پس، آنان خود کافرانند.»(۴)، سید قطب، در کتاب تفسیر معروف خود، «فی ظلال القرآن»، می‌نویسد: «با چنین فرمان صریح قاطع و جزمی، و با چنین عبارتی عام و شامل در یک جملهٔ متشکل بر کلمهٔ شرطی «مَن» و حکمی که در این جمله «اجواب شرط» است، مطلب از هرگونه شیبهٔ زامنی و مکانی خارج شده و حکم عام و فراگیری صادر فرموده که کلیهٔ کسانی از هر نوع و نسل که به حکم فرستادهٔ خداوند سر فرود نیآورند را در بر می‌گیرد... و کسانی که بر اساس قانونی غیر احکام خدا عمل و داوری کنند، در حقیقت از سوی نفی خداوندی خداوند می‌کنند و از سوی دیگر ادعایی در مورد خویش را به‌عمل می‌گذارند که از شئون و حقوق خداوندی است.»، که بطور کلی یعنی که: وضع و تقنین و عمل به قوانین موضوعهٔ بشری، به‌طور کلی کفر و مرتکبان این کارها کافرانند.»(۵)
فارغ از آن ارزیابی نوشتهٔ سید قطب، که منظور نهایب وی از این تفسیر بر آیهٔ یادشده چه بوده و چیست؟، آن‌چه به موضوع بحث ما بر می‌گردد این است که در شریعت بنیادگرایی، یک عنوان مستقل در فهرست انواع کافران، همانا «کفر قانونگذاری» یا «الکفر بتجکیم القوانین» است. در توضیح این عنوان –برای نمونه- آورده‌اند: «ما تشریع قوانین جداگانه از قوانین خداوند و تبدیل احکام خدا و الزامی کردن قوانین موضوعه، به‌طور ماهوی کفر شمرده می‌شود.»(۶)
مطابق این برداشت، به‌رسمیت شناختن و اجرای «مواد اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر»، گو که هر قدر انسانی و خیرخواهانه، همین‌قدر که تشریع بشری و منسازن تبدیل و لغای چیزی است که در زبان بنیادگرایی، «احکام خدا» یا «شریعت» نامیده می‌شود، خود به‌خود کفر است.

شایان یادآوری که این تکثیر مردم و مسلمانان، کمترین ارتباطی به مذهب تسنن یا شیعی این بنیادگرایان ندارد. چنان‌که، هر دو دسته از این بابت نیز اختلاف‌نظر ندارند که اگر فرد مسلمانی کارش به این «کفر» قانون بشری، بینجامد، تحمل‌ناکردنی‌تر از دیگر کافران است، زیرا که «مرتد تلقی می‌شود و امر تکب بنام ارتداد» شده و باید تعقیب شود و حکمش، بازهم بدون اختلاف نظر میان بنیادگرایان، اعدام او و الغای ازدواج و مالکیت بر کلیهٔ داراییهایش خواهد بود.

شکنجه‌گری، شرط دلکی (در فرهنگ مسخ)

حمید اسدیان

یک زمانی بود که میرغضبها، میرغضب بودند. یعنی فقط میرغضها، میرغضب بودند و یا میرغضها فقط میرغضب بودند یا فقط ماموران تیر بازجویی و شکنجه کرده‌است؟ چند نمونه لازم است تا ما باورمان شود که زمانه عوض شده است؟ مگر تکه‌لغای شایدی مانند خاتمی‌را در وصف لاجوردی و خمینی نخوانده اما حالا زمانه عوض شده. فقط میرغضها، میرغضب نیستند. میرغضها هم فقط میرغضب نیستند. کارهای دیگری هم دارند که آدم وقتی می‌شود اول باورش نمی‌شود و بعد هم که باورش شد خشکش می‌زند.

در یک کلام با آمدن آخوندها همه اسما عوض شده است. زلزله در مفاهیم و ارزشها و ارزشها، و حتی اخلاق و آداب و معاشرت، به‌طوری که اگر در زمان شاه شرط پست و مقام گرفتن، توانایی چاپلوسی بهتر و زدوی بیشتر بود، الان شرط وزیر و وکیل مجلس رژیم شدن تیر خلاصی زند است و شکنجه کردن. نه این که چاپلوسی بد و زدوی گناه نباشد. داشت. و باز هم برای هزارمین بار از خود سؤال می‌کنیم: «آیا به‌راستی ممن است؟»

من آخرین نمونه‌اش را که برای خودم اتفاق افتاده می‌نویسم. مصاحبهٔ تحفه‌یی به‌نام حمید ماهی‌صفت‌را در سابت‌خبرنامه گویا خوانده‌اید؟ هرچند متعلق به‌مدتی قبل، اما به‌راستی نکان هننده است. می‌پرسید این کیست؟ ایشان کم‌دین معروف هستند. کم به البته این جناب وزارت و کتالی شد. چند نفر را مثال می‌خواهید؟ حجاریان تنورسین مثلا به‌قدری بالا برد که حتی خمینی ولی‌فقیه» حرف بزند و زدوی را باید چنان گسترش و عمق داد که شایسته کلمهٔ غارت باشد. آن‌وقت تازه باید به اوین رفت. پرسر دستگیرشدگان حاضر شد. با شلاق و تازانه بربرندهای مجروحشان کوبید. سیخ و سنبله بر دست و پا و سینه شان فرو کرد و در زیر زمینهای اوین یا هر زندان دیگری طناب دار به کردن محکومان انداخت تا آن وقت شایسته است وزارت و کتالی شد. چند نفر را مثال می‌خواهید؟ حجاریان تنورسین مثلا به‌قدری بالا برد که حتی خمینی سردمداران و سردهست جانیکارانی مانند محسن سازگارا و علی ربیعی را چند زندانی زنده مانده از زیر آن همه شکنجه و تیربارنهای مخفی و علنی باید گزارش بدهند که هادی مغفاری، همان هادی گلو پاره‌کن معروف که در سالهای اخیر اصلاح‌طلب شده، چگونه خودش بازجویی

چنین است که جریانهای بنیادگرای تروریست، نه‌تنها کلیهٔ دولتهای حاکم بر کشورهای مسلمان (به‌استثای ملایان ایران و طالبان افغانستان) را تکثیر می‌کنند، بلکه کلیهٔ مسلمانان دموکرات و پاینده به‌میتاقهای بین‌المللی و هرگونه دستاوردهای حقوقی و قانونی بشری راه کافر و استنباط، از کارهای فقیهان نجاست و طهارت و تفکراتهای یادارند، به دلایل تاکتیکی است.

پرشانی در شریعت تکثیر

نه‌تنها نظریهٔ «ولایت فقیه» در تاریخ شیعه یک بدعت و معلول بحران و بیماریهای اجتماعی و تاریخی است، و فراز و فرودش هم تابعی از متغیر همین بیماریهاست، شریعت تکثیر، هم به‌طور کلی، هم از شیعی یا سنی، بدعتی برآمده از بحرانها و شاهد نوسانهای خودش بوده و خواهد بود. با این تفاوت که در واقعیت امروزه، این «تکثیریون» به‌طور عینی و عملی، تحت الحمایهٔ «ولایت فقیه» ایران قرار گرفته و به‌عنوان ابزار تأمین منافع و مطاع این رژیم به‌کار گرفته می‌شوند. بررسی این ارتباط و پیوستگی از بحثهای آتی همین سلسله نوشته‌ها است که به آن خواهیم رسید.

لیکن، به‌تناسب بحث شریعت «تکثیر» در این قسمت از نوشته، لازم است تکمیل کنیم که اصل این نظریه دچار پرشانی جدی و لاعلاج است. دچار همان پرشانی که همزاد «ولایت فقیه» نیز به‌همین میزان بدان مبتلا است. موضوع به‌طور خلاصه بدین قرار است که آن‌چه طرفین یادشده تحت عنوان «احکام الهی» یاد می‌کنند، چندان ربطی به «الله» و پیامبر «رسول‌الله» ندارد و تنها نسبت افزاری بسیار ناچسی است که بنیادگرایان به خداوند و پیامبرش می‌بندند. در حقیقت، هر شخص مطلعی می‌داند که احکام موجود «فقه» و «شریعت» که از آنها به‌عنوان «احکام خدا» یاد می‌کنند، تولیدات بشری است. بدین معنی که در بهترین صورت، برداشت و استنباط صاحبان علم و فن مربوطه از قرآن و سنت، یعنی گفتار و رفتاری از پیامبر اسلام(ص) است. و متن این «سنت»، اغلب به‌طور غیر مستقیم روایت شده تا پس از چند نسل، در کتب مختلف حدیث آورده شد. این تازه جدا از جعلیات است.

همین است که همهٔ اهل علم و فن مربوطه، اذعان دارند که این استنباط و اجتهاد می‌تواند این خطا یا درست باشد(۷). و لذا، استنباط این استنباطها به‌خداوند، تنها یک انتساب مجازی بوده و در حقیقت تنها بدین معنی است که نظر به‌متد قافتھی پذیرفته‌شده در این یا آن مذهب، اجتهاد و استنباط درستی است، یعنی تابعی از درستی روش اجتهادی که در مذهب مختلف و هم میان عالمان و فقیهان یک مذهب معین، متفاوتی اختلافاتی گاه بسیار عمیق و گسترده است.

رسوا

بنا بر این، بنیادگرایان و مدعیان این سری «احکام الهی» که در حقیقت دست‌نوشته‌های بشری است، باید پاسخ بدهند که اگر قرار بر فرآورده‌های اجتهاد تازه نبود، چگونه است که تمامی خلفای راشدین و پیشوایان مذاهب مختلف اسلامی، احکام و مقررات تازه‌ای را مقرر کرده و به‌اجرا گذاشتند که در قرآن و یا روش و دوران حضرت محمد(ص) سابقهٔ نداشته است. و بسا از این ناآزوری که خلیفه یا پیشوای مربوطه به‌دست می‌داده، با مخالفت دیگران، از صحابه یا امامان مذاهب، موجب شده و اختلاف نظرهایشان به سناهای بعدی رسیده و در کتب مربوطه ثبت شده است.

در حقیقت، بخش اعظم از حجم انبوه مسایل «فقه» و «شریعت» که طی قرون طولانی گذشته مدون و انباشته شده است، حاصل عقول بشری است که با منطق عقلی، از متن کتب محکم اصلی احکام، استنباط و تدوین شده است. آنهم با روش منطقی و چنددانهٔ محکمی که «سنت» مانع از اختلافهای عمیق خود فقیهان باشد. حال، اگر عقل بشری و یا به روش فقههای اهل سنت، عقل در قیاس و...، به خلفا یا فقیهان قدیم و جدید اجازه می‌دهد که فتوهای تازه‌یی بدهند، این همه مخالفت و تکثیر کردن احکام موضوعهٔ بشری و تجویز را چگونه باید ارزیابی کرد؟ آیا به‌جز منافع و یا دلستگیهای ارتجاعی در میان است که متعصبان بنیادگرا را به این روز و روشهای تباه و پلید کشانیده است؟(۸)

اما در واقعیت دنیای فکر دینی، همواره بسیاری از متفکران نامور مسلمان وجود داشته و دارند که در پیرامون همین مقررات «موضوعهٔ بشری» و –تیری مثال–

اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر یا دیگر میتاقهای بین‌المللی، معتقدند و آشکارا اعلام می‌دارند که این اصول و ارزشها با حقیقت اسلام مطابقتی غیرقابل انکار دارد و برای نشان‌دادن این مطابقت، به بسیاری متون قرآن و سنت، استناد می‌کنند. استنادهایی که به‌لحاظ روش فنی اجتهاد و استنباط، از کارهای فقیهان نجاست و طهارت و دیگر مسائل معمولی فقه، کمترین کاستی ندارد که گاه بسیار فویرت است.

آزی، جمل عنوان «احکام الهی» برای مشتی کارکردهای عقول بشری فقیهان، با تمامی کوششنی که برای پنهان‌داشتن آن به‌کار رفته و می‌رود، هرگز آگاهان مسلمان را نفریفته و نخواهد فریفت. و این دعاوی، از دوران آغازین اسلام تا همیشه، دفاع از منافع معینی بوده است که بزرگان نسل نخست اسلام، مانند امام علی(ع) نیز به نوبهٔ خود همتداریهای بسیاری اندر افشای این نوع خدعه و افتراها به مسلمین داده‌اند.(۹) در این زمینه، باید دانست که «تکثیر مسلمانان»، خاص بنیادگرایان و افشاره کرده و معروف به «تکثیری» نیست و در در این زمینه، جرایم خمینی بسیار پیچیده صورت گرفت که بررسی خواهیم کرد.

پانویس
(ادامه دارد)

۱- نشریهٔ مجاهد، شمارهٔ۷۳۶، به تاریخ ۱۵شهریور ۸۴
۲- برای یادآوری، در قسمت۱۲، نشریهٔ مجاهد، شماره ۷۸۰،به تاریخ۲۹آذر ۸۴ آورده بودیم که: چند مقولهٔ مرتبط به «بنیادگرایی اسلامی تروریست» را باید مقدم بر مطالب بعدی بیاوریم که عبارت بودند از، یکم: جایگاه «تروریسم» در نبردهای بنیادگرایی. دوم: چگونگی و بی‌آمدها در رهبری بنیادگرایی. سوم: موضع بنیادگرایان در برابر دیگر مسلمانان. و چهارم: موضوعشان در برابر اسلام و ارزشهای اسلامی. در قسمت۱۳، به «موضع بنیادگرایان در برابر دیگر مسلمانان رسیدیم و قسمتی از این بحث، یعنی نفی دیگر مسلمانان و اجتهاد دیگران از اسلام توسط بنیادگرایان را افشاره کرده و رسیدیم به «تکثیر» مسلمین توسط بنیادگرایان که به‌قسمت کنونی موقوف شد.

۳- این وجه جانیکارانه که تروریسم بنیادگرایی به‌اصطلاح مسلمان، مسلمانان را هم مانند دیگران و با همان بی‌رحمی به‌خاک و خون می‌کشد، امروزه در خونریزهای روزانهٔ عراق، کاملاً عریان نمایان شده است. این که در ۱۴دی ۸۴، ژنوهایی، دو شهر مسلمانان اهل سنت و شیعیان، رمادی و کربلا، در یک روز و به یک شیوه، شیوهٔ انتحاری، مورد حملهٔ مستقیم و در هر دو شهر دهها کشته و زخمی برجای گذاشت، شهادت زیاد و ماهیت مشترکی دارد با انفجارهای ۱۱سپتامبر نیویورک و واشینگتن که هزاران نفر را یکجا از ملینها و ادیان مختلف به آتش کشیدند.

۴- متن کامل آیه: «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَبُورٌ بِحُكْمِهَا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا وَلَذِينَ هَادُوا وَالرَّاسِخُونَ فِيهَا لِمَا اشْتَرَطْنَا مِنْ نَاصِحَظْمَنَ كِتَابَ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَحْزَنُوا وَالَّذِينَ لَا تَشْعُرُوا أَيَّانِي فَتَمْنَا قِيلًا وَوَمَن تَمَّ بِحُكْمِ بِنَا أَنْزَلْنَا اللَّهُ فَالْوَلُکَ مِمَّ الدِّیْنِ مَن لَّکُمُ الْاِقْوَانُ». سورهٔ مائده(۵)،آیهٔ ۴۴.
(۵) متن نوشتهٔ سید قطب: «وَ مَن لَّکُمُ بِنَا أَنْزَلْنَا اللَّهُ فَالْوَلُکَ مِمَّ الدِّیْنِ مَن لَّکُمُ الْاِقْوَانُ» و بهذاالتعمیم اللّٰدی تملّحه من الشَّرِیْطِة وَجَمَلَةُ الْجَوَابِ بِحِیثْ یُخْرِجُ مِنْ حُدُودِ الْمَلَائِیْةِ وَالزَّیْمَانَ وَالْمَمْلَکَانَ وَطَیْفَةَ عَامَا عَلٰی کُلِّ مَلٍّ بِحُکْمِ بِنَا أَنْزَلْنَا اللَّهُ فِی أٰی نَوَورِیْةٍ وَ مَن أٰی قَبِیْلِ... وَ مَن بِحُکْمِ بَغِیرِ مَا أَنْزَلْنَا اللَّهُ بَرِضِ الْوَلِیْةِ اللَّهُ وَ خِصَّاصُفِی جَانِبِ وَدِعی لِنُصْحِ هَوِّ الْاِقْلَامِ وَ خِصَّاصُفِی جَانِبِ آخِرٍ وَ مَاذَا بَکُونُ الْکُفْرَانِ لَمْ یَکُنْ هُوَ هَذَا وَ ذَکَکَ... سِیْطَرُفِی، وَ اِخْتِلافِ نَظَرِھَا بَیْنِھَا بَ سَناھِی اِی بَعْدِی رَسِیْدِہِ وَ دَر کَتِیبِ مِصْرَ اسْتِ که در دوران جمال عبدالناصر دستگیر و اعدام شد.

۶- از ضوابط تکثیری... نوشتهٔ عبدالله بن محمد القرنی. چاپ دوم. وی در مقدمهٔ چاپ اول آورده که: «این رسالهٔ فوق لیسانس وی در رشتهٔ «عقاید» در دانشکدهٔ «دعوت و اصول دین» دانشگاه «المقرء» در «مکه مکرمه» است و استاد ناظرش «دکتر برکات عبدالفتاح دویدار» بود.

۷- در زمینهٔ اجتهادهای درست و خطا، در قسمت پیش(۱۳) باختصار بحث کردیم. مجاهد،۷۸۲، به تاریخ ۲۷دی ۸۴

۸- کاربرد عقل در اجتهاد میان طیف فقههای شیعه و طیف فقههای اهل سنت یکسان شمرده نمی‌شود. تشریح این تفاوت و به‌خصوص ارزیابی میزان اختلاف واقعی، خارج از موضوع این نوشته است

۹- برای نمونه، مراجعه کنید به نهج البلاغه، خطبهٔ۱۸ (و من کلام له (ع) فی ذم اختلاف العلماء فی الفتیاء...)...

شکنجه‌گری، شرط دلکی (در فرهنگ مسخ)

برخورد می‌کنند که « تکثیر به‌پلیس گفت ایشان را خارج کنید». سفیر به‌حساد «طنز تلخ این تحفهٔ آخوندی در«طنزپردازیش» هم تجسسی از توهمین به‌لسان و فرهنگ و انسان با فرهنگ است» تمام نهرها جگ می‌گویم الا مهدی و قم و چون از حضرت امام رضا (ع) و حضرت معصومه (س) می‌ترسم.»
حالا جا دارد به‌یک ابهام اساسی دیگری هم پاسخ دهیم. نرخ این تحفهٔ بی‌مزه نظام ولایت برای فعالیت‌های خارجی و داخلی‌اش و به‌خاطر این همه توهین به‌ملیتها و به‌خوردن مختلف چندر است؟ خودشان می‌فرمایند: «۲۰۰درصد اجزایهم پولی است، اما این‌ها هودی عمل می‌کنم. یعنی مثلا برای یک اجرای نیم ساعتام حقوق یک ماه یک وزیر، یعنی ۵۰۰ هزار تومان می‌گیرم.»
در پایان این مصاحبهٔ فاجعه‌بار جا دارد «مسترین» و «رابین هود» نظام را با یک ابهام اساسی و حیرت‌آور دیگر مواجه کنیم تا اصل ماهیت بعضی مطبوعات – با بلانست! – پیاده‌نظام دشمن هستند. من هم معتقدم دشمنان صرفنظر از نظام جمهوری اسلامی، با ایران و اسلام دشمن هستند و سوسیدهای سنگینی هم برای تهاجم فرهنگی می‌پردازند. این سالهٔ لطفیهای سیاسی و مبتذل حتی اگر به‌دست داخلی هم باشد باز من معتقدم ریشه‌اش خارج است.»
حالا چکهای که خود برگ برندهٔ می‌گوید چیست؟ در این جشن دهه فجر دعوت بودیم. آقای در حین برنامه خیلی محکم تشویق می‌کرد. بعد از برنامه که از او تشکر کردم، گفت: – با لهجهٔ آذری– «خواهش می‌کنم، برای شما دست نزنم؛ کلام من عبادت دارم خورکی دست می‌زنم!» یادآوری کنیم که همین جناب در مقولهٔ توهین به‌ملیتها آن چنان بر طبل وقاحت کوبیده که آن چنان برنامه‌اش در سینمای فردوسی تهران اعتراض دانشجویان آذری را برانگیخت. و از ایشان با بارانی از گوجه‌فرنگی استغاث که در معز من تکرار می‌کند. دار کوبی که این بار عبید زاکانی نام دارد و در تعریف «الشیخ» نوشته است: «همان عبید که گویی به‌چهرهٔ «ولی فقیه» ما نگاه کرده که نوشته است: «سخرگی و دف زنی و گواهی به‌دروغ و دین به‌دنیا فروختن پیشهٔ سازید تا عزیز باشید و از عمر برخوردار گردید.»



تاریخ ایران زمین

دوران کهن

(از پیشدادیان تا پایان دوران ساسانی)
(۱۳)

عبدالعلی معصومی

مهمترین آثار دورهٔ هخامنشی

هخامنشیان که به کوچ نشینی عادت داشتند، در فصل سرما در بابل و شوش و در فصل گرما در همدان به‌سر می‌بردند. به‌جز این سه شهر، دو شهر دیگر هم بود که تختگاه ویژه بود. یکی، پاسارگاد که در آن‌جا مراسم تاجگذاری شاهان هخامنشی برگزار میشد و دیگر «پارسه» (تخت جمشید) که مخصوص برگزاری آیینهای ویژه و مرکز مذهبی هخامنشیان بود. این رو، شماری از تاریخنگاران، «پارسه» را نه یک کاخ بلکه یک معبد مذهبی می‌دانند که در آن مراسم مذهبی اجرا می‌شد. به این اعتبار هم بود که اسکندر آن را آتش زد.

در زمان ساسانیان که مردم از خواندن کتیبه‌های میخی دوران هخامنشی ناتوان بودند، نمی‌دانستند این کاخها چه پیشینه‌یی دارند و مجموع آنها را «صد ستون» می‌نامیدند. بعدها، به «چهل منار» معروف شد. «تخت جمشید» نامی است که پس از اسلام به ویرانه‌های کاخهای «پارسه» داده شد. تاریخ‌نگاران و سرایندگان شاهنامه‌ها که از سازندگان این کاخهای شگفت‌آور آگاهی نداشتند و جایه‌جاکردن سنگهای بسیار عظیمی را که در بنای این کاخها به کار رفته بود، از توان انسان بیرون می‌دیدند، آن‌را کار دیوان می‌شمرند و جمشید، شاه پیشداری را که به باور پیشینیان، بر «دیوها» فرمان می‌راند، برپادارندهٔ این کاخها دانستند و آن‌را «تخت جمشید» نامیدند.

ویرانه‌های تخت جمشید در ۶۰ کیلومتری شمال شیراز قرار دارد. این مجموعهٔ کاخها را داریوش اول هخامنشی بنیان گذاشت و شاهان پس از وی آن‌را تکمیل کردند. کاخها و بناهای تخت جمشید، نمودار شاهنشاهی هخامنشی است. نقشهای برجستهٔ هرگوشهٔ آن‌را یک ملت از ملت‌های تشکیل‌دهندهٔ این شاهنشاهی پدیدآورده است. این نقشها نشان می‌دهد که در آن دورهٔ کهن، ملت‌های گوناگون در یک ملت بزرگ سر به‌هم داده‌اند؛ ملت‌های که همواره مورد آزار و تجاوز دولتهای قدرتمند مانند دولت آشور قرار می‌گرفتند و به بردگی کشیده می‌شدند و خاتمان آنها به‌تاراج می‌رفت. کورش بزرگ از آن ملت‌های پراکندهٔ ملتی قدرتمند پدیدآورد که پیاد دولتهای تجاوزگر آن‌را از پای نیفکند و قوانینی بر آن حاکم شود که همهٔ مردمان را دربرگیرد و هر کس به‌هر آیینی که می‌خواهد بگردد و آزادی به‌جای بیداد و خود کامگی بشیند. نقشهای پهلغای شرقی کاخ «آپادانا» (تالاربار هخامنشیان در تخت‌جمشید)، اقوام و ملت‌های را که حمل‌نهای هخامنشی را پدید آورده بودند، در لباس‌های محلی و هنگام جشن‌ها به‌همه دربار نشان می‌دهد:



از نقشهای تخت جمشید، زندگی همراه با شادمانی می‌تراود، نه مرگ و ناامیدی و خشم و کین. در دست بسیاری از نقشهای «پارسیان» در تخت جمشید، شاخه‌های گل نیلوفر آبی دیده می‌شود که مظهر صلح و زندگی است. از جمله، نقش برجستهٔ یک مرد پارسی بر یکی از دیوارهای پله‌های کاخ «آپادانا» در کنار نقش برجستهٔ داریوش اول. داریوش اول که فرمان داد «پارسه» (تخت جمشید) برپاگردد، در یکی از سی لوح‌ها کشته‌شدهٔ بی که در حفاریهای تخت جمشید پیداشد می‌گوید: «به‌خواست اهورامزدا، من راستی را دوست دارم و از دروغ رو گردانم. دوست ندارم ناتوانی از حق کشی در رنج باشد و دوست ندارم که به‌حقوق توانا به‌سبب کارهای ناتوان آسیب برسد. آن‌چه را که درست است من آن را دوست دارم. من دوست و بردهٔ دروغ نیستم، من خشم خود را فرومی‌نشانم و سخت بر هوس خود فرمانروا هستم. این کشور پارس که اهورامزدا آن را به‌من ارزانی فرموده، زیباست و دارای مردان و اسبان خوب...»

این ۳۰ هزار خشت گلی که در د اتاق‌هایی در تخت جمشید نگهداری می‌شد، در اثر آشنی که اسکندر به‌جان این مظهر ماندگار دولت هخامنشی زد، پخته شد و از نابودی درامان ماند. این لوحه‌های گلی، اطلاعات بارزوشی را دربارهٔ دستمزد کارگران و هنرمندانی که در ساختن بنای عظیم تخت جمشید شرکت داشتند، در خود کرده‌اند. پیش از آن که این گلنوشته‌ها پیداشود، عقیدهٔ بسیاری از تاریخ‌نگاران بر این بود که این کاخها نیز مانند کاخها و اهرام سه گانهٔ مصر یا کاخهای آشور و بابل، در اثر بیگاری دهها هزار بردهٔ بنادشده است که جسدهایشان نیز در لای چرهای آن، مانند دیوار چین، که حدود دو قرن بعد از تخت‌جمشید ساخته شد. دنگ شده است. اما، این گلنوشته‌ها نشان داد کلیهٔ کارگران و استادان (سنگ‌تراشان، پیکر‌تراشان، آهنگران، مینت‌کاران، پیشه‌وران، کارکنان دیوانی و...) هر یک بر مبنای مهارت‌ها و تواناییهایشان در کار، روزانه، مزد می‌گرفتند و هر یک از آنها از یک قدم و ملتی بودند. این گلنوشته‌ها نشان می‌دهد که زنان نیز همپای مردان در این کار سهیم بودند و دستمزد برابر دریافت می‌کردند. کار بسیاری از این زنان صیقل‌دادن سنگ‌گازها، و دوخت لباس بوده است. حتی، بر این نکته تأکید شده است که زنان به‌هنگام بارداری یا به‌دنیای‌آوردن کودک، از کار معاف بودند، اما، به آنها دستمزد پرداخت می‌شد.

خشت‌نیشتهٔ داریوش بزرگ در شوش

هنگامی که بنای کاخ بزرگ «آپادانا» در شوش به‌پایان رسید، داریوش بزرگ دستور داد شرح بنای آن را بر خشتی، به‌خط میخی پارسی باستان، میخی ایلامی و بابلی نوشتند. این خشت‌نیشته در کاشفکاشات شوش به‌دست آمد.

شرح بنای «کاخ» که من در شوش ساختم» از زبان داریوش اول هخامنشی: «... زمین را کندند تا به سنگ رسید. چون کندن زمین به‌پایان آمد، شفته‌ریزی انجام شد... و روی آن شفته، کاخ بناگردید. کندن زمین و شفته‌ریزی و فرام آوردن خشت، کار بابلیان بود. چوب کاخ از کوهی به‌نام لبنان آورده شد. مردم آشور آن را تا بابل آوردند و از بابل تا شوش یونها و کاریها آوردند... زری که در این بنا به‌کار رفت از سار و از بلخ (باکتریان) آورده شد... سنگ قیمتی لاجورد و عقیق و شنگرف که در بنای این کاخ به‌کار رفت، از سفدیان آورده شد و سنگ قیمتی پیروزه از خوارزم آورده شد... سیم (نقره) و چوب آبنوس از مصر آورده شد... عاج هم از هند و حبشه و زنج (نم پیشین قندهار) آورده شد... سزونهای سنگی که در این کاخ به‌کار رفته، از دهی به نام «بیرادوش» در خوزستان آورده شد. سنگ‌تراشانی که سنگها را تراشیده‌اند، یونها و ساردیها بودند. زرگرانی که کارهای زرگری را کردند مادها و مصریها بودند. ساردیها و مصریها کارهای درودگری (نجاری) را انجام دادند. بابلیها آجر می‌بختند و مادها و مصریها دیوارها را بناکردند... در شوش کارهای شکوهمندی دستور داده شد و اثر بسیار زیبایی پدیدآمد. اهورامزدا، مرا و کشورم را و پدرم و بنیشتاب را در پناه گیرد.»

(ادامه دارد)

شمارهٔ ۷۸۳ – سه‌شنبه ۴مهرماه ۱۳۸۴

مقالات

صفحهٔ ۱۳

اگر بیش از ربع قرن است که زیرسایهٔ خوف و عذاب دیکتاتورها هستیم

اما

بمب اتم داریم.

اگر بی‌ترس باج و شلاق و شیخوایی در کمیته‌ها به خیابان نمی‌توانیم برویم

اما

بمب اتم داریم.

اگر میلیونها بیکار و سرگردان و کارتن خواب خیابانها هستند

اما

بمب اتم داریم.

اگر همیشه عقیده و سلیقه و امید و زندگیمان در زندان است

اما

بمب اتم داریم.

اگر سیگار گرانتر از گرد سفید مرگ است

اما

بمب اتم داریم.

اگر زنان و دخترانمان از فقر، ارزانتر از نفت و قالی و پسته در آن سوی مرزها

به‌فروش می‌رسند

اما

بمب اتم داریم.

اگر از مدرسه و دانشکده‌ها بیرون آمدن

به جایی نمی‌رسد

اما

بمب اتم داریم.

اگر مغزها و نخجگانمان پراکنده در جهان

شده‌اند

اما

بمب اتم داریم.

اگر سرمایه‌های ملیمان نازشست راهزنان

بین‌المللی ست

اما

بمب اتم داریم.

اگر حتی یک پیچ و مهرهٔ ساده هم از خارج باید بخریم

اما

بمب اتم داریم.

ما را بی‌بهارتاز هر خاشاک کرده‌اند

اما

بمب اتم داریم.

اگر پاسداران در شب پشت در منتظر

دریافت جرمه جشن و سرور ما هستند

دوستش گفت: پس شاخ چه شد؟

گفت: خوب این دیگر همان نکتهٔ انحرافی معما بود که در هر معمایی هست!

شاید به خاطر این که احمدی‌نژاد در بنیادگرا نامیدن جهانیان، روی دست آن دیوانه بلند شد و بادام را به دریا ربط داد و نکتهٔ انحرافی معمایش هم مشخص نبود، به یاد خاطره‌یی از زندان

سیاسی در دیکتاتوری شاه افتادم.

یکی از زندانبانها که مرد میانسال روستایی و بیسواد یا به شدت کم‌سوادی بود، از این‌که نگهداری و زندانبانی انبوهی از تحصیل‌کرده‌ترینهای جامعه را به عهده‌اش گذاشته بودند احساس حقارت خاصی داشت و تلاش می‌کرد آن را با قهیز در کردن و به‌کارگرفتن کلمات قلمبه سلمبه پوشاند و هراز گاهی این کلمات را طوری به کار می‌برد که انگار شق‌القمر کرده است. یکی از زندانیان به او یاد داده بود که از تعییر «آقای X» استفاده کند و بقیه منتظر بودند ببینند او با این کلمهٔ جدید چه خواهد کرد؟!

آن‌روز بی در پی وسط بند قدم می‌زد و خلیجها می‌دانستند که منتظر است تا تعییر «آقای X» را مطرح کند. نگاهان از اطافی صدای *هفقهٔ* خنده‌یی به گوش رسید.

نگهبان دانشمند ما از همان وسط بند که ایستاده بود با صدای بلند فریاد زد: چه خبره، چرا این قدر سر و صدا می‌کنید؟ مگر چند بار باید گفت «آقای X»سر و صدا نکن!

این‌جا بود که دیگر شلیکهای بی‌در پی خنده از اتاقهای مختلف برخاست.

وقتی احمدی‌نژاد بخواهد کلماتی مثل بنیادگرایی و پروژه‌های علمی را طرح کند، همه چیز تبدیل می‌شود به نکتهٔ انحرافی آقای X!

تصحیح و پوزش

در مجاهد ۷۸۲، صفحه ۱۱ نام نویسنده مقاله «مسعود در

سختیها» جا افتاده بود. ضمن پوزش از خوانندگان و نویسنده محترم آقای محمد حیاتی، بدینوسیله تصحیح می‌شود.

هم‌چنین درشعر زیبای آقای کاظم مصطفوی اشتباهات چاپی وجود داشت که متن کامل آن را در این صفحه ملاحظه می‌کنید.

قطعات یک موزاییک

(شبه مقاله)

بمب اتم و غرور ملی!!

رحمان کریمی

اگر یک سفر به خارج کشور فتح

افتخوان رستم است

اما

بمب اتم داریم.

اگر بهترین فرزندان میهنمان به چوبه‌های

دار و تیرباران سپرده شدند و می‌شوند

اما

بمب اتم داریم.

اگر دردلمردگیهای ناگزیر، شیخ نشینهای

همجوار قلمرو آزادی ماست

اما

بمب اتم داریم.

بمب اتم داریم.

اگر دوزخ در میان و وعده بهشت دروغ

بود

اما

بمب اتم داریم.

اگر علم و صنعت و اقتصاد و تولید

مستقل نداریم

اما

بمب اتم داریم.

اگر اوپاشان به قدرت نشسته‌اند و

نجیبانمان به خاک سپاه

اما

بمب اتم داریم.

اگر رهبر خائنه‌ای و رئیس جمهورمان

احمدی‌نژاد است

اما

بمب اتم داریم.

اگر دیکتاتورها دارند یکی بعد دیگری

سقوط می‌کنند و مال ما که بدترین است

هنوز مانده

اما

بمب اتم داریم.

شعر

ای تمام گل سرخ

برای مسعود

کاظم مصطفوی

ای تمام گل سرخ

چه صدایی در توست؟

تو درنگ گل سوری

در نگاه من بودی

تو نسیم صبح

روی ایوان بلند بیداد

بر شب من بودی

تو صدای «نه» من

روی سکوی سکوت…

ای صدای شب بی‌پایان تنهایی

ای صدایی که صداهای جهان از توست!

ای صدای گل سرخ!

گل سرخی در توست

حسن همتی

این طور به نظر می‌رسد که کاسه صبر مماش‌انگزان اروپایی از دست رژیم آخوندی رو به سرریز شدن است و واکنشهای آنگلا مرکل و تویی بلر در هفته گذشته و سخنان روز پنجشنبهٔ زاک اشراک و هشدار دادن به دولت‌های حامی‌تروزیسم و «خطای بی‌پیمانه» به مقابله و واکنش شدید، حتی با استفاده از سلاح اتمی، نشان از مرحلهٔ جدید در رابطه با رژیم آخوندی دارد.

نقطهٔ گفتهٔ دیدارهای دو هفته اخیر مرکل نیز از واشینگتن، مسکو و دیدارش با اشراک حول همین «واکنش قوی و یکپارچه غرب» در قبال تهدید اتمی‌رژیم آخوندی بود. مرکل در واشینگتن خواهان مواضع و واکنش یسکان و متحد اتحادیهٔ اروپا با آمریکا در قبال رژیم ملایان شد. مواضع مرکل در هنگام سفرش به آمریکا و دیدار با جرج پورل تحسین محافل حکومتی آمریکا را برانگیخت و به این وسیله ابرهای سیاه رابطه بین شرودر و بوش که بر روابط سیاسی بین دو کشور سایه افکنده بود تا حدود زیادی کنار رفت.

بدین ترتیب با سخنرانی اخیر اشراک، بار دیگر گفتهٔ رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران مگر بر این که سیاست ماماشات غرب در مقابل ملاها نه تنها از راه شدن دیوِ جنگ از شیشهٔ جلوگیری نخواهد کرد، بلکه دقیقاً راه به جنگ خواهد برد، به اثبات رسید.

اروپا در تمامی‌دوران ریاست جمهوری رفسنجانی و به خصوص خائمی به جز مدت کوتاهی پس از حکم دادگاه میکونوس(۱) خود را عاشق و شیای رژیم آخوندی‌های شمال می‌داد. به نحوی که یکی از وزرای خارجه اروپایی برای دلبری از آخوندها کارش به فرآگیری قرآن و اسلامی‌امامان کشید و پیشترین سفر خارجی را به نزد آنها رفته بود. ولی انتخاب پاسدار هزار تیر، آب ناپاکی را بر سرشان خالی کرد و فقط تنها چیزی که از سیاست ماماشات برایشان باقی ماند کثافتات همکاری با آن رژیم بود.

مقاومت ایران بارها اعلام داشته است که همان‌طور که قرارداد مماشانگرانه مونیخ درسال ۱۹۳۸ بین انگلستان و فرانسه با دولت هیتلر مانع از جنگ جهانی دوم نشد، سیاست مماشانگرانهٔ اتحادیهٔ اروپا در مقابل ملاها بر سر سلاح اتمی‌جنگ محتمل کردن هر چه بیشتر جنگی‌خامناسوز دیگر، ثمری نخواهد داشت. جنگی که قربانیان آن باشد، در وهله اول ملت ستم دیدهٔ ایران خواهد بود. لذا تا کیست رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت بر این که راه صلح از طریق مماشات با رژیم آخوندی نیست بلکه از طریق ایستادن در مقابل آن است و سیاست مماشات غرب با آخوندها فقط و فقط دمیدن هر چه بیشتر در آتش جنگ می‌باشد، نیز با شرایط به وجود آمده همخوانی کامل دارد. چرا

قسمتهایی از بیانیة شورای ملی مقاومت ایران در بیست و چهارمین سالگرد تأسیس نسورا

...در یک سال گذشته بحران در روابط رژیم با

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ابعاد جدیدی پیدا کرد. درحالی که دستیابی به سلاح اتمی برای نقشه‌های توسعه‌طلبانه و تجاوزگرانهٔ رژیم ایران نقش حیاتی دارد، بررسهای کارشناسی نشان می‌دهد که

«خطرناکترین حکومت حامی تروزیسم، به امکانات آن را در مقابل عمل انجام شده قرار می‌داد و آن‌گاه با توجه به مواضع قرون وسطایی رژیم راهی جز جنگ با آن وجود نمی‌داشت. ولی امروز مقاومت ایران راه‌حل سوم را که «نه» به ماماشات و نه «به» جنگ است ارائه می‌دهد. و آن چیزی نیست جز آن‌که: «دستانتان را از پشت آخوندها بردارید و مقاومت ایران را از لیست تروزیستی درآورید. این مقاومت توان آن را دارد که با تکیه به مردم ایر آن رژیم را سرنگون سازد.»

ولی غرب در قبال رژیم و مقاومت ایران تا کنون چه پاساتی را در پیش گرفته است؟

از یک سو ماماشات با رژیمی که اکنون در تفاهم و مذاکره با آن به بن‌بست رسیده و زبان احتضار اتمی به کار می‌گیرد و از طرف دیگر سرکوبی مقاومت ایران و گذاشتن اسم آن در لیست تروزیستی و حمله نظامی به قرارگاهش در خاک اشرف و مقر رئیس‌جمهور برگزیده‌اش و حامیان مقاومت در فرانسه و دیگر کشورهای اعمال محدودیتهای بسیار برای رئیس‌جمهور و اعضا هواداران مقاومت و توطئه روزمره علیه آن به نحوی که بخش زیادی از انرژی مقاومت ایران صرف مقابله با چنین اعمالی از طرف کشورهای غربی می‌شود.

آری نتیجهٔ چنین سیاستی باعث شد که امروز غرب به نقطهٔ امروز رسیده است.

مقاومت ایران سالهاست که نسبت به خطر رو به افزایش اتمی‌رژیم هشدار می‌دهد. رژیمی که در پی تأسیس امپراتوری اسلامی در جهان است، رژیمی که عملا عراق را توسط مزدورانش اشغال پنهان کرده است. رژیمی که حامی تروزیسم در جهان است، رژیمی که یکی از شقی‌ترین ناقضان حقوق بشر در جهان است. رژیمی که حامی تروزیسم به عنوان یک راهکار سیاسی است و رژیمی که به طور مستمر عنوان می‌کند که قصد نابودی دیگر

کشورها را دارد. رژیمی که رئیس‌جمهور آن در روز جمعه ۳۰دی در دیدار با «جفت دموکراش!»

که عامل ترور سیاستمداران کشورهای دیگر شناخته شده، کشورهای غربی را تهدید به بالا رفتن قیمت نفت کرد و باز خواهان پنهانده شدن ساکنان اسرائیل به کشورهای اروپایی شد. مقاومت ایران سالهاست که به طور مستمر نسبت به خطر رژیم هشدار می‌دهد. در همین رابطه نگاه کوتاهی به بیانیة شورا ملی مقاومت به مناسبت بیست و چهارمین سالگرد تأسیس شورا می‌کنیم:

حیله‌گرانه و زودبندهای تنگین آخوندها موانع جدی ایجادکرده است. هدف نظام استبدادی – مذهبی حاکم بر ایران از دستیابی به سلاح اتمی و دخالت در امور داخلی عراق، توسعهٔ تروزیسم و بنیادگرایی در خاورمیانه و باجگیری و شائناژ در سطح بین‌المللی است که به نوبهٔ خود بقای حاکمیت آخوندها را تأمین می‌کند.

... به‌رغم روشنگریهای منحصره‌فرد مقاومت ایران دربارهٔ خطر مسلح‌شدن دیکتاتوری تروزیستی به سلاح اتمی که خدمتی بیسابقه نه فقط به ایرانیان بلکه به صلح جهانی و پیشرفت نوع‌خوبراست، سیاست مماشات کشورهای اروپایی و مشخصاً مذاکرات سه کشور اروپایی (فرانسه، آلمان و انگلستان) نه فقط به آخوندها بیشترین زمان را برای پیشبرد نقشه‌هایشان در جهت دستیابی به سلاح اتمی‌داده، بلکه در آبان‌ماه گذشته با معاملهٔ تنگین برسر نگه‌داشتن نام سازمان مجاهدین خلق ایران در لیست تروزیستی اتحادیهٔ اروپا در ازای کوتاه‌آمدن رژیم از در تاریخ

برای تولید سلاح اتمی توسط شورای ملی مقاومت ایران در تابستان سال ۸۱ برملا گردید و از آن پس بود که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعالیتهای غیرقانونی این رژیم را زیر نظر گرفت. یک سال بعد پیش‌سخنگوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اذعان وقوف جامعهٔ بین‌المللی به این پنهانکاریها میسر نبود، اعلام کرد که «از طریق یک گروه مخالف ایرانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این معما را کشف کرد.»

... شورای ملی مقاومت ایران در اجلاس میندوره‌یی خود، که در ۲۹آذر سال (۸۳)گذشته برگزار شد، در مورد سیاست افشای پروژه‌های اتمی‌رژیم اعلام کرد: «این سیاست میهنی و انسانی، تاکنون ضربه‌های جدی بر سیاستهای ضدایرانی و ضدانسانی رژیم وارد آورده و در برابر مانورهای

– رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت: من هشدار می‌دهم که تروزیست‌نامیدن مجاهدین، در ازای کوتاه‌آمدن رژیم از سلاح اتمی، برای غرب امنیت به ارغمان نخواهد آورد، ولی این معامله، در همان قدم اول، جواز سرکوب یک مقاومت مشروع را به ملایان می‌دهد و شرافت اروپا و حرمت قوانین بین‌المللی را به حراج می‌گذارد.

–ولی غرب در قبال رژیم و مقاومت ایران تا کنون چه پاسیاتی را در پیش گرفته است؟

از یک سو ماماشات با رژیمی که اکنون در تفاهم و مذاکره با آن به بن‌بست رسیده و زبان احتضار اتمی به کار می‌گیرد و از طرف دیگر سرکوبی مقاومت اصلی ایران و گذاشتن اسم آن در لیست تروزیستی و حمله نظامی به قرارگاهش در خاک اشرف و مقر رئیس‌جمهور برگزیده‌اش و حامیان مقاومت در فرانسه و دیگر کشورهای اعمال محدودیتهای بسیار برای رئیس‌جمهور و اعضا هواداران مقاومت و توطئه روزمره علیه آن به نحوی که بخش زیادی از انرژی مقاومت ایران صرف مقابله با چنین اعمالی از طرف کشورهای غربی می‌شود.

تجاوز بین فاتح شهر «لاگاش» و مردم شهر «اوما» در بین‌النهرین در ۵۰۰سال پیش، تاکنون هیچ سند رسمی از چنین تجاوز آشکاری به حقوق بین‌الملل عمومی، دیده نشده است.»

... مواضع احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور جدید رژیم، و دیگر سرمداران حاکمیت آخوندی بیش از پیش نشان می‌دهد که رژیم با تمام قوا درصدد تولید اولین بمبهای اتمی است و یکی از دلایل خامنه‌ای است. دیدگاه احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهوری و دیگر سرمداران حاکمیت آخوندی در عرصه یک پاسدار تروزیست، شتاب‌دادن به همین پروژه است. پروژهٔ تولید بمب اتمی در دست سپاه پاسداران است و خامنه‌ای با سپردن پست ریاست‌جمهوری و دستگاه اجرایی به پاسداران، همهٔ امکانات مملکتی را در اختیار آخوندی در خدمت این پروژه‌ها قرار داده است.

... آثار و خطرات مماشات سه کشور اروپایی با رژیم آخوندی در زمینه هسته‌یی تندریچا در عرصه بین‌المللی عیان می‌شود. وال‌استریت ژورنال در این خصوص خاطرنشان کرده است: «خواستنهٔ سه کشور اروپایی برای بنیادگرایی یک رادامحل‌ماندگار شده، تنها انتعاط‌ناپذیری ایرانیان در مورد مسألهٔ مرکزی را تشویق کرده است»، «سپاریس از دیپلماتهای اروپایی فکر می‌کنند که بهترین چیزی که می‌توانیم انتظار داشته باشیم، تأخیر بیشتر است، و جهان باید در نهایت به این‌که ملاها بمب اتمی داشته باشند، عادت کند.»

وال‌استریت ژورنال می‌فرزاید: «ایران یک کشور دموکراتیک نیست و آشکارا افسانه است که با ملای‌های حاکم طوری برخورد شود که انگار امکان این وجود دارد که ملاها قانون بین‌المللی را رعایت کنند.» «اکثر ایرانیان، همان‌طور که نظرسنجیهایی که انتشارشان ممنوع شده، نشان دادند، برنامهٔ هسته‌یی ایران را دقیقاً به‌عنوان همان چیزی که هست می‌بینند. برنامه‌یی برای حفظ قدرت سرکوب‌کنندگان آنها.» این روزنامه گزارشهایی را که برای کم‌کردن فشار از روی رژیم و دربردن آن از حساسرسی هسته‌یی، مدعی است ایران هنوز ۱۰ سال دیگر با بمب اتمی فاصله دارد، به زیر علامت سؤال کشیده و با یادآوری اشتباهات اطلاعاتی آمریکا در بارهٔ عراق و کره، این ارزیابی را «خطرناک» و باعث ایجاد «یک تصور غلط» توصیف کرده و می‌نویسد: «گفتن این‌که هر چیزی که در تلاش بودیم در خاورمیانه و فراتر از آن به دست بیاوریم، در خطر است، اغراق آمیز نیست. ملاها این را می‌دانند، و به همین خاطر است که ریسک انتقاد و سرزنش بین‌المللی را پذیرفتند تا از طریق انتخابات نامشایی قدرت خود را تحکیم بخشند. در حال حاضر تنها ریسک رودرویی در شورای امنیت را هم پذیرفته‌اند. بی‌آمدهای بالقوهٔ یک بمب اتمی ایرانی برای دموکراسیهای غربی بسیار خطرناکتر از بمبهای داخل کوله‌پشتی در قطارهای زیرزمینی می‌باشد.»

البته در این بیانه نکات بسیاری در مورد خطر بالقعل حکومت آخوندی برای امنیت کل جهان



شمارهٔ ۷۸۳ – سه‌شنبه ۴بهمن ۱۳۸۴

اگر شوروی با بمب اتم و تجهیزات جنگ ستار گانش رفت و روسیه بدهکار ما قفا زده به‌جا ماند

اما

بمب اتم داریم.

اگر عقل و واقعیت می‌گوید که

قدرتمندان جهان از ما بسی قویتر و مجهزترند

اما

بمب اتم داریم.

اگر امروز درستترین سیاست، بهانه دخالت و خشونت به‌دست ابرقدرتها

ندادن است

اما

بمب اتم داریم.

اگر تیغ تیز به‌دست زنگی مست دادن خطاست

اما

بمب اتم داریم.

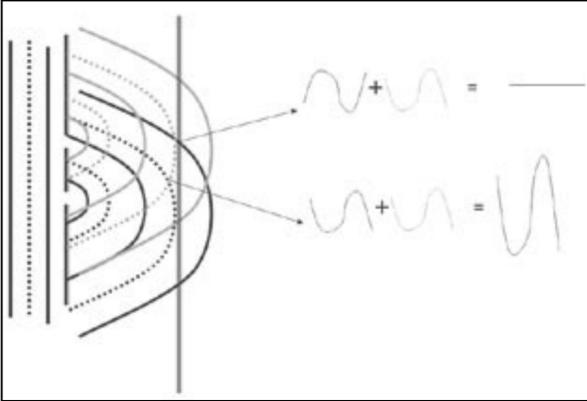
اگر گفته‌اند که شاهنامه آخرش خوش

است

اما

بمب اتم داریم.

در مسییر یگانگی (۱۳)



شاهین توتوچی **دکتر فیزیک ذرات اولیه از دانشگاه ماساچوست**

ذره و موج

در این قسمت جا دارد که به توضیح آزمایشی که موجی بودن نور را در اوایل قرن نوزدهم به اثبات رساند، بپردازیم. این آزمایش به روشنترین شکل تضاد بین دو دیدگاه موجی و ذره‌یی نور را نشان می‌دهد. این آزمایش در توضیح مکانیک کوانتوم نیز بسیار مهم است. در تصویر شماره ۴ امواج نوره به یک صفحه تاریک با دو شیار پاریک برخورد می‌کند. نوری که از این دو شیار می‌گذرد بر پرده‌یی نمایان می‌شود. اگر فاصله این دو شیار به اندازه کافی (طول موج نور) نزدیک یکدیگر باشند و نوری که به آنها تابیده می‌شود حاصل یک موج و نه مخلوطی از امواج گوناگون باشد، آن گاه بر روی پرده ما شاهد نوارها با برشهای متوالی روشن و تاریک هستیم. در حالی که اگر فقط یک شیار بود، فقط یک نوار روشن را بر سطح پرده می‌دیدیم. اما با وجود دو شیار، امواج با یکدیگر تداخل می‌کنند و باعث ایجاد یک طرح تداخلی (Interference Pattern) می‌شوند. این پدیده تنها می‌تواند با فرض موجی بودن نور توضیح داده شود و با ذره‌یی بودن نور نمی‌توان آن را توضیح داد. اگر نور پدیده بود، ما می‌بایست شاهد دو نوار روشن که حاصل عبور نور از هر کدام از شیارهاست باشیم. این سری نوارهای روشن و تاریک با فرض ذره‌یی بودن نور همخوان نیست، چرا که بر طبق فیزیک کلاسیک ذرات نمی‌توانند با یکدیگر تداخل کنند و هر کدام مستقل از دیگری از این شیارها عبور کرده و به پرده می‌رسد. ولی با فرض موجی بودن نور می‌توان این پدیده را توضیح داد.(تصویر این توضیح را نشان می‌دهد). دو شیار در صفحه تاریک خود منشأ دو موج یکسان می‌شود. این دو موج که از هر کدام از شیارها ساطع می‌شوند، هم فاز هستند. یعنی این دو همچون امواج دریا که بالا و پایین می‌روند، این دو موج نیز همراه یکدیگر بالا و پایین رفته و به سمت پرده پخش می‌گردند. در هر نقطه از پرده، آنچه که پدیدار می‌شود حاصل جمع این دو موج در آن نقطه از پرده می‌باشد. از آن جایی که این دو موج از مراکز متفاوت (دو شیار) شروع شده‌اند، فواصل متفاوتی را نیز برای رسیدن به یک نقطه در پرده می‌پیمایند. یعنی این که بر خلاف مرکز شروع که این دو موج هم فاز بودند، زمانی که به سطح پرده برسند ممکن است دارای اختلاف فاز باشند. به عنوان مثال در نقطه‌یی از پرده یک موج می‌تواند در وضعیت بالا و دیگر موج در وضعیت پایین به آن نقطه از پرده برسد. در آن نقطه حاصل جمع این دو موج صفر می‌شود و در نتیجه حاصل این تداخل تاریک است. چرا که همان طور گفته شد قدرت نور متناسب است با ارتفاع آن موج. و از آنجایی که ارتفاع موج حاصله صفر است، این نقطه تاریک دیده می‌شود. در بعضی نقاط دیگر پرده هر دو موج در وضعیت بالا و یا وضعیت پایین به آن نقطه از پرده می‌رسند. در نتیجه در این نقاط ارتفاع موج حاصله نخواهد بود و آن جا روشن دیده می‌شود. بدین گونه می‌توان نوارهای روشن و تاریک را که حاصل تداخل دو موج است، توضیح داد. این آزمایش نظر هوگنز که نور پدیده‌یی موجی است را به اثبات رساند. می‌بینید که در تداخلی بعضی از پدیده‌ها نیاز به تصویر موجی نور است و توضیح عدده‌یی دیگر ملزوم ذره‌یی بودن نور است. در آن دوره بعضی از فیزیکدانان فکر می‌کردند که شاید نور یک پدیده استثنایی باشد. اما چرا باید نور استثنا باشد؟ این منطقی نیست، چرا که یگانگی واقعی است و این گونه استثنا حاصل ذهن ماست و نه آن چه که در واقعیت می‌گذرد.

دوبرولی، فیزیکدان جوان فرانسوی که در آن دوره دانشجو‌یی بیش نبود این نظریه را مطرح کرد (اگر نور به عنوان موجی الکترومغناطیسی بتواند خواص ذره‌یی داشته باشد، شاید ذرات هم بتوانند در شرایطی خاصیت موجی داشته باشند! مثلا الکترون هم گاهی مثل موج باشد. او این فرضیه را به عنوان تز دکتری خود در دانشگاه سوربن فرانسه ارائه داد، اما کمیته‌یی که برای بررسی تز او تشکیل شده بود آن را نپذیرفت؛ و دانشجوهائی یکی از اعضای این کمیته تز او را برای ارضیتین فرستاد. ارضیتین از این ایده استقبال بسیار کرد و در جواب کمیته نوشت که نه تنها می‌بایست این تز را برای دکتری او بپذیرند، بلکه این فیزیکدان جوان استحقاق دریافت جایزه نوبل را نیز دارد! کمتر از ده سال بعد، دوبرولی جایزه نوبل را به همین دلیل برد. با آزمایشی که صورت گرفت نشان داده شد که الکترون نیز دارای خواص موجی است. این آزمایش، شبیه همان آزمایشی بود که در مورد نور توضیح دادیم. با گذراندن الکترونها از یک کریستال که اتمهای آن نقش شیار بر روی صفحه را بازی می‌کردند، تداخل امواج کوانتومی مشاهده شد.

هم‌چون گذشته تنها شکلی که بتوان طرح تداخلی را توضیح داد، فرض موجی بودن الکترون است. بدین گونه اثبات شد که در تمامی طبیعت و در تمامی اشیا می‌توانیم جمع تضادها(ذره و موج) را ببینیم. این یکی از بزرگترین کشفیات تاریخ فکری بشر است. چگونگی دو مفهوم متضاد می‌تواند جمع شود و دوری یک سکه باشد؟

البته همان طور که در مقدمه گفتیم قبول تضاد آورده‌است. برای مثال چرا این بیماری به طور همزمان در ۱۳استان این کشور شیوع یافت؟ چرا در مقایسه با زمان آغاز شیوع آن در سال ۲۰۰۳، در ترکیه انسانهای بیشتری (بیش از ۲۱ نفر) مبتلا شده‌اند؟ و چرا تعداد بیماری در قربانیان در ترکیه (حدود ۴ یا ۵نفر) جان خود را از دست داده‌اند؟

با آغاز چهارمین هفته شیوع آنفلوآنزای مرغی در ترکیه، اکثر افرادی که به این بیماری مبتلا شده‌اند در حال بهبودی هستند. به نظر می‌رسد که یک نفر بدون این که حتی بیمار شود به این ویروس مبتلا شده است.

پزشکان و مقامات دولتی در ترکیه در خصوص انتقال این ویروس از طریق انسان نگران هستند و حتی مطمئن نیستند که این علائم خوب است یا بد. به هر حال به نظر می‌رسد که اروپا مکتوبی خوبی برای مطالعه ویروس H5N1، ویروس نقل آنفلوآنزای مرغی باشد. شیوع آن در ترکیه فرصتی به دانشندان داده است که دشمن خود را خوب بشناسند.

شگفت‌انگیزترین معما در این خصوص ملایمتر بودن ویروس در ترکیه در مقایسه با آسیاست.

بنا بر این اصل گشتاور(و یا سرعت) و مکان هر ذره‌یی را نمی‌توان با قطعیت تعیین کرد. یعنی اگر مکان ذره‌یی را به طور مطلق بدانیم نمی‌توانیم هیچ گونه اطلاعاتی از سرعت آن داشته باشیم و یا بر عکس اگر سرعت ذره‌یی را به طور مطلق بدانیم آن گاه از مکان آن خبری نخواهیم داشت. ضرب عدم قطعیت در تعیین این دو مقوله از یک عدد ثابت بیشتر است. این عدد ثابت بسیار ناچیز است. به همین دلیل عدم قطعیت فقط در ابعاد اتمها قابل مشاهده است. این عدم قطعیت به سبب عدم دقت در ابزار اندازه گیری نیست، بلکه در ماهیت اشیاست. ممکن است بگویید که هر روز در دنیای روزمره می‌توانیم سرعت و مکان اشیا را تعیین کنیم و عدم قطعیت هم وجود ندارد. همان طور که گفته شد این عدم قطعیت به قدری ناچیز است که فقط در اندازه‌های میکروسکوپی مثل مکان یک فوتون یا الکترون بارز خواهد شد. در مورد اجسام معمولی دیگر متوجه این عدم قطعیت نمی‌شویم و به راحتی از آن صرف‌نظر می‌کنیم.

فرض کنید الکترونی را وارد جعبه‌یی کنید. می‌دانید که این الکترون در یک نقطه از جعبه جای دارد. حال تصور کنید که بتوانید به شکلی این جعبه را کوچکتر کنید. مثلا دو دیواره آن را بتوان به یکدیگر نزدیک کرد. بدین وسیله الکترون مجبور می‌شود در فضای کوچکتری محدود شود. باز هم تصور کنید که بتوانید این عمل را با تمامی دیواره‌های جعبه انجام دهید. بدین گونه می‌توان این فقس را کوچکتر کرد. بر اساس اصل عدم قطعیت، هر بار که الکترون را محدودتر و مکان آن را مشخص تر می‌کنید، سرعت آن را بسیار متغیر خواهید کرد. به گونه‌یی که احتمال دارد که این الکترون سرعت بسیار بالایی پیدا کند. هر قدر که جعبه را کوچکتر کنید الکترون متوجه می‌شود که در قفسی قرار گرفته و موج کوانتومی که الکترون را توضیح می‌دهد، دارای فرکانس بالایی می‌شود. بر طبق فرضیه دوبرولی، فرکانس این موج متناسب با انرژی الکترون است. دلیلی که فرکانس این موج بالا می‌رود (طول موج آن پایین می‌آید) این است که می‌خواهد در قفس کوچکتر خود «جا» بگیرد. قبلاً دیدیم که چگونه امواج با فرکانس بالا (طول موج کوتاه) بهتر و راحتتر می‌توانند در یک جعبه «جا» بگیرند. آن مثال در مورد امواج الکترومغناطیسی بود، اما الکترون نیز نوعی موج است و فرکانس آن متناسب با انرژی است. پس می‌بینید که با کوچکتر شدن این جعبه فرکانس موج بالاتر رفته(رنگ دیدگاه موجی) تا بتواند در این قفس جا بگیرد که سبب بالا رفتن انرژی الکترون می‌شود.(دیدگاه ذره‌یی) که در نتیجه سبب بالا رفتن سرعت آن می‌شود. اگر این کار را ادامه دهید، سرانجام انرژی الکترون آن قدر بالا می‌رود که می‌تواند از این قفس کوچک بگریزد. بدین ترتیب هیچ‌گاه نخواهید توانست یک الکترون را به دست آورده و آن را در یک نقطه میخکوب کنید. طبیعت این اجازه را به شما نخواهد داد.

مکانیک کوانتوم توسط شرو딩نگر، فیزیکدان اتریشی، در یک معادله ریاضی فرموله شد. با استفاده از این تئوری، دانشمندان توانستند که طیف مشاهده شده از یک گاز دای هیدروژن را توضیح دهند.

ادامه دارد

آیا زنان واقعا در حال پیشرفت هستند؟

برگرفته از کریستین ساینس مانییتور، ۲۷دی۸۴

در آفریقا، بیماری فراگیر ویروس اچ.آی.وی، عامل بیماری ایدز، زنان را عقب نگه داشته است. در هند، زنان باردار که داشتن پسر را ترجیح می‌دهند، سالانه نیم میلیون دختر را سقط جنین می‌کنند. با این همه روز دوشنبه، ۲۶دی۸۴ در کشور لیبی‌را، اولین زن رئیس‌جمهور در این کشور آفریقای سوگند خورد، هم‌چنان‌که روز یکشنبه در شیلی اولین زن رهبر در آمریکای لاتین انتخاب شد که به خاطر محبوبیت شوهرش به این مقام رسید.

در کشورهای ثروتمند، گزارش رشد زنان درهم برهم است.

در سال گذشته آلمان اولین صدراعظم زن را انتخاب کرد. نروژ تجربه سختی را آغاز کرده است. این کشور ۵۰۰ شرکت خصوصی خواسته است، طرف دو سال آینده ۴۰درصد هیأت‌مدیره را زنان تشکیل دهند. این روش سهمیه‌بندی، که به منظور شکستن سقف شیشه‌یی «شرکت‌ها طراحی شده است، در یکی از کشورهای نوردیک آغاز گردیده‌است که تا کنون ۱۶درصد از مدیران شرکت‌ها، یک سوم نمایندگان پارلمان و نیمی از اعضای کابینه آن را زنان تشکیل می‌دهند.

اما بنا به گزارش «کمیسون فرصتهای برابر» در انگلستان، کشوری که در دههٔ ۱۹۸۰ یکی از قویترین زنان نخست‌وزیر را داشت، برابری جنسیتی در زندگی عمومی

دعه‌ها عقب می‌باشد، فقط ۱۰درصد از مواضع بالا در شرکت‌های بزرگ و مواضع حقوقی در دست زنان است. این در حالی است که پیشرفت زنان در پارلمان نیز آن قدر کند است که ممکن است تحقق برابری دو قرن طول بکشد. در پارلمان این کشور حدود ۲۰درصد از نمایندگان زن هستند. پیشرفت زنان در عرصه سیاست در آمریکا نیز به این میزان کند بوده‌است.

در انگلیس، به مانند آمریکا، نظریه‌یی وجود دارد مبنی بر این که تبعیض جنسی نقش کمتری در پیشرفت زنان در زندگی عمومی داشته است، چرا که زنان پارلمان را شغل و مناصب خود به نفع مادر شدن کنار می‌کشند، چیزی که به «فمینیسم انتخابی» معروف شده‌است. این «انتخاب» اگر چه اغلب به دلیل هزینه بالای مهد کودکها و تا نبود آنها به زنان تحمیل شده‌است.

در ژاپن، به رغم وجود قانون۱۹۸۵ علیه تبعیض زنان در محیط کار، تبعیض علیه زنان کماکان قوی است. اما اکنون که این کشور به علت پایین بودن رشد زاد و ولد با کمبود نیروی کار مواجه شده است، دولت اقدامات جدیدی برای تشویق مادران جهت بازگشت به کار، بعد از تولد بچه‌هایشان را در دستور کار قرار داده است. پیش از دو سوم مادران به سر کار بر نمی‌گردند. اخیراً در قبال زنانی که به کار باز می‌گردند اعطافهائی بیشتری نشان

داده‌ها عقب می‌باشد، فقط ۱۰درصد از مواضع بالا در شرکت‌های بزرگ و مواضع حقوقی در دست زنان است. این در حالی است که پیشرفت زنان در پارلمان نیز آن قدر کند است که ممکن است تحقق برابری دو قرن طول بکشد. در پارلمان این کشور حدود ۲۰درصد از نمایندگان زن هستند. پیشرفت زنان در عرصه سیاست در آمریکا نیز به این میزان کند بوده‌است.

شگفتیهای علمی ناشی از شیوع آنفلوآنزای مرغی در ترکیه

بر گرفته از:نیوزویک بین‌المللی شماره ۱۰ بهمن ۸۴

ظهور آنفلوآنزای مرغی در اروپا و به خصوص شیوع آن در ترکیه چندین شگفتی علمی به وجود آورده‌است. برای مثال چرا این بیماری به طور همزمان در ۱۳استان این کشور شیوع یافت؟ چرا در مقایسه با زمان آغاز شیوع آن در سال ۲۰۰۳، در ترکیه انسانهای بیشتری (بیش از ۲۱ نفر) مبتلا شده‌اند؟ و چرا تعداد بیماری در قربانیان در ترکیه (حدود ۴ یا ۵نفر) جان خود را از دست داده‌اند؟

با آغاز چهارمین هفته شیوع آنفلوآنزای مرغی در ترکیه، اکثر افرادی که به این بیماری مبتلا شده‌اند در حال بهبودی هستند. به نظر می‌رسد که یک نفر بدون این که حتی بیمار شود به این ویروس مبتلا شده است.

پزشکان و مقامات دولتی در ترکیه در خصوص انتقال این ویروس از طریق انسان نگران هستند و حتی مطمئن نیستند که این علائم خوب است یا بد. به هر حال به نظر می‌رسد که اروپا مکتوبی خوبی برای مطالعه ویروس H5N1، ویروس نقل آنفلوآنزای مرغی باشد. شیوع آن در ترکیه فرصتی به دانشندان داده است که دشمن خود را خوب بشناسند.

شگفت‌انگیزترین معما در این خصوص ملایمتر بودن ویروس در ترکیه در مقایسه با آسیاست.

دعه‌ها عقب می‌باشد، فقط ۱۰درصد از مواضع بالا در شرکت‌های بزرگ و مواضع حقوقی در دست زنان است. این در حالی است که پیشرفت زنان در پارلمان نیز آن قدر کند است که ممکن است تحقق برابری دو قرن طول بکشد. در پارلمان این کشور حدود ۲۰درصد از نمایندگان زن هستند. پیشرفت زنان در عرصه سیاست در آمریکا نیز به این میزان کند بوده‌است.

در انگلیس، به مانند آمریکا، نظریه‌یی وجود دارد مبنی بر این که تبعیض جنسی نقش کمتری در پیشرفت زنان در زندگی عمومی داشته است، چرا که زنان پارلمان را شغل و مناصب خود به نفع مادر شدن کنار می‌کشند، چیزی که به «فمینیسم انتخابی» معروف شده‌است. این «انتخاب» اگر چه اغلب به دلیل هزینه بالای مهد کودکها و تا نبود آنها به زنان تحمیل شده‌است.

در ژاپن، به رغم وجود قانون۱۹۸۵ علیه تبعیض زنان در محیط کار، تبعیض علیه زنان کماکان قوی است. اما اکنون که این کشور به علت پایین بودن رشد زاد و ولد با کمبود نیروی کار مواجه شده است، دولت اقدامات جدیدی برای تشویق مادران جهت بازگشت به کار، بعد از تولد بچه‌هایشان را در دستور کار قرار داده است. پیش از دو سوم مادران به سر کار بر نمی‌گردند. اخیراً در قبال زنانی که به کار باز می‌گردند اعطافهائی بیشتری نشان

داده‌ها عقب می‌باشد، فقط ۱۰درصد از مواضع بالا در شرکت‌های بزرگ و مواضع حقوقی در دست زنان است. این در حالی است که پیشرفت زنان در پارلمان نیز آن قدر کند است که ممکن است تحقق برابری دو قرن طول بکشد. در پارلمان این کشور حدود ۲۰درصد از نمایندگان زن هستند. پیشرفت زنان در عرصه سیاست در آمریکا نیز به این میزان کند بوده‌است.

شگفتیهای علمی ناشی از شیوع آنفلوآنزای مرغی در ترکیه

بر گرفته از:نیوزویک بین‌المللی شماره ۱۰ بهمن ۸۴

ظهور آنفلوآنزای مرغی در اروپا و به خصوص شیوع آن در ترکیه چندین شگفتی علمی به وجود آورده‌است. برای مثال چرا این بیماری به طور همزمان در ۱۳استان این کشور شیوع یافت؟ چرا در مقایسه با زمان آغاز شیوع آن در سال ۲۰۰۳، در ترکیه انسانهای بیشتری (بیش از ۲۱ نفر) مبتلا شده‌اند؟ و چرا تعداد بیماری در قربانیان در ترکیه (حدود ۴ یا ۵نفر) جان خود را از دست داده‌اند؟

با آغاز چهارمین هفته شیوع آنفلوآنزای مرغی در ترکیه، اکثر افرادی که به این بیماری مبتلا شده‌اند در حال بهبودی هستند. به نظر می‌رسد که یک نفر بدون این که حتی بیمار شود به این ویروس مبتلا شده است.

پزشکان و مقامات دولتی در ترکیه در خصوص انتقال این ویروس از طریق انسان نگران هستند و حتی مطمئن نیستند که این علائم خوب است یا بد. به هر حال به نظر می‌رسد که اروپا مکتوبی خوبی برای مطالعه ویروس H5N1، ویروس نقل آنفلوآنزای مرغی باشد. شیوع آن در ترکیه فرصتی به دانشندان داده است که دشمن خود را خوب بشناسند.

شگفت‌انگیزترین معما در این خصوص ملایمتر بودن ویروس در ترکیه در مقایسه با آسیاست.

پرتاب سفینه به فضا برای سفری که ۹سال طول خواهد کشید

سازمان فضانوردی ناسا آمریکا برای نخستین بار در تاریخ حیات این سازمان، یک سفینه بدون سرنشین را برای انجام مطالعاتی پیرامون پلوتون، دور دست ترین سیاره منظومه شمسی به فضا پرتاب کرد.

سفری فضایی «افقهای جدید» که سریعترین سفینه‌یی است که ناسا تاکنون در فضا پرتاب کرده است، ۹ سال به طول خواهد انجامید.

سفری فضایی «افقهای جدید» روز پنجشنبه ۲۹دی۸۴ از کیپ کاناورال در ایالت فلوریدا سوار بر موشک اطلس ۵ به فضا پرتاب شد و طولی نکشید که سرعت آن به ۵۸هزار کیلومتردر ساعت رسید. مشکلات فنی و مشکلاتی درارتباط با وضعیت هوا، دیوار دراین هفته پرتاب سفینه را به تأخیرانداخت.

ناسا می‌گوید تحقیقات سفینه ۷۰۰ میلیون دلاری «افقهای جدید»، منظومه خورشیدی را درخواد نوردد و درسال ۲۰۱۵میلادی به مطالعه درباره سیاره پلوتون و قمر آن، چارون، خواهد پرداخت و امید می‌رود به کاشفها بر روی هاله یخی که این منطقه از فضا را پوشانده و به کمربند کوپریموسوم است، یاری رساند.

ناسا می‌گوید سفینه فضایی جدید این سازمان که بزرگی آن به

آیا تلاش سران کشورهای اروپایی برای حیات بخشیدن به قانون اساسی اتحادیه اروپا نتیجه بخش خواهد بود؟

هفته نامه انوکمیست طی گزارشی در خصوص تلاش بی‌امان سران اروپا برای دیدن روح حیات به قانون اساسی ناکام اتحادیهٔ اروپا و موانع و مشکلاتی که در این راه وجود دارد می‌نویسد: «بر اساس یک داستان قدیمی اروپایی، داخل یک سطل شیر می‌افند، عاجز و درمانده از یافتن راه نجات به شدت دست و پا می‌زند اما بیشتر و بیشتر فرو می‌رود، سرانجام بر اثر تقاضای جنون آمیز قورباغه، شیر تبدیل به کره می‌شود و او هم با چشنی از سطل به بیرون می‌پرد. حال حکایت برخی از سران اتحادیه اروپا نیز شبیه ماجرای همین قورباغه است. آنها در رابطه با قانون اساسی اتحادیه‌یی اروپا شکست سختی قورباغه شدند اما گمان می‌برند که اگر در گام نخست به موفقیتی دست پیدا نکردند باز هم باید تلاش و فقط تلاش کنند.

به آب و آتش زدن سران اتحادیه اروپا شاید بیانگر تلاشهایشان جهت بخشیدن حیاتی دوباره به قانون اساسی باشد که ۶ماه پیش با گلوله «نه» مردم فرانسه و هلند در همه‌پرسی قانون اساسی اروپا کشته شد. سخنگوی مرکل و رهبر اتحادیه‌های تحت رهبری مرکل (دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی) در اتحادیهٔ اروپاها در بیان داشتن هنگامی که ریاست دودره‌یی اتحادیهٔ اروپا در شش ماهه نخست سال ۲۰۰۷ به آلمان واگذار شود، این کشور احیای قانون اساسی اروپا را مهمترین و اصلی‌ترین اولویت برنامتهای خود قرار خواهد داد. این در حالی است که حوزه مقامات اتریش از هم اکنون از چگونگی حصول موفقیت در روند تأیید منشور این قانون تا اواسط سال جاری سخن گفته‌اند، با وجود این محال است که در حرکت به سوی احیای پیش‌نویسی مدفون شده بتوان به سرعت به نتیجه رسید. کیله ۲۵ عضو اتحادیه اروپا باید تا قبل از اجرای قانون اساسی اروپا آن را به تصویب برسانند که با در نظر گرفتن شرایط حاکم، امری مطلقاً بعید و دور از دسترس به نظر می‌رسد.

رؤسای جمهور فرانسه و هلند نیز قصد ندارند قانون اساسیی را در پارلمان

کشورشان تصویب کنند که بیشتر از سوی مردم رد شده بود، چرا که اگر

چنین کنند با خشم و اذتزار داخلی روبه‌رو خواهند شد. انوکمیست در ادامه آورده‌است: «فرانسه و هلند کشورهای منزوی در عرصه سیاست بین‌المللی نیستند. اگر در مقطع کنونی از مردم انگلیس نیز در خصوص قانون اساسی اتحادیهٔ اروپا آرای گریز شود احتمالاً مردم پاسخ منفی خواهند داد. شاید سوند، دانمارک و یکی دو کشور اروپایی دیگر نیز به این جمع بپیوندند. از این رو صرضظرفا بحث ارج نهادن به خواست عموم مردم، درخواستهای جنی برحای منشور قانون اساسی اروپا با همان مشکلاتی مواجه می‌شود که حدود ۱۲کشور را بر آن داشته تا با این منشور مخالفت کنند. اکنون این سوال مطرح می‌شود که چرا سران اروپا این قدر مصرتند تا از امری حمایت کنند که موفقیتی در پی نخواهد داشت؟ ممکن است سیستم‌مداران تصور کنند که قادرند تصمیم آری دهندگان کشورهایشان را تغییر دهند. البته ناگفته نماند که مقامات اروپا پس از رد معاهده ماستریخت در سال ۱۹۹۲ از سوی دانمارک و سپس در سال ۲۰۰۱ همزمان با رد معاهده نینس توسط مردم ایرلند توانستند جریان فکری مردم این کشورها را به سود خود تغییر دهند. به هر تقدیر شاید در حال حاضر نیز حق با رهبران اروپا باشد چون به هر حال یک روز نظر مردم اروپا نسبت به قانون اساسی نخواهد گشت اما با نگاهی ژرفتر در خواهیم یافت که حمایتها از اتحادیه اروپا هم چنان رو به کاهش است.

از سوی دیگر شاید برخی سیاستمدارانی که از احیای این قانون دم می‌زنند سعی در جلا بخشیدن به اعتبار و صلاحیت خود را داشته باشند. یا شاید اگر بلندنظران ایجاد یکجوریم رهبران اروپا خلاصانه بر این باورند که اتحادیه اروپا بدون ایجاد اصلاحات بنیادین کارآمد نیست.

اصلاحات مذکور طیف وسیعی از اقدامات شامل وضع قوانین جدید انتخاباتی، گماشتن تنها یک وزیر خارجه برای اروپا و لغو قانون ریاست دودره‌یی اتحادیهٔ اروپا را دربرمی‌گیرد. حال اگر فرضی در موارد فوق نیز حق با رهبران اروپا باشد ذکر این نکته ضروروست که با چنین رویکردی مسیر غیر معمولی را در متحول ساختن اوضاع در پیش گرفته‌اند و از آن جایی که اکنون توجه خود را صرفاً به کالبد قانون اساسی متمرکز ساخته‌اند به سختی قادر به احیای جنبه‌های مثبت محتوای آن خواهند بود. حقیقت اینجا است که در دست در چنین جنبه‌های عملی شدید هواداران یکپارچه‌سازی اروپا، مفهوم دموکراسی و رعایت جانب احتیاط را تحت الشعاع خود قرار می‌دهند.

این گزارش می‌افزاید: «اروپا بحران بوجه را به سلامت پشت سر



الن جانسون، رئیس‌جمهور لیبی‌را در روز برگزاری مراسم تحلیف آماده می‌شود

در عرصه‌های مختلف، از سیاست تا فقر، هنوز برای زنان راه زیادی برای دستیابی به برابری و صعود وجود دارد. چهارمین کنفرانس جهانی زنان که درسال۱۹۹۵ در جنین از سوی سازمان ملل برگزار شد توجهات جهانی را به پیشرفت زنان جلب کرد. یک دهه بعد، پیشرفت در نقاط غیر قابل انتظاری چون انتخابات در لیبی‌را و شیلی خود را نشان می‌دهد. این انتخابات ارزش جشن گرفتن دارند، اما در حال حاضر باید تلاش‌ها را بر مناطقی که زنان هنوز موانع سنتی را کنار زده‌اند، متمرکز نمود.

داده می‌شود که بهبود وضعیت مهد کودک و حمایت از سرمایه‌گذاری زنان را شامل می‌شود. زاین‌هم‌چنین به سوی اعطای امپراتوری به یک‌ملکه کام‌برمی‌آورد، زیرا که طی ۴۰سال گذشته هیچ پسرى در خانواده امپراتور متولد نشده است.

جهان عرب نیز اخیراً به رسمیت شناختن پتانسیلهای کشف‌شده زنان به‌عنوان رهبران را آغاز کرده است. بر طبق قانون اساسی جدید عراق، از هر سه کاندیدا یکی باید زن باشد و ۲۵درصد پارلمان را نیز زنان باید تشکیل دهند.



ترکیه: تعقیب و گریز مرغ و کارمند وزارت کشاورزی

و آن هم قویتر شدن ابتلا در انسانها را در مقایسه با

حیوانات است. تا کنون آنها هرگونه ترکیب شدن آن را با آنفلوآنزای انسانی منفی دانسته‌اند. اطلاعات ژنتیکی می‌تواند این را نشان دهد که قربانی کجا مبتلا شده است و تا کنون به نظر می‌رسد که در تمامی موارد این ویروس از طریق پرندگان منتقل شده است.

آن‌هی، از شورای تحقیقات پزشکی انگلستان می‌گوید «وضعیتی که ما در ترکیه مشاهده می‌کنیم روشن نیست. تعداد مبتلایان و واگیری که در آن‌جا مشاهده شده است با آن چه که ما در ویتنام دیده‌ایم متفاوت است». در حال حاضر دانشندان امیدها و نگرانیها را به بعد موکول کرده‌اند و تلاش می‌کنند که اسرار ژنتیکی این ویروس را کشف کنند.

نگران کننده است. کمتر کشنده بودن آن را قادر می‌سازد که به سادگی به افراد دیگر منتقل شود. پاسخ به این سؤالات برای نحوه مقابله با این ویروس در آینده مهم هستند.

شیوع ویروس در ترکیه فرصتی را در اختیار دانشندان قرار داده است که آخرین فن و دانش را برای مقابله با شیوع ویروس به کار گیرند. این ویروس با گسترش در جهان در حال تغییر است. دانشندان برای دستیابی به اطلاعات تغییرات ژنتیکی و شیوع آن در مناطق دیگر می‌کنند که در مدت کوتاهی نتایجی را در اختیار آنها می‌گذارند.

شورای تحقیقات پزشکی در انگلستان تغییرات نگران کننده‌یی در یکی از نمونه‌های ترکیه یافته‌است که پیش از این در هنگ کنگ کنگک مشاهده شده است



گذاشته و فقط مقوله امنیت سوختی ماه نگرانی اندکی شده است. «وقفه برای بازاندیشی» به پایان رسیده و پیش نویس قانون اساسی کشورهای دیگر را ترغیب می‌کند تا به رغم «نه» مردم فرانسه و هلند، این منشور را به تصویب رسانند، تا کنون ۱۴ کشور به چنین امری اقدام ورزیده‌اند و بستری را فراهم آورده‌اند تا دیگر کشورها نیز نبرد نهایی خود در مسیر پایبندی به قانون اساسی خانواده اروپا گام برند. بدون شک میل وافر حامیان یکپارچه سازی اروپا آن چنان آتشین است که دالما خود را به وضوح نشان می‌دهد. گای وروهوفشاده، نخست وزیر بلژیک کابلی را به رشته تحریر درآورده با عنوان «ایالات متحده اروپا» وی در کتاب خود بر لزوم ایجاد همکاری نزدیک به ویژه همکاری سیاسی میان ۱۱ کشور واقع در کمربند اروپا تأکید کرده است. درخواستی برای تشکیل اروپایی منسجم و یکپارچه به حاد شدید است که انتظاری ورود از این رهگذر نتیجه‌یی حاصل شود. اما به سختی می‌توان گفت که نمره آن همکاری نزدیک کشورهای اروپا و تصویب بهترین شکل قانون اساسی اروپا باشد.

چنان چه نگاه خود به قانون اساسی را به گونه‌یی هدایت کنیم که ظاهراً اتفاقی رخ نداده و آن چه نیز به وقوع پیوسه مربوط به گذشته‌یی دور است و جای نگرانی ندارد تلقی کنیم، آن گاه استراتژی خطرناکی را اتخاذ کرده‌ایم. با این نگرش در حقیقت به عمیقتر شدن شکاف میان کشورهای تشکیل دهنده اتحادیه اروپا و یکپارچه به حاد شدید است که انتظاری ورود از این رهگذر نتیجه‌یی حاصل شود. اما به سختی می‌توان گفت که نمره آن همکاری نزدیک کشورهای اروپا و تصویب بهترین شکل قانون اساسی اروپا باشد.

چنان چه نگاه خود به قانون اساسی را به گونه‌یی هدایت کنیم که ظاهراً اتفاقی رخ نداده و آن چه نیز به وقوع پیوسه مربوط به گذشته‌یی دور است و جای نگرانی ندارد تلقی کنیم، آن گاه استراتژی خطرناکی را اتخاذ کرده‌ایم. با این نگرش در حقیقت به عمیقتر شدن شکاف میان کشورهای تشکیل دهنده اتحادیه اروپا و یکپارچه به حاد شدید است که انتظاری ورود از این رهگذر نتیجه‌یی حاصل شود. اما به سختی می‌توان گفت که نمره آن همکاری نزدیک کشورهای اروپا و تصویب بهترین شکل قانون اساسی اروپا باشد.

چنان چه نگاه خود به قانون اساسی را به گونه‌یی هدایت کنیم که ظاهراً اتفاقی رخ نداده و آن چه نیز به وقوع پیوسه مربوط به گذشته‌یی دور است و جای نگرانی ندارد تلقی کنیم، آن گاه استراتژی خطرناکی را اتخاذ کرده‌ایم. با این نگرش در حقیقت به عمیقتر شدن شکاف میان کشورهای تشکیل دهنده اتحادیه اروپا و یکپارچه به حاد شدید است که انتظاری ورود از این رهگذر نتیجه‌یی حاصل شود. اما به سختی می‌توان گفت که نمره آن همکاری نزدیک کشورهای اروپا و تصویب بهترین شکل قانون اساسی اروپا باشد.

چنان چه نگاه خود به قانون اساسی را به گونه‌یی هدایت کنیم که ظاهراً اتفاقی رخ نداده و آن چه نیز به وقوع پیوسه مربوط به گذشته‌یی دور است و جای نگرانی ندارد تلقی کنیم، آن گاه استراتژی خطرناکی را اتخاذ کرده‌ایم. با این نگرش در حقیقت به عمیقتر شدن شکاف میان کشورهای تشکیل دهنده اتحادیه اروپا و یکپارچه به حاد شدید است که انتظاری ورود از این رهگذر نتیجه‌یی حاصل شود. اما به سختی می‌توان گفت که نمره آن همکاری نزدیک کشورهای اروپا و تصویب بهترین شکل قانون اساسی اروپا باشد.

الف

الف واخر سال ۶۳ بود که تعدادی از بچه‌های گوهردشت را به بندهای عمومی قزلحصار آوردند. اشرف فدایی، فروزان عبدی، سهیلا مختارزاده(طلعت) و تعدادی دیگر که مدتهای طولانی در انفرادیهای گوهردشت به سر برده بودند. آنها طی ماهها و بعضیهاشان بیش از یک سال به هیچ چیز و هیچ خبری از بیرون دسترسی نداشتند و ملاقاتی هم نداشتند تا دست کم از طریق خانواده‌هایشان خبری بگیرند. رئیس زندان گوهردشت به آنها گفته بود: این‌جا هر کاری با شما بکنیم، هیچ کس خبردار نمی‌شود و ملاقاتی هم در کار نیست. خودشان به خنده می‌گفتند ما «اصحاب کیهف» شده‌ایم. همگی به‌شدت ضعیف و بیمار شده بودند ولی روحیه‌هایشان قوی بود و فقط برای این که پاسدارها و زندانبانها را به‌زانو دریاورند، دم بر نمی‌آوردند. قبل از سایر زندانیانها برای آوردن در هواخوری و ورزش و بازی آماده می‌شدند. ورودشان به بند با خبرهایی که دربارهٔ رهبری نوین مجاهدین از خارج کشور می‌رسید، همزمان شده بود. تقارن شگفت و مبارکی که فکر کردن به هر دو آنها گیج‌کننده ولی جذاب بود.

سهیلا به نسبت دو سال قبل که دیده‌بودمش قیافه‌اش عوض شده بود. آن قدر لاغر و نکیده که انگار قد کشیده بود. وقتی روسریش را برداشت موهایش با چنان بی‌رحمی غیرعادی کوتاه شده بود که نمی‌شد از ناشیگری سلمانیش بگذری.

دستی به‌سرش کشیدم
طلعت این چه قیافه‌یی است که برای خودت درست کرده‌ای؟

یک‌سال می‌شد که خود را در آینه ندیده بودم. نمی‌دانستم که شبیه ژان والژان یا پیرزنهای فیلم *مکبث* شده‌ام. پرپر زودت یک قیچی به دستمان دادند که ماست را هم به‌زور می‌پرید. چون شپش آمده بود. من فرصت را غنیمت شمردم و با هر جان‌کنندی بود، تمام موهایم را با همان قیچی از ته کوتاه کردم. «تیفوس» مد سال است حالا که خوشتر آمده بهتر است قایمش کنم که الگوبرداری نکنند و درحالی‌که می‌خندید، روسریش را روی سرش کشید. همه خندیدیم و به بحث گوهردشت برنگشتیم.

طلعت از شکنجه‌ها، تجاوزها نسبت به تعدادی از هوآهران و به شهادت آنهاپی صحبت کرد که حتی اسم بعضیهایشان را هم نمی‌دانست. وضع غذای گوهردشت با اوصاف طلعت از

ب

اوین و قزلحصار هم بدتر بوده. نانهای کیک‌زده یا خشک‌شده را به خوردشان می‌داده‌اند. از روزنامه، کتاب، قرآن و نهج‌البلاغه که پرسیدیم، به سؤالمان خندیدند. در نتیجه فهمیدیم هنوز خیلی جاها در رژیم هست که ما از آن بی‌خبریم.

وقتی طلعت از آن‌جا حرف می‌زد، رنگش زرد زرد می‌شد و معلوم بود بغضی را فرو می‌خورد و سعی می‌کند خودش را عادی نشان بدهد تا بقیه ناراحت نشوند. اما فروزان در مورد وضعیت گوهردشت می‌گفت: چیز مهمی نبود، مثل همهٔ زندانها، ماکه انتظار دیگری از آنها نداشتیم.

همهٔ زندانیهای قزلحصار فروزان را می‌شناخند. مهربانی، تواضع، خشوع و فروتنی فروزان یازند همهٔ بچه‌ها بود، درعین‌حال قاطعیتی داشت که در مقابل هیچ تهدیدی کوتاه نمی‌آمد. فروزان عضو تیم ملی والیبال زنان بود. ورزشکار حرفه‌یی و بسیار مسلطی که هیچ‌وقت در بازیهای والیبال زندان حاضر نبود از تخصصش استفاده کند. همه دوست داشتند با فروزان بازی کنند، نه فقط به‌خاطر بازی والیبال، بلکه به‌خاطر شخصیت جذاب و دوست‌داشتنی اش و ویژگیهای انقلابیش. مجموعه‌یی که باعث می‌شد بچه‌ها دورش جمع شوند. او هم همیشه گشاده‌رو و خندان با همه گرم می‌گرفت.

یکی از عرصه‌های ارتقای روحیه در زندان، انجام مسابقات والیبال بود. تعدادی از بریده‌ها، اعم از هواداران سابق مجاهدین و گروههای غیرمذهبی مانند پیکار و راه کارگر و اکثریت که به‌خاطر وجه‌مشترکشان در بریدگی با هم یک تیم تشکیل داده بودند و هویت دیگری نداشتند، حیاط را اشغال می‌کردند تا به این وسیله برای درآمدن از انزوی خودشان محملی داشته باشند. یک روز سراغمان آمدند و گفتند چرا نمی‌آید باهم بازی کنیم. شمامی‌ترسید که بازید. از فروزان استoxیمت ما تیم ما را تشکیل بدهد و مسابقه‌یی بدهیم که روی همه‌شان را کم کنیم. آن روز کمتر کسی از بچه‌های بند بود که به تماشاای این مسابقه نیامده باشد. فروزان حتی در بازی با آنها هم حاضر نبود از تواناییهای حرفه‌یی‌اش استفاده کند، با این‌حال آن‌قدر بچه‌ها تشویق کردند که به‌خاطرشان بازی جانانه‌یی کرد. صدای تشویق‌کردنها اوضاع بند را به‌هم

قهرمانان در زنجیر

ستاره‌های گوهر دشت

(نقل از کتاب «کرانهٔ حقیقی یک رؤیا» خاطرات زندان ملیحه مقدم)



رنگش پریده بود. مثل همیشه یکباره با هجوم پاسداران و مستولان بند مواجه شدیم که فریاد می‌زدند: متفرق شوید، خجالت بکشید، صدایتان از زندان بیرون می‌رود، بند مرده‌ای شوندا! ساکت باشید. کی گفته بازی کنید؟

ولی بچه‌ها محل نمی‌گذاشتند و به بازی ادامه می‌دادند تا پاسدارها آمدند و توپ را گرفتند و همه را با اجبار به‌داخل بند فرستادند.

اشرف فدایی هم که یکسال در انفرادی گوهردشت بود از تمام آن محدودیتها و فشارها، شاداب و سرفراز بیرون آمده بود و روحیه و طراوت انقلابیش را حفظ کرده بود. اولین باری که بعد از آمدن آنها هواخوری را باز کردند به‌محض بازشدن در، روسریش را دور گردنش بست و در حالی که تر و فرز به‌سست هواخوری می‌دوید، گفت: می‌روم هوا را بخورم بینم چه مزه‌یی پیدا کرده…

اشرف بعد از کمی قدم‌زدن، درحالی‌که به‌خوشه‌های مرگ سرپرده شدند.

الف

واخر سال ۶۳ بود که تعدادی از بچه‌های گوهردشت را به بندهای عمومی قزلحصار آوردند. اشرف فدایی، فروزان عبدی، سهیلا مختارزاده(طلعت) و تعدادی دیگر که مدتهای طولانی در انفرادیهای گوهردشت به سر برده بودند. آنها طی ماهها و بعضیهاشان بیش از یک سال به هیچ چیز و هیچ خبری از بیرون دسترسی نداشتند و ملاقاتی هم نداشتند تا دست کم از طریق خانواده‌هایشان خبری بگیرند. رئیس زندان گوهردشت به آنها گفته بود: این‌جا هر کاری با شما بکنیم، هیچ کس خبردار نمی‌شود و ملاقاتی هم در کار نیست. خودشان به خنده می‌گفتند ما «اصحاب کیهف» شده‌ایم. همگی به‌شدت ضعیف و بیمار شده بودند ولی روحیه‌هایشان قوی بود و فقط برای این که پاسدارها و زندانبانها را به‌زانو دریاورند، دم بر نمی‌آوردند. قبل از سایر زندانیانها برای آوردن در هواخوری و ورزش و بازی آماده می‌شدند. ورودشان به بند با خبرهایی که دربارهٔ رهبری نوین مجاهدین از خارج کشور می‌رسید، همزمان شده بود. تقارن شگفت و مبارکی که فکر کردن به هر دو آنها گیج‌کننده ولی جذاب بود.

سهیلا به نسبت دو سال قبل که دیده‌بودمش قیافه‌اش عوض شده بود. آن قدر لاغر و نکیده که انگار قد کشیده بود. وقتی روسریش را برداشت موهایش با چنان بی‌رحمی غیرعادی کوتاه شده بود که نمی‌شد از ناشیگری سلمانیش بگذری.

دستی به‌سرش کشیدم
طلعت این چه قیافه‌یی است که برای خودت درست کرده‌ای؟

یک‌سال می‌شد که خود را در آینه ندیده بودم. نمی‌دانستم که شبیه ژان والژان یا پیرزنهای فیلم *مکبث* شده‌ام. پرپر زودت یک قیچی به دستمان دادند که ماست را هم به‌زور می‌پرید. چون شپش آمده بود. من فرصت را غنیمت شمردم و با هر جان‌کنندی بود، تمام موهایم را با همان قیچی از ته کوتاه کردم. «تیفوس» مد سال است حالا که خوشتر آمده بهتر است قایمش کنم که الگوبرداری نکنند و درحالی‌که می‌خندید، روسریش را روی سرش کشید. همه خندیدیم و به بحث گوهردشت برنگشتیم.

طلعت از شکنجه‌ها، تجاوزها نسبت به تعدادی از هوآهران و به شهادت آنهاپی صحبت کرد که حتی اسم بعضیهایشان را هم نمی‌دانست. وضع غذای گوهردشت با اوصاف طلعت از

یادی از مجاهد قهرمان ابراهیم فرجی پور

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

ب

فرح را در سال ۶۰ در بند۲۴۶ بالا دیده بودم که او را «فریبا» صدا می‌کردیم. فرح در بخش محلات سازمان در تهران کار کرده بود و بسیار پرشور و سرحال بود. بازجوها هم تا اواخر سال ۶۱ اسم اصلی فریبا را نمی‌دانستند و او را به همین نام می‌شناختند. به هیچ اطلاعاتی از او نرسیده بودند و می‌خواستند با همان اسم مستعار آزادش کنند. اما سال۶۱ شناسایی شد و دوباره زیر بازجویی رفت و به‌شدت شکنجه شد

در بند۱ مادری به‌نام صدیقه زندانی بود که باردار بود و در سال۶۱ دستگیر شده بود. چون ملاقاتهایش را ممنوع کرده بودند، لباس مناسب نداشت. فرح محمدی که آن موقع از قزلحصار نداشت. به بند ما آورده شده بود، از چادر نمازش برای او لباس تهیه کرد. مادر صدیقه که انتظار نداشت کسی به‌فکر او باشد، خیلی خوشحال شده بود. اما همین موضوع را خاتنان گزارش داده بودند. مادر صدیقه در هواخوری سراغم آمد و گفت: به من هشدار داده‌اند که فرح می‌خواهد روی تو کار کند و به این علت برابم لباس دوخته و گفته‌اند مواظب باشم که در دام منافقین بند نیفتم! صدیقه اصرار می‌کرد به فرح بگو مواظب خودش باشد و آن خانها را لعن و نفرین می‌کرد.

فرح دچار خونریزی معده بود ولی هیچ‌وقت دم بر نمی‌آورد. فقط از رنگ چهره‌اش و این دست کی باید ناراحت باشم؟ از رژیم به‌خاطر فشارهایش یا از چند خانن و بریده به‌خاطر تن دادنشان به فشارها؟ سعی می‌کردم زیاد به این مسائل فکر نکنم ولی مسألهٔ دائمی و مبتلا به ما شده بود، دست خردمان نود و هرووز با این حرفها دست‌به‌گریبان بودیم. تازه برخی شهبها با ضربه‌های سختی بیدار می‌شدیم اما نمی‌فهمیدیم چه کسی این کار را کرده است. یک‌شب که از خواب پریدم، فرح را دیدم که صورتش خونی است. خودش گفت، ناگهان با ضربه‌یی بیدار شدم و دیدم یک ساک سنگین وسایل روی سر صورتم است.

به من حکم ۱۷سال زندان ابلاغ کرده بودند و فرح می‌گفت: الان با اوضاعی که هست تو هم زیر تیغ می‌روی. چون با من رابطه داری!

اما دیگر برابم مهم نبود و به رابطه‌ام با فرح ادامه می‌دادم.



باز پرسیدم: از این که قرار بود آزاد شوی و ناگهان تبدیل شد به اعدام ناراحت نیستی؟ دوباره خندید و گفت: از این که اعدام می‌شوم ناراحت نیستم. چون اگر آزاد هم می‌شدم دوباره می‌رفتم سراغ بچه‌ها و آن‌جا هم سرانجامش شهادت است. ولی برابم دردآور بود که هم‌رزمم مرا شناسایی کرد. همان سخت‌ترین روز زندگیم بود. حاضر بودم زیر شکنجه تکه‌تکه شوم ولی این لحظه را نبینم. وقتی دیدم آن خانن با دست مرا نشان داد و اسم اصلیم را به بازجوها گفت، انگار سنگ بزرگی روی سینم‌ام کوبیدند. نه به‌علت این که لو رفتم. به این دلیل که از طرف خودی خوردم. مگر خونم از این همه ملیشیا رنگتیر است؟

تا حدودی می‌توانستم احساس فرح را درک کنم. چون خودم لحظات مشابهی را گذرانده بودم. ولی نمی‌دانستم به او چه بگویم؟ لحظاتی به چشمهایش نگاه کردم و تلاش کردم بخندم. با خنده‌یی که او تلخی آن را بهتر از خودم درک می‌کرد.

بعد از آن محاکمه فشار را روی فرح زیاد کردند و هرکس با او حرف می‌زد مورد تهدید قرار می‌گرفت. زندانبانها پی‌دربی صدایش می‌کردند که تو تشکیلات راه‌انداخته‌یی و می‌خواهی روی بقیه کار کنی! می‌خواهی نشان بدهی که روحه‌ات بالاست ولی نشانت می‌دهیم …

در آن اوضاع بقیه بچه‌ها هم زیر آن فشارها زیاد با ما رابطه برقرار نمی‌کردند. نمی‌دانستم از دست کی باید ناراحت باشم؟ از رژیم به‌خاطر فشارهایش یا از چند خانن و بریده به‌خاطر تن دادنشان به فشارها؟ سعی می‌کردم زیاد به این مسائل فکر نکنم ولی مسألهٔ دائمی و مبتلا به ما شده بود، دست خردمان نود و هرووز با این حرفها دست‌به‌گریبان بودیم. تازه برخی شهبها با ضربه‌های سختی بیدار می‌شدیم اما نمی‌فهمیدیم چه کسی این کار را کرده است. یک‌شب که از خواب پریدم، فرح را دیدم که صورتش خونی است. خودش گفت، ناگهان با ضربه‌یی بیدار شدم و دیدم یک ساک سنگین وسایل روی سر صورتم است.

به من حکم ۱۷سال زندان ابلاغ کرده بودند و فرح می‌گفت: الان با اوضاعی که هست تو هم زیر تیغ می‌روی. چون با من رابطه داری!

اما دیگر برابم مهم نبود و به رابطه‌ام با فرح ادامه می‌دادم.

شاعر «گل باغ آشنایی» به باغ ابدیت پیوست

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

الف

واخر سال ۶۳ بود که تعدادی از بچه‌های گوهردشت را به بندهای عمومی قزلحصار آوردند. اشرف فدایی، فروزان عبدی، سهیلا مختارزاده(طلعت) و تعدادی دیگر که مدتهای طولانی در انفرادیهای گوهردشت به سر برده بودند. آنها طی ماهها و بعضیهاشان بیش از یک سال به هیچ چیز و هیچ خبری از بیرون دسترسی نداشتند و ملاقاتی هم نداشتند تا دست کم از طریق خانواده‌هایشان خبری بگیرند. رئیس زندان گوهردشت به آنها گفته بود: این‌جا هر کاری با شما بکنیم، هیچ کس خبردار نمی‌شود و ملاقاتی هم در کار نیست. خودشان به خنده می‌گفتند ما «اصحاب کیهف» شده‌ایم. همگی به‌شدت ضعیف و بیمار شده بودند ولی روحیه‌هایشان قوی بود و فقط برای این که پاسدارها و زندانبانها را به‌زانو دریاورند، دم بر نمی‌آوردند. قبل از سایر زندانیانها برای آوردن در هواخوری و ورزش و بازی آماده می‌شدند. ورودشان به بند با خبرهایی که دربارهٔ رهبری نوین مجاهدین از خارج کشور می‌رسید، همزمان شده بود. تقارن شگفت و مبارکی که فکر کردن به هر دو آنها گیج‌کننده ولی جذاب بود.

سهیلا به نسبت دو سال قبل که دیده‌بودمش قیافه‌اش عوض شده بود. آن قدر لاغر و نکیده که انگار قد کشیده بود. وقتی روسریش را برداشت موهایش با چنان بی‌رحمی غیرعادی کوتاه شده بود که نمی‌شد از ناشیگری سلمانیش بگذری.

دستی به‌سرش کشیدم
طلعت این چه قیافه‌یی است که برای خودت درست کرده‌ای؟
یک‌سال می‌شد که خود را در آینه ندیده بودم. نمی‌دانستم که شبیه ژان والژان یا پیرزنهای فیلم *مکبث* شده‌ام. پرپر زودت یک قیچی به دستمان دادند که ماست را هم به‌زور می‌پرید. چون شپش آمده بود. من فرصت را غنیمت شمردم و با هر جان‌کنندی بود، تمام موهایم را با همان قیچی از ته کوتاه کردم. «تیفوس» مد سال است حالا که خوشتر آمده بهتر است قایمش کنم که الگوبرداری نکنند و درحالی‌که می‌خندید، روسریش را روی سرش کشید. همه خندیدیم و به بحث گوهردشت برنگشتیم.

طلعت از شکنجه‌ها، تجاوزها نسبت به تعدادی از هوآهران و به شهادت آنهاپی صحبت کرد که حتی اسم بعضیهایشان را هم نمی‌دانست. وضع غذای گوهردشت با اوصاف طلعت از

ب

فرح را در سال ۶۰ در بند۲۴۶ بالا دیده بودم که او را «فریبا» صدا می‌کردیم. فرح در بخش محلات سازمان در تهران کار کرده بود و بسیار پرشور و سرحال بود. بازجوها هم تا اواخر سال ۶۱ اسم اصلی فریبا را نمی‌دانستند و او را به همین نام می‌شناختند. به هیچ اطلاعاتی از او نرسیده بودند و می‌خواستند با همان اسم مستعار آزادش کنند. اما سال۶۱ شناسایی شد و دوباره زیر بازجویی رفت و به‌شدت شکنجه شد

در بند۱ مادری به‌نام صدیقه زندانی بود که باردار بود و در سال۶۱ دستگیر شده بود. چون ملاقاتهایش را ممنوع کرده بودند، لباس مناسب نداشت. فرح محمدی که آن موقع از قزلحصار نداشت. به بند ما آورده شده بود، از چادر نمازش برای او لباس تهیه کرد. مادر صدیقه که انتظار نداشت کسی به‌فکر او باشد، خیلی خوشحال شده بود. اما همین موضوع را خاتنان گزارش داده بودند. مادر صدیقه در هواخوری سراغم آمد و گفت: به من هشدار داده‌اند که فرح می‌خواهد روی تو کار کند و به این علت برابم لباس دوخته و گفته‌اند مواظب باشم که در دام منافقین بند نیفتم! صدیقه اصرار می‌کرد به فرح بگو مواظب خودش باشد و آن خانها را لعن و نفرین می‌کرد.

فرح دچار خونریزی معده بود ولی هیچ‌وقت دم بر نمی‌آورد. فقط از رنگ چهره‌اش و این دست کی باید ناراحت باشم؟ از رژیم به‌خاطر فشارهایش یا از چند خانن و بریده به‌خاطر تن دادنشان به فشارها؟ سعی می‌کردم زیاد به این مسائل فکر نکنم ولی مسألهٔ دائمی و مبتلا به ما شده بود، دست خردمان نود و هرووز با این حرفها دست‌به‌گریبان بودیم. تازه برخی شهبها با ضربه‌های سختی بیدار می‌شدیم اما نمی‌فهمیدیم چه کسی این کار را کرده است. یک‌شب که از خواب پریدم، فرح را دیدم که صورتش خونی است. خودش گفت، ناگهان با ضربه‌یی بیدار شدم و دیدم یک ساک سنگین وسایل روی سر صورتم است.

به من حکم ۱۷سال زندان ابلاغ کرده بودند و فرح می‌گفت: الان با اوضاعی که هست تو هم زیر تیغ می‌روی. چون با من رابطه داری!

اما دیگر برابم مهم نبود و به رابطه‌ام با فرح ادامه می‌دادم.

الف

واخر سال ۶۳ بود که تعدادی از بچه‌های گوهردشت را به بندهای عمومی قزلحصار آوردند. اشرف فدایی، فروزان عبدی، سهیلا مختارزاده(طلعت) و تعدادی دیگر که مدتهای طولانی در انفرادیهای گوهردشت به سر برده بودند. آنها طی ماهها و بعضیهاشان بیش از یک سال به هیچ چیز و هیچ خبری از بیرون دسترسی نداشتند و ملاقاتی هم نداشتند تا دست کم از طریق خانواده‌هایشان خبری بگیرند. رئیس زندان گوهردشت به آنها گفته بود: این‌جا هر کاری با شما بکنیم، هیچ کس خبردار نمی‌شود و ملاقاتی هم در کار نیست. خودشان به خنده می‌گفتند ما «اصحاب کیهف» شده‌ایم. همگی به‌شدت ضعیف و بیمار شده بودند ولی روحیه‌هایشان قوی بود و فقط برای این که پاسدارها و زندانبانها را به‌زانو دریاورند، دم بر نمی‌آوردند. قبل از سایر زندانیانها برای آوردن در هواخوری و ورزش و بازی آماده می‌شدند. ورودشان به بند با خبرهایی که دربارهٔ رهبری نوین مجاهدین از خارج کشور می‌رسید، همزمان شده بود. تقارن شگفت و مبارکی که فکر کردن به هر دو آنها گیج‌کننده ولی جذاب بود.

سهیلا به نسبت دو سال قبل که دیده‌بودمش قیافه‌اش عوض شده بود. آن قدر لاغر و نکیده که انگار قد کشیده بود. وقتی روسریش را برداشت موهایش با چنان بی‌رحمی غیرعادی کوتاه شده بود که نمی‌شد از ناشیگری سلمانیش بگذری.

دستی به‌سرش کشیدم
طلعت این چه قیافه‌یی است که برای خودت درست کرده‌ای؟

یک‌سال می‌شد که خود را در آینه ندیده بودم. نمی‌دانستم که شبیه ژان والژان یا پیرزنهای فیلم *مکبث* شده‌ام. پرپر زودت یک قیچی به دستمان دادند که ماست را هم به‌زور می‌پرید. چون شپش آمده بود. من فرصت را غنیمت شمردم و با هر جان‌کنندی بود، تمام موهایم را با همان قیچی از ته کوتاه کردم. «تیفوس» مد سال است حالا که خوشتر آمده بهتر است قایمش کنم که الگوبرداری نکنند و درحالی‌که می‌خندید، روسریش را روی سرش کشید. همه خندیدیم و به بحث گوهردشت برنگشتیم.

طلعت از شکنجه‌ها، تجاوزها نسبت به تعدادی از هوآهران و به شهادت آنهاپی صحبت کرد که حتی اسم بعضیهایشان را هم نمی‌دانست. وضع غذای گوهردشت با اوصاف طلعت از

یادی از مجاهد قهرمان ابراهیم فرجی پور

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهرماه ۱۳۸۴

مهر

